



به انگیزه سالروز ولادت فاطمه زهرا(س)
و ایام گرامیداشت مقام زن

دستی پر از ستاره

از چند تن دین سرایان زن پرسیده ایم که ویژگی شعر مذهبی و شاعر مذهبی چیست ۱۸

گپ و گفت با نوش آفرین انصاری

کتابداری علمی در ایران

نوش آفرین انصاری را مادر کتابداری علمی در ایران می دانند. او پس از ۳۹ سال فعالیت در عرصه فرهنگ این کشور همچنان پر تلاش و استوار است، به کار خود عشق می ورزد و نمره آن را دواع بیناته موفق به می داند.

خانم انصاری مقاله های بسیاری در حوزه کتابداری دارد و البته چند ترجمه در طول این سالها کتاب های بسیاری به یاری او از نیشی نجات یافته اند، محققان، دانشجویان و دانش پژوهان بسیاری از سردرگمی رها شده اند و کتابخانه های نیز نظم و نسق و ترتیب پیدا کرده اند.

با او به بهانه روز زن در شورای کتاب کودک به گفت و گو نشستیم در محیطی کوچک اما بسیار صمیمی با اموایی از خاطرات، نام های بزرگ، کارهای عظیم و دوستی های ابدی.

می توان در محضر هر دادگاهی گفت که مدرسان کتابداری ایران و نویسندگان و پژوهشگران تلاش خودشان را کرده اند

معتمد که علم و تمام مبانی نظری باید بر اساس عمل و یافته های بومی شکل بگیرد نه بر اساس یافته های وارداتی

۲۰



ISSN:1029-3345

شماره ۲ شهریور ۱۳۸۱
۱۵ جمادی الثانی ۱۴۲۳
۲۴ آگوست ۲۰۰۲
شماره ۱۷۷، پیاپی ۳۴۴
شمارگان ۷۰۰۰۰
صفحه ۱۰۰، تومان ۳۲



زن، جنگ، عشق و ...

یکی از شاخص ترین وجوه دفاع مقدس حضور زنان در جنگ بود. از زمانی که مشوق مردان، پدر و پسر به شرکت در جبهه بودند تا زمانی که بدون واسطه حتی پادشاهان به عقابله می یافتند. بر دامن این حضور از هر جهت (کتاب یا تصویر) انگلی نماند تا سلیقه ای تحلیلی و شناخت این پدیده از زمان مادی در اختیار داشته باشد. داستان به لحاظ اغلاط یا تحلیلی نرسیده جذابیت بیشتری داشته اند. مخاطبان بیشتری را به خود جلب می کند. آیا نویسندگان این وظیفه را احساس کرده و نقش خود را بخوبی ایفا کرده اند. آیا نوشته های تصویری واقعی و نزدیک به آنچه زنان در جنگ انجام داده اند نشان دهند؟

با تعدادی از نویسندگان در این باره گفت و گو و شنیدیم.

۱۷

گفت و گو با فریده کلیو

قصه نویسی زنان

نویسنده کی زنان نویسنده و وضعیت ادبیات
محورهای این گفت و گو است

۱۰

فوزیه مجد

فوزیه مجد
آهنگساز
و نویسنده

۲۳

گفت و گو

کتاب و کارگردان فیلم زندان زنان

تأثیر کتاب را بر رنگ تر کنیم

۱۶



تجلیل از
پرویز شهبازی

۲

یادداشت

چاپ اول!

۷

ارسال کتاب های خارجی برای شرکت در دور تازه جایزه جهانی کتاب سال ایران

۲



گفت و گو با مرادی کرمانی

داستان های غم انگیز

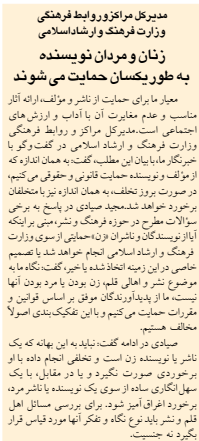
۱۴



نگاه دکتر ابوالحسن نجفی به زنده یاد دکتر جواد حدیدی

دکتر حدیدی پس از یک عمر تلاش فرهنگی و علمی
رو ۲۸ مرداد سن ۷۰ سالگی جهان را بدرود گفت

۵



۲۰۰ عنوان کتاب از ایران در نمایشگاه دمشق

دفعهٔ نهمین و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با پیش از ۲۰۰ عنوان کتاب در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب دمشق شرکت دارد. در این نمایشگاه علاوه بر دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که با مجموعه آثاری از انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های تابعهٔ جامعهٔ نشین‌ها زبان‌های انگلیسی، عربی و فرانسه همراه با آثاری که قابلیت ترجمه و عرضه بین‌المللی دارند، رایتی جمهوری اسلامی نیز در غرفه‌های جداگانهٔ کتاب‌های هنری، تاریخی، فقهی، ایرانشناسی و کودک و نوجوان در این نمایشگاه حضور فعال دارد.

در هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب دمشق، نشراتی از کشورهای سوریه، اردن، عمان، کویت، امارات، تونس، الجزایر، عربستان، لبنان، مصر، مراکش، یمن، ایران، انگلستان، فرانسه، روسیه، آلمان و تعدادی از سازمان‌های فرهنگی ایران و سازمان‌های بین‌المللی از سراسر جهان آثار خود را عرضه می‌کنند.

هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب دمشق اسفند یاخوردیش از بیست‌وشش کشور خارجی از ۱۸ تا ۲۸ اکتبر (۱۶ تا ۲۶ مهر ماه ۱۳۸۱) در شهر دمشق پایتخت سوریه برگزار می‌شود.

<div><div> </div><div><div>بسم‌الله الرحمن الرحیم</div></div></div>
<div> <div><div> </div></div></div> <div> <div>درگذشت استاد گرفتار و نویسنده، توانا و مترجم و خادم برگزیدهٔ قرآن کریم و منتخب دو دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران مرحوم دکتر جواد حدیدی را که عمر پربار خویش را صرف تعلیم و تألیف و تحقیق نمود و آثاری ارزشمند را از خود به یادگار گذاشت و در مسیر اعتدالی فرهنگ قدم‌هایی استوار برداشت به جامعه علمی و فرهنگی کشور و پژوهندگان ادب و فرهنگ ایران تسلیت می‌گوییم.</div></div>

شماره ۷۷، شنبه ۲ شهریور ۱۳۸۱

«ریحانه» و «جوانه» دو نوجوان هستند که از روزهای آغازین شهریورماه کتاب‌های ویژه کودکان و نوجوانان را زیر دستوس حمایت‌های خود قرار داده و آثاری را ویژهٔ میزبانان ریگان به چرخهٔ حیات می‌دهند.

این طرح که توسط مؤسسه فرهنگی و انتشارات کودک و نوجوان در می‌آید، از شهر تهران آغاز به کار می‌کند و در صورتی که با استقبال مخاطبان مواجه شود، در شهرستان‌ها نیز اجرا خواهد شد.

علی‌رستمی برمدیر این انتشارات در گفت‌وگو با خبرنگار ما هدف از اجرای این طرح را ترویج فرهنگ کتابخوانی در کودکان و نوجوانان عنوان کرد و گفت: در این زمینه نشر کتاب‌های کودک و نوجوان فعال هستند، اما نیاز به بررسی‌های دیگری از عوامل فاصله بین کودکان و نوجوانان و کتاب را می‌تواند تبلیغ مناسب و اصولی محصولات مکتوب برای آنها عنوان کرد.

مدیر انتشارات نورالزلفین متعقد است که محصولات غیر مکتوب، مناسب‌تر از کتاب تبلیغ می‌شوند و رسانه‌ها آسانگر آیه‌آه تألیف‌نقدی می‌کنند.

در این جشنواره که در نیمه دوم سال جاری برگزار می‌شود، برترین آثار مکتوب مرتبط با چهارده معصوم(ع) ادر طول ۳۳ سال بعد از انقلاب اسلامی معرفی می‌شوند.

علاقه‌مندان به شرکت در این جشنواره می‌توانند دو نسخه از آثار خود را حداکثر تا ۲۵ شهریورماه به نشانی تهران، خیابان شهید نجات



«ریحانه» و «جوانه» به بچه‌ها کتاب هدیه می‌دهند
متأسفانه در این وادی تلاش قابل توجهی از خود نشان نمی‌دهند، رستمی بزرگ‌اشقی مناسب کودکان و نوجوانان از کتاب‌های مربوط به خورشان را برای خبیبی خواند و اطلاع‌دالته باشند.

وی با اشاره به رویارویی منتقدین ریحانه و جوانه با بچه‌ها و عرضه کتاب به این مخاطبان گفت: کودکان و نوجوانان باید به کتاب خواندن تشویق شوند و اگر این رویکرد مکتوب در این گروه‌های سنی اتفاق بیفتد، می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از مشکلاتی که شاهد آن هستیم حل می‌شود. رستمی یوتیوب، ریحانه و جوانه، تعدادی از بچه‌های کتابخوان و منتکر ایرانی هستند که همسرنسای‌های خود را به کتاب خواندن و حضور یا نشاط در عرصه فرهنگ، آندیشه و علم دعوت می‌کنند.

به گفته وی، ریحانه و جوانه در پارک، محله‌ها و کوچه‌ها حضور پیدا می‌کنند و ضمن عرضه کتاب به مخاطبان، با آنها دربارهٔ محتوای کتاب‌ها گفت‌وگو می‌کنند.

تقدیر از برترین نگارش‌ها درباره چهارده معصوم(ع)

اللهم! رو بروی هتل خوربه، بن بست دوم، پلاک ۱۷، مجمع جهانی اهل بیت، طبقه سوم ارسال کنند.



از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی صورت گرفت تجلیل از پرویز شهبازی

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی طی مراسمی از استاد پرویز شهبازی، پدربزرگ ریاضیات ایران تجلیل کرد.

به گزارش خبرنگار ما در این مراسم که شنبه هفته گذشته برگزار شد، دکتر سید عطاءالله مهاجرانی رییس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها، دکتر مهدی محقق رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و جمعی از صاحبزنان و کوشندگان عرصه‌های علمی و فرهنگی حضور یافتند.

دکتر مهاجرانی در ابتدا با تشکر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به خاطر برگزاری این برنامه، گفت: برای آبادانی و توسعه این سرزمین هیچ راهی غیر از توسعه دانش و ارتقای دانایی وجود ندارد و بدون تردید، قدر مشترکی میان همه ما که در سرزمین ایران زندگی می‌کنیم وجود دارد و آن، توسعه، آبادانی و سرزندگی این سرزمین است. مهاجرانی افزود برای آموختن، مقطع و محدودیت زمانی و زبانی وجود ندارد و هیچ شرایطی نمی‌تواند مانع آن شود و هیچ محدودیتی برای آموزارگان در هر آیین رسمی وجود ندارد. وی ضمن اشاره به دستوره‌های مؤکد ذیبی و قرآنی در ارتباط با تکریم دانش و درک جایگاه علمان و دانشمندان گفت: استاد پرویز شهبازی همه عمر خود را در راه دانش و دانایی سپری کرد.

رییس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها افزود: در مقطع کنونی مدارا و صمیمیت،

ارسال کتاب‌های خارجی برای جایزه جهانی کتاب سال ایران از سوی مؤلفان و مراکز فرهنگی داخلی و خارجی، کتاب‌های فراوانی به منظور شرکت در همین دوره جایزه جهانی کتاب سال به دبیرخانه این جایزه معرفی شده است. در این دوره کتاب‌های چاپ اول سال ۲۰۱۱ در حوزه‌های اسلام‌شناسی و ایرانشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کتاب‌هایی که تاکنون شناسایی و تهیه شده‌اند، در موضوعات تاریخ اسلام، فقه، گفت‌وگوی ایران، ادبیات شیعی، مکاتب فلسفی، جامعه‌شناسی، زبان و ادبیات فارسی و…، می‌باشند.

طبق روال سال‌های آرزایی، کتاب‌ها توسط اساتید و داوران هر حوزه انجام می‌شود. در این دوره علاوه بر شیوه آرزایی فوق، آثار شناسایی شده، با حضور صاحبزنان در جلساتی مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند.

ریحانه و جوانه، به بچه‌ها کتاب هدیه می‌دهند

متأسفانه در این وادی تلاش قابل توجهی از خود نشان نمی‌دهند، رستمی بزرگ‌اشقی مناسب کودکان و نوجوانان از کتاب‌های مربوط به خورشان را برای خبیبی خواند و اطلاع‌دالته باشند.

وی با اشاره به رویارویی منتقدین ریحانه و جوانه با بچه‌ها و عرضه کتاب به این مخاطبان گفت: کودکان و نوجوانان باید به کتاب خواندن تشویق شوند و اگر این رویکرد مکتوب در این گروه‌های سنی اتفاق بیفتد، می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از مشکلاتی که شاهد آن هستیم حل می‌شود. رستمی یوتیوب، ریحانه و جوانه، تعدادی از بچه‌های کتابخوان و منتکر ایرانی هستند که همسرنسای‌های خود را به کتاب خواندن و حضور یا نشاط در عرصه فرهنگ، آندیشه و علم دعوت می‌کنند.

به گفته وی، ریحانه و جوانه در پارک، محله‌ها و کوچه‌ها حضور پیدا می‌کنند و ضمن عرضه کتاب به مخاطبان، با آنها دربارهٔ محتوای کتاب‌ها گفت‌وگو می‌کنند.



سرمین زنده‌گی می‌کنند باید برای توسعه و محقق کشور از آن استفاده کنند. دکتر محقق نیز برپایهٔ مراسم بزرگداشت اصحاب علم و فرهنگ از امری مهم و لازم دانست و گفت: مشایخ فرهنگ و علم باید به نسل جوان امروز معرفی شوند. وی با اشاره به احاطهٔ استاد شهبازی بر ریاضی، گفت: احاطهٔ شهبازی را بر دیگر علوم نیز نمی‌توان نادیده گرفت. دکتر محقق در ادامه، با اشاره به تاریخچه ریاضیات در ایران و ریاضیدانان ایرانی گفت: دانشمندان اسلامی به فراگیری حساب و هندسه تأکید فراوان داشتند و می‌توانستند آن‌سک که هندسهٔ نیمی‌اند، وارد مدرسه ما شوند و تأکید خاصی که ذهن خود را با علم هندسه توسعه داده‌اند، تزکیک مدرسه ما شوند. وی افزود: در حال حاضر اگر دانشمندی بدون استاد شهبازی نبوده، رابطهٔ ساکنان این سرزمین با سربلندی‌های علمی شان قطع می‌شد.

بعد از بیسی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چند دیگر به سخنرانی پرداختند: کیمی‌نواغ به علمی سید محمدنسی دبیر گروه فرهنگی گفتگوش، مهدیس پرویز منگ‌پور، دکتر پرویز رحیمی و جهاد اسلام سید ابراهیم سید علوی اشاره کرد.

در پایان مراسم که با حضور گروه زیادی از رؤسایان همراه بود، لوح تقدیری به استاد شهبازی اهدا شد.

دفاع از حقوق مؤلفان

و مصنفان یا ثبت اثر

طرح ثبت آثار مؤلفان، مصنفان و هنرمندان بر اساس قانون مصوب سوم آذرماه ۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی و در مشاکرت کتابخانه ملی ایران تهیه شده است که اجزای آن هنرمندان یا هفته دولت و سالروز ولادت حضرت زهرا(س) آغاز می‌شود.

مدیر کل مراکز و روابط فرهنگی و توضیح بیشتر این طرح گفت: نویسندهٔ آثار مؤلفان و نشراتی کشور از هفتهٔ شهریور سال جاری، می‌توانند با مراجعه به

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائهٔ یک نسخه از اثر خود، نسبت به ثبت اثر اقدام کنند. محمدحسین‌آجری این طرح را یکی از راههای ایجاد امنیت ذهنی در حوزه نشر و ترسانای رعایت حقوق مؤلفان و مصنفان دانست و گفت: با آغاز اجرای این طرح، کلبهٔ آثار تألیفی پس از ثبت، از هر گونه تعرض مصون می‌ماند و در صورت بروز تخلف، صاحب اثر می‌تواند با مالکیت اثر نسبت به بازپس کردن آن حقوق معنوی و مادی اثر خود اقدام قانونی کند.

صیادی گفت: دعوت ثبت اثر نویسندهٔ آثار از حوزهٔ تهران در مراکز و کتابخانه‌ها در اسفندماه انجام خواهد شد، پرویز اعلام می‌شود.

وی هدف از اجرای این طرح احاطهٔ و پاسداری از معنوی صاحبان و پایندهٔ آثار و نگاه آرزاییانهٔ ترسانای رعایت حقوق وزارت ارشاد و کتابخانه ملی عنوان کرد. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران فرم‌های ویژه‌ای بر اساس استانداردهای جهانی تهیه کرده و جزوات راهنمای ثبت اثر، قابل ابداع و کتابخانه ملی، ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و رساندها و تشکل‌های صنفی نشران و نویسندگان عرضه می‌شود.

جایزه یالدا

www.yaldaq.org

آثار رسیده:

رمان:

- 1- باسکر کتایف، اوراق اسرایی (۱۳۸۶ و ۱۳۸۷)
- 2- دکتر کفا پوی کی، سیدمتکون (۱۳۸۷)
- 3- باقری دشت آزاده، توتکالی، ایزدور هنر (۱۳۸۷)
- 4- باقری لیلی، حیدر پادان، فریاد (۱۳۸۷)
- 5- ویرانه بر باد، احمد مصطفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 6- به خلق فریاد، فریاد، فریاد، ابرار (۱۳۸۷)
- 7- فریاد بر لب زمین، وحیدی، ابرار (۱۳۸۷)
- 8- خون‌خوار، یوسف گلستان، ابراهیم گلستان (۱۳۸۷)
- 9- بهارچه را من قتلش می‌کنم، آزاده پیرزاد، ابرار (۱۳۸۷)
- 10- بهارات سرایی، افروز، ابرار (۱۳۸۷)
- 11- دستان پسته، افروز، ابرار (۱۳۸۷)
- 12- در آغوش ابرو، میرزا، ابرار (۱۳۸۷)
- 13- در آغوش ابرو، رحمانی، ابرار (۱۳۸۷)
- 14- در آغوش ابرو، رحمانی، ابرار (۱۳۸۷)
- 15- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 16- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 17- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 18- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 19- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 20- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 21- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 22- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 23- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 24- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 25- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 26- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 27- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 28- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 29- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)
- 30- زلفی، ابرار (۱۳۸۷)

داستان کوتاه

- 1- از برای تو هر آینه‌ای که آینه است (۱۳۸۷)
- 2- دریا و کافه، احمد علی، ابرار (۱۳۸۷)
- 3- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 4- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 5- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 6- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 7- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 8- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 9- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 10- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 11- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 12- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 13- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 14- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 15- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 16- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 17- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 18- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 19- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 20- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 21- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 22- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 23- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 24- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 25- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 26- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 27- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 28- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 29- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 30- آینه، ابرار (۱۳۸۷)

- 1- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 2- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 3- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 4- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 5- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 6- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 7- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 8- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 9- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 10- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 11- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 12- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 13- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 14- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 15- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 16- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 17- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 18- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 19- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 20- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 21- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 22- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 23- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 24- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 25- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 26- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 27- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 28- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 29- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 30- آینه، ابرار (۱۳۸۷)

داستان کوتاه منتشر نشده:

- 1- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 2- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 3- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 4- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 5- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 6- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 7- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 8- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 9- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 10- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 11- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 12- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 13- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 14- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 15- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 16- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 17- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 18- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 19- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 20- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 21- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 22- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 23- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 24- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 25- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 26- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 27- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 28- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 29- آینه، ابرار (۱۳۸۷)
- 30- آینه، ابرار (۱۳۸۷)



انتشارات کاروان

حدیث دیار ایران

کاشان دیار ایران (آشنای با مفاخر دینی از سده دوم تا سده چهاردهم هجری قمری)، حبیب‌الله سلیمانی آرانی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۱.

با مفاخری که از سده دوم تا چهاردهم هجری ریشه‌نند این اثر به همت حبیب‌الله سلیمانی آرانی گردآوری و تدوین شده‌است. این کتاب در خرداد ۱۳۸۱ به شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی

کاشان و زیر نظر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان چاپ شده‌است. کاشان دیار ایران حاوی ۱۳ فصل است که هر فصل حاوی آه‌های هر قرن است. پشت جلد این کتاب نوشته شده: «نگاره برگذشت محققان فرزانه- ملا محمدی با ملاحظهٔ تاریخی (فلسطینی زرائی) کاشان- خردادماه ۱۳۸۱»، این اثر ۳۲ صفحه به زیور چاپ آرشته شده است. «در پهنه گیتی و در توفیق تاریخ، کتیبه‌ای با نام کاشان ثبت است که از عطر حضور میراث آثار علوم احمدی سرشار و در آن دیار اهالی نون و قلم سرآمد آن روزگار در امتداد تاریخ بوده‌اند.»

قلب اورندی، ابوالرضا یاروندی، شیخ عبدالرزاق کاشی، شاه مرتضی ثانی و… از مفاخران دیار ایران می‌باشند.

روزی که ماه آواز خواند

آواز ماه، مینرآ باقوفی، چاپ اول، ۱۳۸۱ **کرمانشاه**، نشر چشمه **تر** و دانش، ۲۰۰۳ **حضور** بانوان در عرصه فرهنگ و هنر و ادب حضوری مبارک و فرخنده

می‌باشد. زنان نیمی از پیکر یک جامعه را تشکیل می‌دهند. زنان ایرانی به روایت شاهنامه حکیم فردوسی، از روزگار باستان، در کسوت سپاهبگری، اداره کشور، مثل پوران دخت، به‌عنوان زنان آزاده و سنت شکن، تهمینه و پاکدامن همچون منبوه و… و این از مقدمه منصور باقوفی است در آبان ۱۳۸۰، بر آواز ماه.

هنر و دانش در شهر کرمانشاه به طبع رسیده. مینرآ باقوفی متولد ۱۳۲۶ است.

سایه پرده، پرتوچین رامی شکندریک شاخه‌هیجه پاک‌گذرپورانهٔ آبی می‌شکند یاروندیو نه‌های کوهی راه‌پریال اسب‌های سپیدی ریزدوفتی خوشبید(آواز زندگی می‌خواند. این شعری از کتاب ۶۴صفحه‌ای مینرآیقوفی است.

زندگی و آثار دکتر ابوتراب نقیسی

به اهتمام نسرن نفیسی و مهدی نفیسی، انتشارات نقش خورشید، اصفهان، ۱۳۸۰

این کتاب شرح دوگانگی فرهنگی در ایران است؛ زمانی که تجدد با آغاز روی کار آمدن رضا شاه به صورت پیگیر و برنامه‌ریزی شده از بالا به درون جامعه سنت کرای ایران رخنه می‌کند و تار و پود آن را در بر گرفته و دچار دگرگونی می‌کند. کتاب به بیان دوگانگی مدنیتیه و سنت گرایم در پیشرفت علم طب می پردازد. چگونگی پزشکی نوین رفته رفته در درون جامعه ایران (معاصر جای پای می یابد و طب سنتی متداول آن زمان (طب مجلیوسمی و عامه) را دگرگون می‌کند. بازنگری این دوگانگی از وری شرح زندگی یکی از نخبگان طب نوین، یعنی دکتر ابوتراب نقیسی، صورت می‌گیرد. او یکی از چهار پزشکی است که طب جدید را در دانشکده پزشکی تهران فرا گرفته و برای به عمل در آوردن یافته‌های خویش به زادگاه خود اصفهان آثار دکتر نقیسی، فرزندان او هر کدام از دیدگاه خود به بررسی گوشه‌هایی ناگفتنی از زندگی پدر می‌پردازند، که هر کدام در نوع خود جالب و گیراست. فهرست مقالات این مجموعه ۲۵۰ صفحه‌ای از این قرار است: پیش گفتار، مقدمه، زندگی نامه، گزیده خاطرات، گزیده سفرنامه‌ها، خاطرات سخن بگو گفت‌وگو با پدر؛ گفت‌وگو با مادر، پدر و خانه پدری، نامه‌ای به پدرم، کارت سبز، محله دروازه دولت، گلچین آثار و کتاب نامه و در آخر کتاب مکس های ا دکتر نقیسی از کودکی تا حال ضمیمه شده است.

مهربانان

مهربانان

حرفهای شهبلا پروین روح – نویسنده شیرازی

از مهربانان جنگل تا حنای سوخته

دوست می‌گویید، در دهه ۶۰ و نطقاً یکی از آثار خوب دهه ۶۰ هم بوده، اما پیش از آنکه امثال روانی پور و یا شهروز پارسا پور رو به همین زار یا آداب و رسوم جنوبی ها یا همان رئالیسم جادویی بیاورنده آثار مارکتر ترجمه شد و دواج سپهر یافت

نه، بیاید، نشسته‌اید که ملاً متیزوروتوی پور از مارکتر تقلید کرده، بلکه آنها خود، خودشان هستند و این تنها دلش، شایسته فضای جنوب با فضای اینگونه آثار است و مهمتر از اینها دغدغه‌های انسانی است که در همه جا یکسان است و اگر در شرایط جغرافیایی کوچک‌ترین شایستی باشد، بیشتر به این امر امان می‌زند.

اما قبل تر از اینکه آثار مارکتر ترجمه شود، آثار **مهرچین «مهرادران بیل»** یا **«سوس و لوزه»** از **غلامحسین ساعدی** چاپ می‌شود که تمام این دو راقتضی کشیدیم و لایه لای این نقش‌ها، یک داستان نوشید.

به چه انگیزه‌ای در آن سن فسمه نوشید؟

خوب بدم مانده. قرار بود طبق تکلیف معلممان هر کدام از بچه‌ها یک کتاب به کتابخانه مدرسه تقدیم کنیم. اما من دیگر هیچ پولی در سباط نداشتم، چون تمام پول هفتگی‌ام را خرج کرده بودم. مجبور شدم خودم دست امشش چه بود؟

مهربانان جنگل.

از جنگل مهربانان بگو.

قصه یک آقا شیروه بود که می‌خواست دیگر گوشت نخورد. البته بعدها که بزرگ‌تر شدم با خود گفتم که اگر گوشت نخورد پس چه بخورد.

لایب‌بعد از تشکیل خانواده به این نتیجه رسیدید

(می‌خندد) اولی باور کنید حالا حاضریم در برابر پول چاپ یک کتاب را بدهم و در عوض آن دفتر چهل برگ را داشته باشم.

شیرازی شهری است با سابقهٔ درخشانش در تاریخ هنر و ادبیات. **تاریخ نگاران** بخشی از درخشش این مردان را تدوین جعفرآقای این خاندان می‌دهد. از رویه‌های این سفرنامهٔ آژان‌آلان بگوید: «دوایی صفتی جوانی گذاشته، اگر این دنیا را در بیشتر جغرافیایی اشل دنبال کنید، می‌تید که شیرازی شکل چهارراهی است که از یکسو رود به مرکز ایران دارد و از سویین رو به بنادر گرم جنوب، بنادر جنوب یعنی سکوین برای پرتاب فرهنگ‌های خارجی که با کشتی‌ها، لنج‌ها و مسافران دیگر کشورها وارد می‌شوند. به ننگه جالبی اشاره کرده‌اید بنادر جنوب من یاد دهه ۱۴۰۰ افتادم، مثلاً شرکت نفت آبادان آدم‌های که آنجا بودند مثل نفی زاده، عدنان فریقی، گلستان و چندین نفر مثلاً ناصر نقیوایی، قاضی رحیم‌جاری و چون آدم‌ها و مترجمانی چون نجف دریابندری - م - آزاد و ورود آثار کسانی چون همینگوی، لاکتر و…

تأثیری که مالاً جنوب داریم، یعنی ادبیات معاصر ما از فضای جنوب دارد به خیلی بیشتر است. در ترجمه آثار همینگوی، مارکز و امثال اینها بر می‌گردد. مثلاً شما زار را ببینید. بله، همین واو به تصور کشیده شد. **توسط ناصر نقیوایی** ولی آیا.

ببینید، مثلاً ما مارکز را می‌خوانیم، همینگوی رامی خوانیم و می‌بینیم که این آثار جقدر در تار و پود زندگی ما آمیخته است. اشاری‌های از به تصویر کشیدن زار داشتند، تنها دو شخص تصویر نمی‌ماند، بلکه توسط منبوه روانی پور در زمان اهل غرق به نگارش هم درآمد.



نه، نه، حدود چندین ماه بعد از آن دیدار می‌توسیدم. م اینکه شخصی مثل گلشیری ممکن است م با من که یک نویسنده تازه کارم چکار داشته باشم؟

خوب چکار داشته؟

ایشان یک پوشه مهر اهدشان بود. از لای پوشه داستان اجامها و دستها را در آوردند و گفتند: داستان را با صدای خودت بخوان. این داستان چگونه به دست گلشیری رسیده بود؟

وای خدا! داشتیم تاخ در می آوردیم.

خوبی نیست، آقای گلشیری گفتند: اگر اینطور فکر می‌کنی این داستان را به من بده، برای خودم و به همین دلیل تنها داستانی است از خودم که تقصیصچه دارد؛ پیشکنجه به هوشنگ گلشیری، مرز بزرگی که این داستان کوچک را دوست می‌دارد.

خوب، این از سرگذشت **حنای سوخته** و از چاپ سلسله بگوید. دومین اثرش؟

نشر آگاه، وقتی حنای سوخته چاپ کرد، آقای حسینخان پیشهاد چاپ آثار دیگر ما هم داد. من هم با کمال میل پذیرفتم چه نشری بهتر از آگاه.

این شماره، در آن **حقیه وروانه «زنان»** است.

شاید این حال و حال را دیگر یادش نمی‌آورد.

هم فقط به خاطر جنسیت، ولی باور کنید تجربه مردم بیرون را ندارم، پس چیزی نمی‌گویم.

اگر بخوامید از یک نویسنده که برای همیشه تاریخ در ذهنان حک شده، نام بپریزد؟

با هیچ این سؤال خیلی مشکل است. جدی می‌گویم، آن قدر که باقل مثل **توتوله** بر من تأثیر داشته، برادران کاملاً ترف هم داشته و اینها را زمان همین می‌کند. زمانی که تر کدام را دست گرفته‌ای تا یا به جهانتان بنگاری

مندیروهمکاری قلمی داشته؟

بله داستان‌های را مندی پور و بچه‌های کلاس می‌نشیندند و بعداً کسای چون مسعود طوفان، ابوتراب خسروی، محمد کشاورز و… چه شد که اولین کتابها با مقدمه **هوشنگ گلشیری** «ان‌هم توسط انتشارات آگاه چاپ شد؟

من آقای گلشیری را برای اولین بار در سال ۱۳۷۰ در شیراز دیدم و آن روز داستان **حنای سوخته** را برای ایشان خواندم و بعدها به طور کاملآ نقلی «اجامها و دستها» به دست ایشان رسید.

همان که در **کارنامه ۲ چاپ شد**؟

بله! ایشان با من تماس گرفتند و خواستند به دیدشان بروم. با وجود اینکه ایشان شکسته بود و شرایط سختی داشتند و نمی‌توانستند از خانه خارج شوند.

در شیراز؟

نه، نه، حدود چندین ماه بعد از آن دیدار می‌توسیدم. م اینکه شخصی مثل گلشیری ممکن است م با من که یک نویسنده تازه کارم چکار داشته باشم؟

خوب چکار داشته؟

ایشان یک پوشه مهر اهدشان بود. از لای پوشه داستان اجامها و دستها را در آوردند و گفتند: داستان را با صدای خودت بخوان. این داستان چگونه به دست گلشیری رسیده بود؟

وای خدا! داشتیم تاخ در می آوردیم.

خوبی نیست، آقای گلشیری گفتند: اگر اینطور فکر می‌کنی این داستان را به من بده، برای خودم و به همین دلیل تنها داستانی است از خودم که تقصیصچه دارد؛ پیشکنجه به هوشنگ گلشیری، مرز بزرگی که این داستان کوچک را دوست می‌دارد.

خوب، این از سرگذشت **حنای سوخته** و از چاپ سلسله بگوید. دومین اثرش؟

نشر آگاه، وقتی حنای سوخته چاپ کرد، آقای حسینخان پیشهاد چاپ آثار دیگر ما هم داد. من هم با کمال میل پذیرفتم چه نشری بهتر از آگاه.

این شماره، در آن **حقیه وروانه «زنان»** است.

شاید این حال و حال را دیگر یادش نمی‌آورد.

هم فقط به خاطر جنسیت، ولی باور کنید تجربه مردم بیرون را ندارم، پس چیزی نمی‌گویم.

اگر بخوامید از یک نویسنده که برای همیشه تاریخ در ذهنان حک شده، نام بپریزد؟

با هیچ این سؤال خیلی مشکل است. جدی می‌گویم، آن قدر که باقل مثل **توتوله** بر من تأثیر داشته، برادران کاملاً ترف هم داشته و اینها را زمان همین می‌کند. زمانی که تر کدام را دست گرفته‌ای تا یا به جهانتان بنگاری

نوشته زیر پیشی از سخنان دکتر ابوالحسن نجفی است که هم‌عصرگویی یا حضور دکتر جواد حدیدی، در کتاب ماه ادبیات و فلسفه به چاپ رسیده

در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۵ یعنی سه دور به‌پایی تدریس ادبیات تطبیقی در دانشکده ادبیات اصفهان به عهده من بود. در آن زمان با همه جست و جویهای توأشتم نوشته معبری در این زمینه حتی به صورت مقاله به زبان فارسی نیامد و خواندن آن را به دانشجویان توصیه‌کنم. ناچار من هم مثل استادان دیگر به تفریر مقاله به دانشجویان با صورت مجزوه اشکاف کردم. (خلاصه‌ای از این جزوه بعداً به صورت مقاله ای در مجله آموزش و پرورش منتشر شد.) چندی بعد جستجوچوهایم مرا به عنوان نوشته‌ای راهنمایی کردند تا ادبیات ایران در فرانسه از دکتر جواد حدیدی که در سال ۱۳۳۶ او مشهد متشرف شده بود. آیا مقاله بود یا کتاب؟ نمی‌دانم. به هر حال نتوانستم آن را به دست یارم. یادم می‌آید دکتر حدیدی در خاطرم مقاله بود تا وقتی که در سال ۱۳۶۱ در مرکز نشر دانشگاهی با ایشان آشنا و همکار شدم و دانستم که آقای دکتر حدیدی تا آن زمان او همچنین در سال‌های بعد در موضوع ادبیات تطبیقی علاوه بر رساله دکترای اسلام از نظر و آثار مقالات متعددی به زبان فرانسه نوشته و تأثیر ادبیات فارسی را در ادبیات فرانسه بررسی کرده‌اند. همین مقالات پایه گذار تحقیق بی نظیری شد که ما عنوان آن سمدی تا آن روز، به صورت کتاب پر حجمی در سال ۱۳۷۳ منتشر شد که تأثیر ادبیات فارسی را در طول چهار قرن ادبیات فرانسه مورد بررسی قرار داده است. دکتر حدیدی در این کتاب بی‌شائبه فقط به تحقیقات خود ارجو پیاوردن در این زمینه اکتفا نکرد، بلکه مهم‌تر از آن کلیه آثار شاعران و نویسندگان طراز اول و حتی طراز دوم ادبیات فرانسه را از آغاز قرن هفدهم قدم به قدم تقریباً با پایاان قرن بیستم دنبال کرده‌اند و تأثیر ادبیات فارسی را در چه به صورت غیرمستقیم، یعنی از طریق ترجمه این آثار که به صورت مستقیم، یعنی از طریق زبان فارسی، در نوشته‌های آنها بررسی کرده‌اند. برای این کار حتی به آثار منتشر نشده آنها، مخصوصاً در کتابخانه ملی پاریس

یادداشت

زنده یاد دکتر جواد حدیدی از نگاه دکتر ابوالحسن نجفی

(متلاً مکاتبات آندره شته شاعر فرانسوی نیمه دوم قرن هجدهم از آورده بوده‌اند. بالا سال یادداشت‌های روزمره نجفی از این نویسنده گنگ چاپ شده است.)
متلاً: ایلان شامبر که متلاً شاعر و نویسنده بزرگی چون ویکتور هوگو مرتباً در چاپ‌های مجدد آثار خود انجام داده است، با مراجعه به خود این چاپ‌ها استخراج کرده و بنابراین شاید نکه نگفته باقی نگذاشته‌اند.

کاری که دکتر حدیدی در ادبیات تطبیقی انجام داد، یعنی آنچه با نوشتن کتاب از سمدی تا آن‌اگون عرضه کرد، در انتها در ایران بی‌سابقه و بی‌نظیر است، بلکه معادل آن را در جهانی دیگر و برای ادبیات کشورهای دیگر جهان نیز

دکتر جواد حدیدی

جواد حدیدی در سال ۱۳۱۱ شمسی در یک خانواده مذهبی در قم متولد شد. درس خود را از مکتبانه محل یا هم‌عصره، و آخرین قرآن شروع کرد پس از آن به مدرسه رفت و تا کلاس ششم ابتدایی را خواند و در ادامه در مدرسه فقیهیه به آموزش جامع‌المنهجات پرداخت و دوره دوم متوسطه را در خانه نیز عبوداً آموخت. تا سرانجام در انجمنات خدیو وادولفانه شرکت مستقیم و موفق شد. سرانجام با طی مشکلات فراوان در رشته زبان فرانسوی وارد دانشگاه شد و در سال ۱۳۳۳ لیسانس گرفت و برای ادامه تحصیل به سویس و سرانجام به فرانسه رفت و رساله دکتری خود را پیرامون اسلام از دیدگاه ولتر، به زبان فرانسوی نوشت که در سال ۲۳ توسط دانشگاه مشهد به زبان فارسی منتشر شد. دکتر حدیدی از سال ۲۶ به عنوان استاد ادبیات تطبیقی در دانشگاه مشهد مشغول به تدریس شد. وی تا کنون ۲۲ عنوان اثر به زبان فارسی و فرانسوی منتشر کرده است.

دکتر حدیدی سال‌ها مجله «فلسفه» را به زبان فرانسوی با موضوعات مذهبی، فلسفی، عرفانی و ادبی توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‌کرد و کتاب «اسلام از نظر ولتر» به سال ۷۲ به چاپ پنجم رسید. (تاثر آن مرکز نشر دانشگاهی است.) ایران در ادبیات فرانسه» اثر دیگر او در سال ۶۶ توسط دانشگاه مشهد چاپ و منتشر گردید و کتاب «میرحورود الفارسی» هه ۶۹ در سال ۱۳۶۵ از سوی انتشارات توس منتشر گرد. «حدیث سوم» ترجمه‌ای دیگر از اوست که در سال ۶۹ توسط انتشارات طاهر به بازار آمد. «حدیث عشق در شرق» یکی دیگر از آثاری است که با ترجمه او در سال ۷۲ به بازار آمد. دکتر حدیدی کتاب «لا سمدی تا آرگون» را در سال ۷۳ منتشر کرد که یک بحث تطبیقی دارد و تأثیر یک شاعر ایرانی، سمدی، و ادبیات فرانسوی را در طول چهار قرن ادبیات فرانسه از آغاز قرن هفدهم تا پایان قرن بیستم آن‌را ننگه آثار منظوم و منثور مورد بررسی قرار می‌دهد. نگاشتی در «آینه» کتاب دیگر دکتر حدیدی

شاید عنوان یافت، دکتر حدیدی تنها به بررسی تأثیر یک شاعر، با نویسنده ایرانی، در آثار فلا شامبر با نویسنده فرانسوی اکتفا نکرد، بلکه تأثیر ادبیات فارسی را در طول چهار قرن ادبیات فرانسه از آغاز قرن هفدهم تا تقریباً پایان قرن بیستم، یعنی مهم‌ترین دوران ادبیات فرانسه، در کلیه آثار منظوم و منثور این چهار قرن مورد بررسی دقیق قرار داده است. پیش از دکتر حدیدی البته کوشش‌هایی در زمینه ادبیات در ایران انجام گرفته بود، اما این کوشش‌ها یا در بحث تئوری و بیان کلیات بود یا در زمینه مقایسه گونه‌های ادبیات فارسی با گونه‌های از ادبیات کشورهای دیگر (متلاً مقایسه بعضی از شخصیت‌ها یا وقایع شاهنامه

فردوسی با بعضی از شخصیت‌ها و وقایع ایلدای هومر یا فلاان هم‌نظیری را هم ارائه‌کنیم و این است که

کنیم. مهم‌نظیری را هم ارائه‌کنیم و این است که شیوه پژوهش آقای دکتر حدیدی با بررسی جزئیات پژوهنده زمینه ادبیات با علوم انسانی هر چه بسا علوم دیگر) معمولاً پژوهندگان آثار دیگران را در زمینه بحث خویش چشم می‌نهد. و در متنها مراتب و دیهینین وضع یعنی اگر در دکتر متابع و مابعد رفتار عالمانه و صادقانه داشته باشند، عبارتی از نتیجه‌ای از آنها بگردد یا نکند. بسیاری از پایان‌نامه‌های دانشگاهی که در سال‌های اخیر به چاپ رسیده در همین حد است. بنابراین به تنها شیوه پژوهش دکتر حدیدی می‌تواند سرشت پژوهشگاران جوان باشد، نکه کار او در زمینه ترجمه نوییاب-سرشت قرار گیرد.

یاد	
توسط نشر نیلوفر در سال ۷۲ منتشر شد. وی سه عنوان کتاب نیز به زبان فرانسوی تألیف و منتشر کرد. در ویسپاری از کتاب‌های درسی دانشگاهی در رشته‌های مختلف نظارت داشت. حدیدی در طول فعالیت فرهنگی خود مقالات بسیاری به فارسی و فرانسه تألیف و ترجمه کرد و در نشریات فرهنگی به چاپ رسید. حدیدی در سال ۱۹۷۵ به عضویت انجمن نویسندگان فرانسوی زبان درآمد و در سال ۱۳۷۸ عضو انجمن فرانسی زبان اروپا و در سال ۱۹۸۸ عضو انجمن مطبوعات فرانسوی زبان شد. و همچنین علاوه بر عضویت انجمن فرانسی زبان، در سال ۱۳۷۶ عنوان مدال درجه یک علمی برای اجرا بر روی او در دانشمندی عالی، و در سال ۲۳ و جایزه ادبی انجمن نویسندگان فرانسوی زبان در سال جایزه بهترین تحقیق در علوم انسانی برای نوشتن «عالم در ادبیات فرانسوی» جایزه کتاب سال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترجمه کتاب حدیث عشق در شرق در سال ۲۳ جایزه کتاب سال ۷۲، «عالم باایف» از سمدی تا آرگون، و عنوان افتخاری «شوالیه» در افتخارات فرهنگی، و وزارت فرهنگ فرانسه در سال ۱۹۹۲ دریافت جایزه از ریاست جمهوری اسلامی که در حضور فرهنگستان زبان و ادب فارسی را می‌توان نام برد. <p>دکتر حدیدی از سال ۷۳ تاکنون به ترجمه بخشی از قرآن مجید به زبان فرانسوی اهتمام داشت و هم‌اکنون کتاب «مهران حقیقت» را از دربارگ انتشارات دکتر جواد حدیدی پس از یک عمر تلاش فرهنگی و علمی روز ۲۸ مرداد در سن ۷۰ سالگی جهان را بدرود گفت. پایش گرامی</p>	

معماری فرم فضا

اولین نرم افزار تخصصی معماری در ایران

در برگیرنده (10,000) فایل تصویری متنبل بر :

--- طرحهای بدیع و زیبا از آپارتمانها - ویلاها (در ابعاد مختلف زمین و از بر 6m To 30m)

--- طرحهای متنوع از هتلها - نرده - در - پنجره .

--- بررسی و ترکیبی به فضاهای مسکونی نمونه های بسیار زیاد از (ساختمان - پذیرایی - نشیمن - پارکینگ - انبارگاه - حمام - خواب - راهرو -)

--- شناخت مصالح مورد استفاده در ساختمان سازی .

--- نگاهی اجتنابی به معماری ایران و جهان .

--- کاربردی در معماری ایران.


 فرم افرازه داده :

021 2737293

0913 2404136

0913 2461420

مهندس معمار زینا مختاریان

مهندس معمار آستیناسیان عربک

تلاش همه این نرم افزار می تواند به شما در تصمیم گیری نهایی کمک نماید.

توجه: این نرم افزار می تواند به شما در انتخاب فضاهای

این امکانات با توجه این نرم افزار در انتخاب فضاهای

می تواند با امکانات چاپ موجود در این نرم افزار از طراحی اولیه خود

چاپ تهیه نماید و در اختیار کارفرما و یا سایرگان خود قرار دهید.

توجه :

توجه :

توجه :

توجه :

مطالعه

در پارک

در پارک لاله همدان یکی از پارک های بزرگ و زیبای تهران گروهه ای از پارک، روی نیمکتی نشسته است. کتاب را در دست گرفته است و سرش را روی کتاب عم کرده است؛ سخت مشغول مطالعه است. آفتاب دراز و فارغ از کتابی که در دست دارد، وجود دارد که قویاً نمی توانم آن را توصیف کنم.

چرا در پارک کتاب می خوانید؟

اینجا هم سرسبز است، هم اینکه خنک است و بزرگ، اینجا هنگام مطالعه آرامش خاصی دارم. یک جور سکوتی در اینجا وجود دارد که قویاً نمی توانم آن را توصیف کنم.

چند ساعت در روز مطالعه می کنید؟

در پارک چند روز مطالعه می کنید؟

وقت آزاد من روزهای پنجشنبه و جمعه است، در این دو روز تقریباً ۲.۵ ساعت را در پارک می گذرانم و کتاب می خوانم.

تا به حال پیش آمده هنگام مطالعه در پارک، برایشان مشکلی پیش آمده باشد؟
بله، گاهی مورد تمسخر قرار می گیرم. گاهی هم فضای خلوت و آرام پارک را اعدای من به هم می زند و مطالعه ام را مختل می کنند. اما از همه بیشتر مورد تمسخر قرار گرفتن مرا ناراحت می کند.

فکر می کنید چرا اعدای شما را هنگام مطالعه در پارک مسخره می کنند؟

من فکر می کنم نوعی فرهنگ ضعیف و غلط در این امر دخیل است. هنگامی که آمار خواندن کتاب در کشورمان این قدر کم است و جوانان ها کتاب نمی خوانند و در واقع به تنها چیزی که فکر نمی کنند و بهانه می دهند مطالعه و کتاب است، شاید برایشان عجیب است که کسی در پارک که کتابی عمومی است کتاب بخواند.

عکس العمل شما در مقابل افرادی که شما را مسخره می کنند چیست؟

هیچی! سعی می کنم بی تفاوت باشم.

یک کتاب را در چند ساعت (یا چند روز) می خوانید؟

بستگی دارد چه کتابی باشد، علمی باشد یا رمان و…

به چه کتاب‌هایی علاقه مند هستید؟

کتاب های آموزش زبان انگلیسی، در طول ماه، چند روز کتاب می خرید.

بعضی از حقوقم را صرف خرید کتاب می کنم، تقریباً در ماه ۳-۴ کتاب می خریدم اما بیشتر کتاب های را که می خوانم از کتابخانه امانت می گیرم. فکر می کنم اگر کتابخانه ها باشند، ما هم کتاب به طور جدی این کار کتابخانه داریم ؟

متأسفانه نه ! پارک به این بزرگی واقماً حرف است که کتابخانه ندارد.

آخرین کتابی که خوانده‌اید چه بود؟

«حکای خاکستری» که مجموعه شعری است از زنده یاد محمد مختاری.

در این مجموعه شعر چیز خاصی بود که در هفتاد پانصد؟

شاعر جالب بود.

خودتان را معرفی می کنید؟

فاطمه ضرابی.

فاطمه زاهدی، همکار آثار در رمان نویسی است. از او تاکنون در رمان با نامهای **اموری تازه** و **باز گشای عشق**، به چاپ رسیده است و هر دو کتاب به چاپ دوم رسیده است. با او دربارهٔ عامه‌پسند و زنان رمان نویس گفت‌وگویی گرم که می‌خوانید.

چطور شد به نوشتن رمان علاقه‌مند شدید؟

همیشه دوست داشتم که زندگی دیگری را با معنا و صورتی دیگر به موازات زندگی واقعی خود داشته باشم. دوست داشتم در این زندگی دیگران توشریک شوند، به بیان بهتر با من یکی شوند، عشق بورزند، احساس دوستی کنند، امیدوار شوند و خلاصه اینکه در احساس و ادبیتش من سهم باشند تا به تخریر رمان متحمل شدم چرا که در رمان می‌توان احساس صمیمی خود را به زبان آورده و دره روح انسان‌های جامعه بشری را از زبان شخصیت‌های رمان عرضه کرد. حسین رمان و دلیل ترجیح آن بر سایر گونه‌های ادبی هم‌شهرتی آن است چون پدیده‌هایی که علمی‌ترین افراد جامعه وقتی دانششان و همه زندگی خود را در آن می‌بینند تا ناخودآگاه به سمت آن گرایش پیدا می‌کنند و من آن را در اولین رمان خود به نام از کینایی مهر تجربه کردم که خوشبختانه خیلی مورد استقبال قرار گرفت.

هنگام نوشتن رمان چه احساسی دارید؟

احساس اشتراک و یکی شدن با وضعیت پیش آمده یعنی وقتی از فضا به فضا، نکته مرگ و… سخن می‌گویم، دوست دارم باشم که این پیشامدها همه به تئاتر و تجربه‌ای رایه دنبال دارم من جفاقت‌افزاد دارم که هر انسانی از دیگر انسان‌ها خلاصه شده است و فقط از طریق الهیات که می‌تواند بر وجود پیچیده خویش یقین یافته و خود را بشناسد. حس و وجود پیچیده خویش یک رمان و شخصیت‌هایی، درک و وجود خویش از طریق بروز حالات باطنی شخصیت‌های رمان است.

شخصیت‌های رمان‌هاشان را چطور خلق می‌کنید؟
وقتی شخصیتی را می‌پرورانم معمولاً دنبال کسی می‌گردم که لایق باشد. این چنین کسی را در ذهن داشته باشم. راستش می‌توانم شخصیتی حقیقی و بلور کوش خلق کنم. اما همیشه پیچیده‌اند و قدرت نام‌چود شخصیتی انسان را آشکار می‌کنند. شخصیت‌های داستان هم باید همین طور باشند.

به آثار چه نویسندگانی علاقه‌مند هستید؟

از نویسندگان ایرانی به آثار بزرگ علوی، به جلال آل احمد، به محمود دولت‌آبادی، و حسین دانشوره علاقه فراوان دارم و از نویسندگان خارجی اثر نیکلای بوچک توشنوی، «جیمز جویس» «مارسل پروست» «اوتوره دیولازاک».

نحت تأثیر نویسنده خاصی بوده‌اید؟

بله، بزرگ علوی و اوتوره دیولازاک.

اگر شما بتوانید تمام مایه‌های خوب و ناخیرگذار کشورمان را نام ببرید، آنها چه کسانی خواهند بود؟

اصد محمدی، محمود دولت‌آبادی و حسین دانشور.

ر- ضرابی

گوشه خیابان ایساده است، تعدادی کتاب کنار پایش چیده است، هدایت، کارزار کسب، ر.اصفندی و… نامم به دو سوسو خیابان نگاه می‌کند، دلمرو در نگاهش دیده می‌شود، نگاهش به من می‌کند و می‌گوید: آقا اگر چیزی نمی‌خواهی برو! او و امثال او یک واقعیت این اجتماع هستند، با او یکی زدم که می‌خوانید.

چند سال است که در میدان انقلاب کتاب می‌فروشید؟

دوازده سال.

چه نوع کتاب‌هایی می‌فروشید؟

رمان، کتاب‌های تاریخی، شعر، کتاب‌های کیمیا! کتاب‌های کیمیا! چه کتاب‌هایی هستند؟
رمان‌ها و کتاب‌هایی که تجدید چاپ نمی‌شوند و چاپ قدیم آنها کم است، مثل کتاب‌های «صاف هدایت»، با کتاب «حاجی بابای اصفهانی».

ادبیات عامه‌پسند یعنی چه؟

اعتقاد من بر این است که ادبیات محصور روابط چندگانه و چندبُعدی است که می‌تواند در بر گرفتهٔ معنویات و مادیات زندگی بشر باشد. حال اگر برروز ظهور این معنویات و مادیات مستتر در کتابات و… باشد، صورتی پیچیده به خود گرفته و توده عام مردم را از دریافت افراش و هدف خویش باز می‌دارد. حال اگر معنویات و مادیات اثری به صورت واقعی و محسوس جلوه نمایند، مورد توجه عامه جامعه قرار می‌گیرد این امر واضح است که بزرگان هنر و ادبیت در مواجهه با اثری ادبی نظیر رمان به گونهٔ متعالی آن عشق ورزیده و علاقه‌مندند، لیکن در مورد عامه مردم به منظور جلب توجه ایشان به رمان و سایر گونه‌های ادبی می‌بایست متاع روزانه آنها را در پیوندی مناسب با معنویات و مادیات گونهٔ ادبی نشان داد تا به سمت آن متمایل گردند. ادبیات گونهٔ ادبیی سهل و روان، لیکن حاوی مضامین علمی و اخلاقی



● فاطمه زاهدی همیشه دوست داشتم که زندگی دیگری را بامعنا و صورتی دیگر به موازات زندگی واقعی خود داشته باشم

است که در پیوند با منابع توده مردم است و دستاوردهای آن نیز می‌تواند منجر به تکامل جامعه بشری و نمایش زیبایی سادگی نوع بشر شود. در واقع شاید یکی از دلایل بروز ادبیات عامه‌پسند، گر ها و شورایی‌های درک مفاهیم ادبیات خواص باشد، چرا که درک ادبیات پیچیده کار ساده‌ای نبوده و نیست و درک آن نیازمند تجارب و مطالعات ایده‌آل مربوط به آن است. لذا همانند دوره کلاسیک‌ها زمانی که اگر زبان لایین نمی‌دانستی و نمی‌توانستی صحبت کنی، از جامعه هنری طرد می‌شدی و هیچ جایگاهی درین هرمندان نداشتی، دیدیم که زبان ساده‌دانه چگونه در میان مردم رواج پیدا کرد و وسیله به وسیله نقل گردید و مقلد گشت. در واقع می‌توان بروز و ظهور ادبیات عامه‌پسند را در تقابل با ادبیات پیچیده و متکبرانه‌های ادبی دانست.

تعداد نویسندگان زن که در زمینه ادبیات عامه‌پسند فعالیت می‌کنند بیشتر از مردان است. علت این استقبال چیست؟

قبایل عمومی مردم از اینکه، آثار یکی از دلایل توجه

تفاوت رمان تئوری

ادبیات عامه‌پسند در تقابل با ادبیات پیچیده

بیشتر به این نوع نگاه آمین است. زنان به عنوان عنصر سرزشت ساز و مرمی خلاق زندگی در کادر دیوار محوالت اجتماعی خانوادگی و… پیشتر از مردان بوده‌اند. لذا آشنایی بهتری با نوع نگاه عامه دارند. لذا این امر بیشتر روی آورده‌اند.

رمان نویسی در دهه هفتاد چه تحولاتی داشت؟

دهه هفتاد، دهه‌های همراه با تحول و تحولات شگرف در عرصه اجتماعی و فرهنگی به حساب می‌آید. شکل‌گیری دهه هفتاد که پس از جنگ تحمیلی و آغاز سازندگی است، موجب شد که دیدگاهها و نگرش‌های جدیدی در سطح زندگی جامعه بشری کشور ما به وجود آید. این دهه در واقع دهه عبور از سنت به مدرنیته به پس از سنت مدرنیسم است. تطبیقات اجتماعی و توقعات مردمی در عرصه ادبیات نقطه بارز آغاز تحول در عرصه رمان است. پاسخگویی به جامعه‌های که سخت‌ترین مرارت‌ها را تحمل کرده و از آن عبور نموده‌ نگر و روانی پس دیوار بر دوش نویسنده‌گان نهاده است. در تقابل با سنتسده، مدرنیته به وجود آمد و وقتی کاستی‌ها و نقصان مدرنیته در آثار این دهه متجسّم شد، نسخه‌هایی از آن به نام سنت مدرنیسم به جامعه عرضه شد. نویسنده اثری در دهه هفتاد به نوعی، ثبات فکری و تجربه عملی‌تأثی از سختی‌ها پیدا کرده بود که دیگر نمی‌توانست زندگی را آثار پیشرو دهه‌های پنجاه و شصت ابداع کرده، بلکه می‌بایست نوعی دیگر از رمان که در بر دارندهٔ جان حاضر و زندگی نو می‌باشد، به او عرضه شود. بزرگ‌ترین تحول دهه هفتاد در عرصه ادبیات علمی‌الخصوص رمان عبور از مدرنیته و ورود به پست‌مدرنیسم است. عبوری که عدم قطعیت در امور بشری، آشنایی زدایی، اجزاء، ایهام و تأویل‌پذیری را در خود به همراه داشت.

شکل‌توی آثار دهه هفتاد که ابعاد آن در حال حاضر نیز مشاهده می‌شود، موجب ظهور نویسنده‌گان فعالی شد که شاید پیش از اینها دران فعالیت‌توجه ویژه‌ای نمی‌شد. رمان‌دهه هفتاد را به سرفاز نگاه نویین به محیط پیرامون آن آرزوها و آرزوهای پشت‌همه‌ای می‌توانیم مشاهده کنیم. ظهور ادبیات پیچیده و روزگاری و سوسیالیستی‌هایی بود که ترکیب شد که معضلات حقیقت‌گرا ایهام‌تاست، بلکه محصورولی و روابط طع و معلولی است و تلاش از روابط طعم و معلوم است. این نگاه خصوصاً رمان دهه هفتاد موجب شد که فریاد آشندها را برمیسانم عالم خودبینه‌ها شناسند. در هرک ازجانبی در حد آرای اجتماعی بدهند در عین حال آثار زیبایی بودند که در این آثار اساساً شکی معرفت‌شناسانه دارند. در این دهه همی ساری نظیر خودگرایی محض، تجربه‌گرایی و… در قالب آثر ادبی و هنری عرضه شد و دیگر تغییر نحوه زندگی مردم و تغییر نحوه آن خود است.

چه آثری را به چاپ رسانده‌اید و چه آثری در دست چاپ دارید؟

همان‌طور که قبلاً خدمتتان گفتم، این رمان من از کینایی مهر بود که مورد توجه خوانندگان قرار گرفت و بودی چاپ دوم آن منتشر می‌شود. بعد از آن رمان آری، با وانشوم، سومین کتابم در دست چاپ است و جلا مشغول نوشتن چهارمین کتابم هستم.

فکر می‌کنند ما گران می‌فروشیم

چرا این کتاب‌ها تجدید چاپ نمی‌شوند؟

من نمی‌دانم!

چاپ اقلت را از کجا تهیه می‌کنید؟

این حوزه را از کار می‌دانم.

کار شما چه مشکلاتی دارد؟

درگیری با شهرداری، ترس و دودستگی، برخورد با بعضی از مشتریانی که فکر می‌کنند ما کتاب را گران می‌فروشیم و… ببینید! ما هم کانترا فروشیم، ما کتاب را می‌خریم و با ادلکشی سود به دست مشتری می‌رسانیم، تنها فرق ما با کانتیروشان دیگر، نشانش مغازه است، اگر ما مغازه نداریم، در واقع امکان داشتن آن را نداریم، باید از گرانسنگی بپیمیم!

می‌گویند شما (دستفروشان کتاب‌های نایاب) به صورت نسبی‌که ای عمل می‌کنید، یعنی یک نشکیلات سری دارید، درست است؟

بسیکه؟ باید! من واقعاً نمی‌فهمم، اگر باند و تشکیلاتی بود که وضع ما بهتر از این بود، من هر بدبختی و مشکلی دارم بر دوش خودم است و نه باندی

زنان

زنان نویسنده چه می گویند؟ چه می خوانند؟

کتاب «صغیر چهام شخص مفرد» اثر لیلی صادقی در فرهنگسرای بانو و با حضور جمعی از ادیبان ادبیات نقد و بررسی شد.

همچنین شب شعر «بانوی بهشت، ویژه سوگ حضرت زهرا(س)» به منظور آشنایی هر چه بیشتر جوانان با فرهنگ ولایتی در این مرکز و نه هفت جمعی از زنان نویسنده برگزار شد.

این جمع برای آشنایی مخاطبان با ادبیات زنان باحضور نقد و بررسی آثار نویسندگان و شاعران زن را برگزار می کند. از دیگر فعالیت‌های این جمع که در فرهنگسرای بانو برگزار می شود، ایجاد بانک اطلاعات بانوان شاعر تهران و بانوانی مختصات شعر زنان امروز در همراه اسامی است.

نقدیوان نظیرالدین فارابی

نشست نقد و بررسی دیوان نظیرالدین فارابی به تصحیح اسناد نفیقه دکتر امیرحسین یزدگردی و به اهتمام دکتر اصغر دادبه در خانه کتاب برگزار شد. در این نشست دکتر فتح الله مجتبی، دکتر هرمز رحیمیان، دکتر اصغر دادبه و دکتر مهدی نوریان به بحث و بررسی درباره این اثر پرداختند.

خواب رنگها

در فرهنگسرای انقلاب

نشست ادبی (یک کتاب یک نویسنده) با حضور رضا حاجی آبادی و جمعی از شاعران و نویسندگان در فرهنگسرای انقلاب برگزار شد. در این نشست که به مدیریت منقعه ۱۱ سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران برگزار شد، شاعران در جلسه کتاب «خواب رنگ‌ها را به همراه نویسنده آن نقد و بررسی کردند.

شب شعر تابستانه

در فرهنگسرای انقلاب

شب شعر بهیشته با حضور شاعران و دوستانشان ادیبان، صغیر پنجشنبه بیست و چهارم مرداد در فرهنگسرای انقلاب برگزار شد. در این جلسه که با حضور علیرضا قزوه و امیر شجعی برگزار شد، اشعار تازه از این دو میهمان و شاعران دیگر خوانده شد.

بررسی بیست سال شعر باحضور شاعران

نخستین همایش ادبیات امروز با حضور جمعی از نویسندگان و شاعران استان زنجان برگزار شد.

در این همایش میزگردی با عنوان شعر بیست سال اخیر، جلد‌ها و رویکردها، با حضور شاعرانی همچون مسعود احمدی، علی باباجاهی، مهرداد قاسمقر و پریدان سلحشور برگزار شد و حاضران در این میزگرد پیرامون تحولات این دو دهه به ایراد سخن پرداختند.این همایش در پی سلسله نشست‌هایی با عنوان «از ادبیات امروز چه می‌دانیم»بود که در زنجان برپا شد.

آثار نویسندگان ایرانی در ترکیه

مجموعه آثار چند نویسنده ایرانی یزودی به زبان ترکی استانبولی در ترکیه منتشر خواهد شد.این مجموعه داستان که به همت یک نویسنده ایرانی «هالیم خسروشاهی» در ترکیه و با همکاری فرهنگسرای حادیه زاده گردآوری شده است، شامل آثاری از داستان‌نویسان پیشکسوت، نسل جوان و همچنین نویسندگانی است که آثارشان تنها در نشریات چاپ شده است. محمود دولت آبادی، رضا ابراهمی، احمد محمود، هوشنگ گلشیری، محمد محمدعلی، خردنده حاجی زاده، منیر وروانی پور، محمد قاسم زاده، منصوره شریف‌زاده، فریده خردمند، حسن محمودی، مهیار رشیدیان، سام قزوه و—از جمله نویسندگانی هستند که آثارشان در این مجموعه منتشر می شود.

یادداشت

گزاره جوانمیان

زن را سخن از نوع دیگری است

یادداشتی بر کتاب «به رغم پنجره‌های بسته» اثر کامیار عابدی

کردند و به قول نویسنده: عرصه سخن پارسی را برای بیان امیدهایشان برگزیدند.گرچه تا آنندم نظر، چهره به چهره و رویه روی شرح هم نمی توانا نکته به نکته مویه *مو* از بی دیدن رخت، همچو صیافه‌ام(کوچه به کوچه، در به در، خانه به خانه، کو به کو)

از دیگر سو قفر متاع مآ آند گو اینکه گریهکنگر این بزه‌شگر هم شده است. چنان که وقتی می خواهد درباره گویندگان دیگر بگوید از این می نالد که مثلاً از نیم تاج خاک‌پور سلماسی نه سال نلودی را می‌دانیم نه سواد در گذشتن را و تکلیف خوانده از همین ابتدا روشن می شود که ما چه شاعران را به زن و مرد

کامیار عابدی که پیش از این از او کتاب‌ها و

مقاله‌های مختلفی در زمینه‌های فرهنگ و شعر مشروطه و معاصر خوانده‌ام، این بار دست به معرفی و بررسی شعر معاصر زنان در چارچوب چشم‌انداز شعر و ادب فارسی زده است.

این کتاب در سه بخش تنظیم شده است که در بخش اول و دوم از چهره‌هایی نظیر: زین تاج قزوینی، نیم تاج سلماسی، شمس کسماهی، زاله قائم مقامی، پروین اضمحالی، زاله اصفهانی، پروین دولت آبادی، سیمین میرهادی، فروغ خرواز، طاهره صفرازاده، میمنت میرصادقی، شاداب وجدی، مینا دست‌غیب، صفورا تیزی، گیتی خوشدل، فرشته ساری و خاطره حجازی سخن گفته شده است.همچنین در بخش سوم نویسنده با درهم آمیختن معیارهای ادبی و ویژگی‌های اجتماعی و روانشناختی، بخش قابل توجهی از آثار زنان در شعر کلاسیک، کلاسیک نو، نو و مدرن را آورده است.

در این کتاب، با مطالعه تقسیم‌بندی‌های مختلف که در آن از حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی در جهان کهن سخن می‌گوید نامی رسد به دوره‌های معاصر از تحول زندگی فردی و اجتماعی زنان غیرادبی می‌شویم.

ما می‌توانیم که زنان دوران کهن اغلب به شیوه‌های گفتنی و ذوقی شعر می‌گفتند در بخش پیش آهنگان، که از اشعار زین تاج قزوینی، نیم‌تاج سلماسی و شمس کسماهی تحلیل و بررسی به میان می‌آید.درمی‌بایم زمانی که او آنها می‌گوید، نمونه‌ای از کسانی هستند که به نگاپو آمده‌اند و نظام و بافت سنتی را با شعرهایشان دگرگون

تجدید

در فرهنگسرای بانو مطرح شد:

بحث تعامل فرهنگ و رمان

چهاردهمین نشست هفته «داستان خوانی و نقد داستان» در فرهنگسرای بانو (سرو) برگزار شد. در این نشست ابتدا دکتر حسین پاینده، درباره «تعامل فرهنگ و رمان ماستی» راه اختصار بیان کرد و گفت: «کار رمان این است که قرآنی قفاله از فرهنگ زمانه خویش ارائه بدهد چرا که زمانی تأثیر گذار است که به دغدغه‌های فرهنگی مردم توجه داشته باشد و گاهی هم دورزمانی از آن به تصویر بکشد.»

او همچنین یادآور شد: «از جمله بارزترین ویژگی‌های فرهنگ دوره مدرن یا مدرنیسم عطف توجه به عنصر زمان است. زمان از ابتدای پیدایش خویش، قرن هجدهم میلادی، زمان را به صورت خطی باسقیم

به خواننده نشان داده است در حالی که در قرن بیستم استفاده از زمانهای از قبیل سیال ذهن یا حدیث نفسی، کاری کرد که این سیر مستقیم، تقویم وار و زنجیری‌ای زمان، شکسته شود و این جلوه‌هایی از اخذ توجه و سوسا گونه رمان مدرن به عنصر زمان است.»

تراژیک از زندگی یک زن ایرانی می‌رساند. به سال‌های پیش از انقلاب شوهر نیم کردیم؟ اگر فرار بلا خود را چه ای مادر اگر شوهر نمی کردیم؟ اگر فرار بلا خود را چه می‌شد؟گر نمی کردیم؟ اگر از بدبختی‌ام اسلانه خوانندی داستان گویی/ به بدبختی قسم، کاف قسه را باور نمی‌کردم.

همچنان که کتاب پیش می‌رود با معرفی‌ها و تحلیل‌های محکم‌تر و همه‌جانبه‌تر می‌خوریم مثل آنچه در بخش پروین اضمحالی، زاله اصفهانی، پروین دولت آبادی، سیمین میرهادی، فروغ خرواز و… می‌توانیم. این شاعران که حضورشان بی‌شک نقشی مؤثر در نشر نسل‌های بعد گذاشت در این کتاب خوب و مختصر معرفی و شناسانه شده‌اند.

کار مفید دیگری که این محقق در کتابش انجام داده است، آوردن نمونه‌های خوب از شاعران است که گویای بهترین رشد و تحول و نیز اضمحلال و فروپاشی نظم فکری شاعران زن معاصر ایران است. اشعار گاه زیباست اگر چه متعلق به سال ۱۳۲۱ است و چه بسا که نشان دهنده ضعف بسیار در دیدگاه و هنر شاعری زنان است، اگر آن متعلق به همین ده سال پیش ما باشد. از دیگر سو باید با مطالعه این کتاب به بی فکر برسیم که، بله شعر زنانه و مردانه داره‌ام به فرطی که به آن به عنوان قوت یا ضعف نگاه نشود. مطمئناً

خواننده با مطالعه این کتاب درمی‌یابد زمانی که به زن و مرداری، زن محوری، فمینیسم و… توجهی نشان داده نمی‌شد شعرهای شاعران زن بس زبانه و گویای نقاط مثبت و منفی بود که زنان شاعر از دنیای پیرامون خود ارائه می‌دادند اما کم‌کم که به زنان به عنوان کسانی نگاه شد که اگر شعر می‌گویند باید تقسیم‌بندی زنانه و مردانه شود و شکل‌ها و گروه‌ها و تحقیق‌های مختلفی صورت گرفت تا از هر حرکت زنان در هر عرصه اجتماعی، سیاسی، هنری و غیره تجلیل شود. کم‌کم روح زنانه از آثار آنان آن خصوصاً شاعرهایان رخت پرست، این را می‌توان آن مقایسه دو بخش نمونه‌های اول و دوم این کتاب بخوبی دریافت.

تپوس،
۱- به رغم پنجره‌های بسته (شعر معاصر زنان) کامیار عابدی، نشر کتاب نامو، ۱۳۸۰

تجدید

در فرهنگسرای بانو مطرح شد:

بحث تعامل فرهنگ و رمان

کتر پاینده در ادامه به تحولات اقتصادی و اجتماعی دوره مدرنیسم اشاره کرد و به بیان دیدگاه‌های فلسفی فیلسوف معروف هابزی اریکسون پرداخت تا نشان دهد چگونه این صناعات از دل تحولات اجتماعی و فلسفی پدید آمده است. بخش دوم چهاردهمین نشست هفته داستان خوانی و نقد داستان کانون ادبیات ایران به قرآنت داستان و نقد و بررسی آن اختصاص داشت.

در ادامه این نشست کاوه بهمن داستان‌کوتاه‌ی را با نام «مهی» برای حاضران خواند که خاتم علی‌پور به نقد آن گفت: «این داستان نامدین و تمثیلی است بر متن

بشدت زیان محوره به طوری که زبان چنان بر متن استیلا یافته که مضومن و سایر عناصر داستانی را تحت‌الشعاع قرار داده است.»ولی زبان در این داستان بسیار موفق عمل کرده است. «خاتم علی‌پور گفت: «به نظر من دیدگاهی تاسخی در این داستان وجود دارد و همان تبدیل شدن ماهی

^[1] کتاب «صغیر چهام شخص مفرد» اثر لیلی صادقی در فرهنگسرای بانو و با حضور جمعی از ادیبان ادبیات نقد و بررسی شد

نگاهی به مجموعه شعر پاییز کاج ماه، سروده سیدلا امیر قاسم خانی توفیق شاعر و مخاطب!



اگر خواننده و شاعر توفیق این را داشته باشند که با همین شعر به ملاقات هم بر می‌خورند تا به این زودی هاهم‌دیگر را از دست نخواهند داد، ما عادت کرده‌ایم که کتاب‌ها را از وسط بخوانیم، زیرا هنوز آغاز یک‌دیگر را باور نکرده‌ایم.عادت کرده‌ایم که هر شعر به ناپوشنده را با یک‌کاره که خوشایند خودمان است به حوزه دوری بکشاییم و گاهی وقت‌ها چنان تبت نقدنویسی امان گل می‌کند که پادمان می‌رود در کشوری خالی از هر گونه نقد صحیح روزگار می‌گذراییم.

پاره‌ها و پاره‌ها گفته‌ایم که یک ناشر خوب ارزش پیدا بد را بالا می‌برد و ممکن است ارزش یک کار خوب با سهیل انگاری یک ناشر به ورطه افول درآفتد. البته باید گفت که مواد پادشاه به هیچ عنوان به شاعر و ناشر کتاب پاییز کاج ماه از توفیق نداد، بلکه فقط یک درد دل ساده بود.

هنوز هم نمی‌توا صحبت و سقم این گفته را که موج کتاب‌های نشر شده در این سال‌ها آب دنیای شاعری را گل‌آلود کرده و هر کسی از هر دری سخن گفته، باور دارم اما ندانم نمی‌خواهد یکی بگوید و دیگری فقط بشنود. ما دوست داریم که همه بگویند و همه بشنوند. به هر حال تشخیص صدای رساتر از صدای شعیر کار شناسی و شعر شناسی نمی‌شود. به گفته استاد بزرگ داستان نویسی کشورمان مرحوم هوشنگ گلشیری کتاب خوب خودش پاداره و به هر حال خود را به دست اهلس می‌رساند...

امیر قاسم خانی در مجموعه پاییز کاج‌ها تلاشی در خور توجه به ساختار زبانی از خود نشان داده است. آن‌گونه که بیادست دغدغه موج نو شعر امروز در شعرهای او هم حلول کرده و گاهی از آن زبان زیبا و آکنده فقط زرمزه‌ای زیر لب باقی می‌ماند. به عنوان مثال به این شعر توجه کنید:
«درینغائبهای آسان/چنان بزنه صغینک کوچکی/ غسسته از عشق تنهاترا از من زایونه‌ای به یونه دیگر می‌پردی هوای اسپیده‌آرم و دانه‌بو عشق...»
و یا «توایسی هایمان رایاده قصه می‌گویی/برای ابرو / ابروس می‌گذارد بر سر باران/سپ تو ای باران/ دلتنگی هایمان را بیارتم تو من و آرام»
سادگی و بی‌پزلیکی زبان در عین نفوذ کلامت بر جسم تفکر و بازیافت مجدد در عالم شعر یکی از مشخصات سیدلا امیر قاسم خانی است. این شاعر در مجموعه حاضر نشان داد که طلیح‌ه پایدندی اش به اصول متداول شعر امروز راه خودش را در پیش گرفته و صدایی تازه آفریده، اگر نخواهیم شعر را در انتصار دید محدود قرار دهیم و کمی از رفیق بازی و امن خویم و تو بدی های دست برداریم، باید گویمیم که پاییز کاج‌ها با تمام نارسایی‌هایش مجموعه‌ای در خور توجه است. مجموعه‌ای که حداقل وقت خواننده اش را به هدر نمی‌دهد. پندین شعر درخشان در این مجموعه وجود دارند که حقیقتاً از آینده شاعری جوان و باقریحه خیر می‌دهند: «در کوچه پلنگ می‌خوئد/اما فرزندم/ جای تو گر مزین مچاهت/سیر اسیر تهران /برویست/ در کوچه پلنگ می‌خوئد/امرگ روز می‌کنند/ آفتابی نیست/تهران خاموش /تهران خالی/تهران ساکت و مرموز/باز فراز شهر از پشت پنجره/باز فراز قله‌های توچال/این همه کوچه بر می‌چرخد به آه می‌زند/لای پنبه سکوت/سیرت را می‌برند/از بیخ /گوش تا گوش / این مردم...»

«لحظه‌های ماضی» به عنوان اولین مجموعه شما که در سال ۷۶ به چاپ رسیده است، دارای حال و هوای خاص آن روزهاست. جنگ و مقاومت و عشق و از درپچه «زن -مادر» به این تکرار خسته، نگاه کرده‌اید. تا چه حد شعر دغدغه شما بوده‌و طی این سال‌ها، چندتر متحول شده‌اید؟ آیا اصلاً از آن اندیشه‌ها فاصله گرفته‌اید ؟

انقلاب و بخصوص جنگ و بازتاب آن در زندگی همه ما در آن روزگار، جریان‌ی همه‌گیر بود و خوب، طبعاً من هم از این قاعده مستثنی نیوم، بخصوص که همسر نیز در متن این فضاها بود. جنگ و اجتماع درگیر با مشکلات آن، آن روزها دغدغه اکثر ما بود، گاهی هم نگاه‌ها کاملاً خصوصی به خودم و به اشخاصی که ما به ازای اجتماعی نداشتند می‌کردم که همه اینها، دستمایه مضامین شعرهایم بودند.

شعر از سال ۵۵هجری گتم و از سال ۵۹ها مردمان خوبی چون نادر ابراهیمی و محمدعلی سپانلو در ارتباط بودیم که بسیار تأثیر گذار و مشوق من در ادامه این راه بودند. اما در مورد سوزان دیگران، بحث فاصله گرفتن از اندیشه‌هایست، بحث تکامل و جایگزینی است و اینکه لایه‌های درونی دلپیشه و شخصیت فردی، بخصوص ساختارهای نوتر و فردیتری می‌شود.مسائل روز و بروز پدیده‌های نو در زندگی، اجتماع و حتی سیاست برای رسیدن به دیدگاه‌های تازه مثل یک ریاست‌اند نه اتفاق. اما غفلتشان این است که اتفاق کلم سفر گذار است و روند یک جریان مثل مهاجرت است که کم‌کم عادات ریشه می‌دوئد و انسان را برمی می‌کند.ظهور این پدیده‌ها نیز در لایه دیدگاههای شخصی رسوب کرده و به آن

کادوول

گفت و گو با فریفته نصحی سراینده مجموعه شعر «لحظه‌های ماضی»

شعر مخاطب خاص خود را پیدا نکرده است



شکل و قالب می‌دهد.

برداشت و برخورد مخاطبان با اشعار شما چگونه بوده است؟

حتماً شنیده‌اید که هر شعر به تعداد مخاطبانش تغییر می‌شود. مخاطبان اشعار من هم افراد متفاوتی بودند. در رویارویی با آنها آموخج که یک‌جاری هستند که از من می‌پرسند «این سال‌ها به چه فعالیت‌هایی مشغول بودید و چرا؟»
«این فاصله، دیگر اثری به چاپ نرسیده‌اند؟»
«به مطالعه و رفتن به جلسات شعر و شرکت در محفل انس دوستان اهل دل مشغول بودم. در مورد انتشار یک کار دیگر، راستش من همیشه شعرهایم را سیاه سفلی خالی از دانش شعری می‌دانم. این را صادقانه می‌گویم. اولین کتابم را هم بنا به تشویق اهل فن و بخصوص ناشرم که از مردان نیک این روزگار است منتشر کردم. عاقل تر که شد تصمیم گرفتم دیگر خطایی به این بزرگی مرتکب نشوم. جلا شاید هم شدم. بالاخره انسان جایز الحظاست!

جریان شعر امروز را چگونه می‌بینید؟ آیا لاکر می‌کنید این جریان به چه سمتی در حال حرکت است؟

از نسل خودمان

نگاهی به کتاب «انسان‌گرای تمام عیار» نوشته شهباز لکی

مثبت اما کم!



در دریای پر تلاطم و همواره خروشان، ادبیات، گاه‌گاهی چهره‌های ظهوری می‌کنند که امید دست به قلم بردن را تا سالیان سال تقویت نموده و روح داستان سرایی ذاتی بسیاری را زنده می‌کنند. خوشبختانه چند سالی هست که با آثار ارزنده‌ای از اقصی نقاط عالم در قالب ترجمه مواجهیم؛ آثاری که به زعم اهل فن از بهترین‌های عالم ادبیات به شمار می‌روند. اما نکته جالب توجه در این میان نبود نقد‌های موشکافانه و صحیح در راستای معرفی هرچه بهتر آثار یاد شده است. بسیاری از مدهیان داستان‌شناسی فقط و فقط به حفظ کج و کوله نام آثار این نویسندگان اکتفا نموده و هر از گاهی مربوط یا نامربوط در سایه آنها پناه می‌گیرند تا ضعف‌های اصولی و کارشناسانه خود را به گونه‌ای پنهان نمایند. البته نباید حوزه انصاف را خدشه دار کرده و هیچ حرکت سازنده‌ای در این جهت انجام نشده؛ بلکه خوشبختانه این حرکت از سوی بسیاری از جوانان آگاه آغاز شده و سریعاً به سیر صعودی خود نزدیک می‌شود. این نکته را هم باید اضافه کرد که هر حرکت تازه‌ای در حوزه ادبیات محتاج خطر کردن است و زلزلی نویسنده کتاب‌های نقد ادبیات یک و دو، این خطر را به جان خریده است. من در اینجا به اظهار نظر‌های فراوانی که درباره این کتاب‌ها شنیده‌ام کاری ندارم بلکه سعی می‌کنم بدون هیچ گونه لغزشی صرفاً نظر شخصی خودم را ابراز کنم.

در درجه اول باید گفت کتاب انسان‌گرای تمام عیار برای کسی که تب سازمان‌گروانی دارد، کتابی بیش از اندازه معمولی و بی استفاده است. زیرا مطالب نیز هو شده و منتفاله‌ای در نوشته‌ها حاکم است و نه کشف سایه -روشن‌هایی که ممکن است برای خواننده مبهم مانده باشند، اتفاق افتاده. خواننده آثار سازمان‌گرا فقط کتابی است که فهرست کتاب را از نظر بگذاردند و یا کمال تعجب ببیند که مثلاً «اصنافه جنویه» ناشناخته «جایش خالی است و از همان آغاز در مورد صلاحیت و برمی علمی کتاب به شک بیفتد. زیر نویسنده در روی جلد به او اوقه داده که به نقد و بررسی «آثار» این نویسنده دعوتش می‌کند. البته در آخرین صفحات کتاب نامی از اثر یاد شده برده می‌شود که طمع خواننده را دو چندان می‌کند.



بعد از اینکه شعر امروز خوش‌روز را از چارچوب قواعد کبشینی و حصار کتابت فلسفه لاجرمی و نوافلاطونی رهاکنند، به سمت ارتعاش پیش رفت. شاعر امروز، نگاه‌های حسوس و ملموس به آشیانه دارد و کلمه برای او شیء است نه فزیک.

شاعران نوگویی ما در دهه‌های قبل بنا به بحران‌ها و تحولات اجتماعی و تأثیر آن بر ادبیات، آثاری ایدئولوژی و در واقع شعر محض، بخوبی خواننده را فرغ، شاملو و...

اما به نظر من، شعر بعد از انقلاب و بخصوص شعر دهه هفتاد، با توجه به ورود جریان‌های نو در شعر، هنوز جایگاه مخاطب اصلی خود را پیدا نکرده است. مباحث و تئوری‌های جدید در شعر مدرن، مثل مرگ مولف، ساختارشنکی و مبارزه با استبداد تجوی زبانی، بازی با زبان و شکستن لایه‌های زبانی، معناگویی، در شعر و گریز از ایدئولوژی و در واقع شعر محض، بخوبی خواننده را فرغ، شاملو و...

گفته می‌شود با ورود انفورماتیک و هجوم بی‌مرز اطلاعات، موج جدید شعر، هم مثل موسیقی مبتد به طرف آستره شدن پیش می‌رود. مثلاً همین بازی با اصوات که در آن موسیقی بر معانی پیش می‌گیرد و من در شعر بعضی از دوستان جوانم که تخصصی‌تر رفتار برهانی هستند، می‌بینم.

از نظر من باید به آفرینش هنری شعر توجه کرد تاچیزه آن به عناصر سازنده‌اش که شکل و محتوا است، باید به شعریت شعر توجه داشت، چون شعر هم مثل یک مجموعه هنریست، بنابراین توجه صرف به معنا و محتوا، با لفظ شکل، به نظر من نوعی کمرای می‌باشد. حق شعر است.



صراحتاً باید گفت که کتاب انسان‌گرای تمام عیار در زمره کتاب‌های نقد نمی‌گنجد بلکه به چارچوب ارزشمندی نعلق دارد که می‌توان عنوان رموز و زده دنیای یک نویسنده را برایش انتخاب کرد. ای کاشی زلزلی در کنار تمام زحماتی که برای تدوین این کتاب متحمل شده، زحمت کب و گفت با چند مترجم هم به خود می‌داد و از اطلاعات، ذره به ذره در رسیدن به هدفش استفاده می‌کرد. ارزش کار زلزلی در این است که فرهنگ جامعه‌ای را اثر یک نویسنده را یکجا جمع کرده‌سپس به بهتر بود این فرهنگ بیشتر از اینها پراپار باشد. یعنی حداقلی کتاب انجام می‌شد که بشود در آینده به عنوان یک مرجع به آن نگاه کرد. همه دوستان سازمان‌گرا می‌تخریبی می‌دانند که تک‌تک آثار ترجمه شده این نویسنده، با استلاکت همه‌ا با یک مقدمه طولانی

درباره ابعاد شخصیتی و هنری او هستند که به هر حال برای خوانند آن اثر کافی است. پس این انتظار بیهوده‌ای نیست که در کتاب زلزلی به دنبال کند و کار بیشتری مابین و از برآورده نشدن آرزویمان به فر و نل بیفتیم. البته این مسأله را هم نباید نادیده گرفت که نویسنده جوان در اولین آزمون‌های خود سرنوشت بیرون آمده، حساسیت‌ها، تیزبینی‌ها و همین نکات موضوع که به هر حال کاریگر و تازه‌ای است، نویدبخش این امید است که دنیای نقد قرار است از گونه‌ها انزوا خارج شود. حرکت زلزلی به لحاظ نیاز زمانه، حرکتی مؤثرانه و از سر شناخت است، به این شرط که نگاهش را بر نویسندگان صاحب‌ممتز کند.

زیر همان‌گونه که می‌دانیم نویسندگان در سایه مانده محتاج نقد و معرفی‌اند نه کسانی که تلاک و تابششان نصیب همه شده است.

مسأله دیگری که در آخرا اشاره کردن به آن خالی از لطف نیست، این مسأله است که معمولاً در اینگونه کتاب‌ها سعی می‌شود حداقل گوشه‌ای از زندگی نامه نویسنده مورد اشاره گنجانده شود. مثلاً دانشن این نکته که آفلاروزه به دلیل فقر مالی خانواده مجبور به ترک تحصیلی می‌شود یا ناخوشه رفته مشکلیک را بر می‌گزیند، حتماً برای دستدران او جالب است، چه رسد به دانشن این نکته طرفیک که نویسنده مورد علاقه‌شان از خانواده‌ای دهقان می‌زینم بر خاسته و نام بنوادگی او نام یک گیاه دارویی وحشی است که برگ‌هایش غذای مردم گرسنه بود و...



زهرا حاج محمدی

گفت و گو یا **فریده گلیو**، **داستان نویس**

قصه نویسی زنان

خود، قلم خود و خود و شیوه روایتی خودیان مقصود کند و در این طیف وسیع مخاطب خود انتخاب کند که خواننده چه روایتی باشد و اخلاقی روشنگر له و غیر روشنگر له که بر حسب کشتی‌های دلی است.اوهمان اپنا غلط است.نگار یه حائون کلی گویی فادامفهوم را برادریم. هر قلمی غفک خود در اندازد و خواننده خود در این خط کشی روشنگر له و غیر روشنگر له نمی رابه یاد خط پر رنگ دسته بدجنس هاو خوش جنس های قلمغزاسی های نادیم می دلداد.

در همه جای دنیا داستان های وجود داره به نام Bestseller (برفروش اسم) داستان های دانیل استیل و سیدنی شلدون و... در همه جای دنیا این اتفاق می افتد.

اما درباره سوال قیل شما و اینکه اشاره کردید تعداد داستان نویسان زن آن هم بیوزگی علمهستنویسی پیش و مراد است. خیره به عقیده من تعداد مردان علمهستنویس هم فراوان است. اصولاً فریاد جمعیت غلبا و زیاد هر آماری راه دنبال داره و تعداد شرکت کنندگان کنکور گرفته تا تعداد قصفه نویس، از رتبه کتاسی گرفته تا قفل.

در این حجه نشارتی به وجود آمدند که آثار نازل فراوانی چاپ کرده شد. شاید نظر کسی هم تعداد زنان نویسنده زیاد شد که موجب افزایش در هر دو بخش کیفی نویس و نازل نویس شد.سپس رشد آثار نازل زنان نیز به دلیل تعداد مابین رتبه یک رشد طبیعی بوده و نیز دیگر گونه تعادلی از زن به دنبال جذب

فریده گلیو: ادبیات طیف وسیعی دارد بخصوص در حیطه قصه نویسی، اجازه بدهید که هر نویسنده با فکر خود، سبک خود، قلم خود و شیوه روایتی خود یوبیان مقصود کند

مخاطب بیشتر بودند پس به این سبک به قول شما علمهستنویسی روی آوردند. حد نویسندهگی این دسته همین است اما فراموش نکنید که علمهستنویسی خود رده بندی های متعددی دارد. دانیل استیل یک علمهستنویس است اما در سطح دنیا موفق است. البته نویسنده روشنگری نیست اما با فکر کرده ایاد چرا مردم در سراسر دنیا آثار او را می خوانند. چون به دنبال آثار بلایی هستند یعنی آثاری که موقع خواب و استراحت به آنها سرگرمی بیشتری می دهد.دانشتان را درگیر می کند و به دنبال خودش می کشاند. این خودش یک موفقیت است.

آثار بلایی به اصطلاح مناسب و جایی را بکار بدهید به نظر شما این داستان ها در قلم نازل روشنگری چه جایگاهی دارند؟
راستش من اصلاً این خط کشی های روشنگری و علمهستنویسی سابق نیستم. معتقدم زمان باید خصبر جلالت را در خود داشته باشد. داشتن عنصر جلالت لاجرم قلم نازل بودن آن نیست. از روز اول بدایع شد. اما مخاطب را سرگرم کند پس جلالت مغایرتی با روشنگر له بودن قصه ندارد. قصه باید چارچوب محکم، درست و سالمی داشته نمی شوم.



باشد.زبان آن نیز زبان خوب و پخته ای باشد. قصه باید پیام داشته باشد و نویسنده توانایی تعریف کردن روایت را به طور کامل داشته باشد. اگر زمانی آن ویژگی ها را دارا بود، زمان خوبی خواهد شد. این تصور که اگر نویسنده ای قصه های آرایی سرگرم کردن مخاطب نویسد، لاجرم علمهستنویس است، تصور غلطی است که هر دیاد تصحیح شود. اگر بای نقد و تحلیل درست میان بیاذیم می توام به قصه شما قصه های سیار زیادی را نشان بدهم که اتفاقاً در چارچوب جریان سیال ذهن نوشته شده اما بسیار مثال تشریف دارند. اما مسأله ما فادماقتدستی هستیم که مربوط به موضوع گری و هیچ صفت بندی و شهرت خوبی نیابند و کتاسی که سر را از ناسره تشخیص دهند. منظور از اینکه قصه باید پیام داشته باشد، چیست؟ اینکه نویسنده باید غرضی کند؟ باید خودش را یک سرورگون از مخاطب بالا ببرد. و به او پیام و اخلاقی و... بدهد؟ باید برای مخاطب نویسنده، اصلاً فریاد خودش می نویسد؟ یا پیام همدستان نویسنده یا به دلیل غرضی که هر گفتن و نوشتن دارد؟

منظور من پیام غیر مستقیم است نه پیام مستقیم. نویسنده اول باید حرفی برای گفتن داشته باشد. قصه بهانه ای می شود برای اینکه نویسنده حرفش را بر داند. تصور قصه تعریف نمی کنی بلکه حرفی را با حرفش خامی نمی کنی. صدق هدایت در ابتدای بوف کور می نویسد که این حرف ها را برای سایهام می نویسم می خواهد... ۱۰۰-۱۰۰ سیه کس بخواد نمی خواهد کسی نتخواد. که خیال می کنی حتی این جمله را هدایت در ارتباط با ذهن مخاطب خود ندی. اینکه نویسنده متفک از ذهن مخاطب شروع به نوشتن کند اصلاً درست نیست اما اینکه از اول بخواند پیام بدهد هم خیر. دقیقه زمان دادن پیام نیست در نهایت هر حرفش از برای حرفی است که در ذهن چارچوبی و آرایی حرفش انتخاب می کند همان حرف را در نهایت به قلم پیام اثر می خوریم.

اما وجه مشترک دیگری که در آثار آنها چه در قالب با محسوسات شماست این که بسیاری از آثار آنها چه در قالب با محسوسات به یکدیگر دارد. اگر فرزانه کریم پور در ایران کوتاه، واقعی و لحظه نگار است. مهربوش مغفاری در امریکا، هم چنین گونه است. این ویژگی ناشی از خصیلت مشترک آنها یعنی زن بودن است. که هر کس به ولشتت های شیخ به هم حدالان نزدیک به هم ویروز ممکن اصل ای رنگه به هم است؟

در این اتفاق فقط در ذهن زنان یافتند است. مارشالی داریم در دانشگاه و رشته ادبیات تحت عنوان ادبیات تطبیقی. در این ادبیات، عنوان مثال، شیاهت، مکتب و حسادت، شاهنامه را مورد روزایی قرار می دهم. البته که برای مثال این دو اثر در دوره در جای مغفارت نیبا تا کرد که دهانه مسالته که آنها امتیاز کرده مغفارت بوده است. اما در نهایت آثار شیاهت، مکتب های هم نیست به یکدیگر دارد. اما اینکه زنان شیخ به هم می نویسد پایه شاید عنوان و محور یک تحقیقی می بود. اما عنوان خود هم عنوان زمان نویس هرگز به این موضوع فکر کردم که کارم شیاهی یادگار آن دارد. پایه در هیچ صورت با هیچ شنگری نیز هرگز از راهی و سبکی که پیش گرفته ام، متصرف نشده و نمی شوم.

به خودتان برگردید از یکی و چگونه آغاز کنید. اصلاً نوشتن تا چه کتاسی آثار زنان را بخواند؟ شروع داستان نویسی من به سال های سیار دوری می رود. همان جمله بودم که در کلمین را چاپ کردم اما درست از همان ابتدا در این فکر بودم که به گره ای میوسم تا علمهفتند و خواص هم آن را در کتد. مخاطبان زیادی هم برای خود پیدا کردم. گرچه بعضی از آثارم فقط علمه سخت است اما قشر دانشگاهی و روشنگران هم از خوانندگان آثار من بودو هستند.

پیش از داستان نویسی روزنامه نگار بودم. و در زمان خامی هم یادرفتی نویس، این دو حرفه چه تفریقی روی شیوه نگارش شما داشته اند؟



همان طور که گفتند در ۸ سالگی اولین معلم را چاپ کردم و یکی دو سال قبل از این تاریخ خلاصه مان های مشهور روز دنیا را برای خود انتخاب می نوشتم.

به عقیده من نویسنده های بزرگ خود و روزنامه نگاری را بدست سر نگار و هر کدام طوطی که گفته یارونی نویس هم بوده. وقتی کتاب جلوه کور را منتشر کرده بودم برخی از روشنگران با من مخالفت کردند و معتدل من هم در مؤسسه کیهان شروع به نوشتن یادرفتی کرده ام. اولین تجربه ام نوشتن یادرفتی حاصل کردم از روزنامه نگاری. من به نوشتن یادرفتی به مدت ازین تودن عامه مردم با آنکه هیچ گزاره قصه نویسی متفک نبودم. حضور به عنوان روزنامه نگار جاهای مختلف و مسحت کردن با آثار مغفاری از سطح مغفارت جامعه شناخت کلنگتری از مردم به دستم داده. هر روز هر زمانگی تجربه خودش را در واقع و وقوع بیونی در هر روحی با زبانهای مغفاری دارد.

می خواستم به طوطی مشخص از شما پرس چرا روشنگران کمتر آثار شما می خوانند؟

این سوال را از خودشان پرسیدم. وقتی آنها نوشته اند به این نتیجه می رسد که آثار من زیاد خوبه. اما دلیل بی طرفی مردم در این باره اینهاست. برای من اینستند من می توام بافتنی کنم که آثار من اینقدر آسان برای مطالعه نیستند. خوبه یا نه و اگر خوانند می تواند ببینند. به به نظر شما قبل از قضاوت درباره هر کس بهتر نیست او فرست مجهم که نویسدی را ببیند. نویسنده سستی به زبان تاریخ و داد و داند ایندو و آیدانگان اگر بخواند فری مکتبی باشد، آن را یادگار می کند. اگر بباشد تاریخ مکتبی صرف یک فر زمان خودیه یان رسد. با هم زمان تاریخ کار خودش را می کند. من شخصاً شورش و شوق کار می کنم. خوب حالمه که مخاطبان خاص خود را در هر طبقه و صنف و قشری به هم علاوه آنکه روشنگران خودشان به من علاوه داماد و ماکلی بر معان دیر کل یونسکی بیست یکی در کتد. نامه نامه شوقی امیزی و بیم نوشته است.

شما همواره از یک شیوه روایتگری (ساده و غفیل) در آثار هم بهره ودهید. از سویی زبان در آثار شما، محدودی نزدیک به هم دارد. زشتم و امفی با توصیفاتی ساده و بی هیچ پیچیدگی را هیچ که تغییر ندهاید؟

همین نظر است که می گوید. روشنگران در ایران می گریه بر اساس می نویسم به نظر من حرفه روز اول من موجود است. اما تا قلم هدنده پیام به مخاطب باشد. نه اینکه در واقعیت کدلیت به حالت سبک سبک، مکتب های و کالی هم میسوزا در این خودش ازاد کرد که در آثار من هم زبان هم داشته اند. اما اینکه روایت مستقیم و مستح و زبانهای قابل درک برای مخاطب در آثار من هم منصفه ظهور نویسنده سبکی است که من آن انتخاب کردم. اما این دلیل آن نیست که من هرگز سبک دیگری را تجربه نکردم. داستان نویس تمام به نام فوسان که چاپ کردم برای این داستان ها و شیوه جریان سیال ذهن استفاده کردم. در باره کلیت آثار من می نویسد. کیودیکه قلب داستان را اکثر آثارم احداث است. اما خود من همواره در کتد هستم. یعنی هر بار به سوال نوشتن می رويد، همه چیز از قیل روشن است. زبان شیوه روایت سبک، چارچوب ها و بعد قصه های در زمان چارچوب می رويد؟

اول سوره است که به انتخاب می کند. سوره به من چنگ می دلاد و در ضمن کار گفت و گو ها و شخصیت های فرعی و اصلی به سرفقم می آید. هر این صورت داستان شکل می گرد و بدنه آن کامل و کامل می شود. چرا وقت و خوهای ایس سبک ها، ساختار شکن ها، شیوه های متعدد روایتی، شیوه های زبانی متعدد و کشتن زمان و زبان و اصولاً لطفی که در سال های اخیر در زمان نویسی و داستان نویسی باب شده است، در شما تفریقی نداشته اند؟

فریده گلیو در ۸ سالگی اولین رمانش را به چاپ رساند تجربه روزنامه نگاری از سالان دور نیز همواره در داستانهای متعدد هم را میبوه است اما اینکه چرا آثار او در میان کثرت روشنگر خواننده نادر و همکاران او کمتر آثار او را خواننده نامه همواره یک سال بدون جواب بوده است. گلیو در آثارش موفقیت های تازه است او امروز مخاطبان خاص و عام بسیاری دارد. آثار او به چاپهای مکرر می رسد و به گفته او آهمن همین کتد از راه های داستانی است ماندگاری یک اثر است.

محکمت روزگار، بعد از عشق، جامه، بعد چهارم، دو فریب و هفت پیکر از جمله کارهای گلیو است.

شاید بد نباشد به عنوان مدخل گفتندوگر نظری داشته باشیم به آماری که از زبان داستان نویس اثری در یک دهه اخیر به دستمان رسیده. آمار نشان می دهد در آغاز دهه ۹۰ها ۱۶ داستان نویس زن در داخل و خارج از کشور به فارسی قلم می زدند. اما این آمار در سال ۹۸ تقریباً هشتاد در صد رشد داشت یعنی تعداد داستان نویسان زن را به ۱۲۰ نفر رسید.

مشاید بهتر باشد قیل از هر بحث دیگر این رشد آماری را مورد تحلیل قرار دهیم. به نظر شما در این دهه با چه اتفاقی مواجهیم که حاصل آن رشد هشتاد و صمی زبان داستان نویس ما در داخل یا خارج از کشور بیان شده؟

به صرف اینکه خودم همان می نویسم نمی توام تخصصی در این تحلیل اجتماعی داشته باشم. اینکه چه شد تعداد زبان داستان نویس ما زودنی گرفت. شاید دلیل اولش به زیاد جمعیت کشور و ورود به این معاکه متناسب باشد. جمعیت مردم تعداد داستان نویسان چه در حیطه مردان یا زنان افزایش یافت. در حالی هر صده فعالیت در این دهه برای زبان نازل شد. شاید این رشد را می بیست سال ها پیش شاهد می بودیم. اما چه شد که یک یاد و دهه زودتر از چنین رشدی را در میان زبان داستان نویسان حتی مردمان زبان داستان نویس داشتیم. بعضی از آن به مسائل دوران انقلاب و جنگ گیس و آن باری می گوید. همسایس این سرف انقلاب و جنگی آثار تحلیلی کسرتی به وجود می آید و دلیل آن هم به این مطلب بازمی گردد که برای یک سو چنین اتفاقات اجتماعی، سیاسی اقتصادی آن هم در چنین کسرتی و موسمی اذهان مردم را بیشتر معلوف مسائل جنسی کند. تا آنجا آشوبت ناشی از جنگ باقی باقیهای بزرگ مردم با خواستن ذهن به تحلیل را می گرد. ما در دست در دهه ۹۰ به دلیل آنکه از جنگ فاصله گرفته بودیم فوراً این قصه نویسی در میان مردان و البته زنان شروع شد. با تاملی بهفته داستان نویسی به سوری جنشیی پیدا روشمری دلیل شد. از طوطی قصه معنون ترین قالب برای گفتن بسیاری حرفهای ناگفته و نارضایتی های فرهنگی اجتماعی، سیاسی است.

اگر همین امروز املاک قرار دهیم، با اتفاق خیلی جالب دیگری مواجه می شویم. اگر در پایان این دهه ۹۰ نویسنده زن در همه داستان نویسی ظهور کند. از این تعداد سطح نگارش ۲۸ داستان نویس زن در حد داستان نویسی عامیانه است. تهیه رسمی ۲۲ کتاب روز سیاهور ۱۶ کتاب، بوم امفی ۵ کتاب و فته حاج سیدجواد فیضارگان کتابش را به پیش از ۳۰ چاپ می رسد.

حال آنکه در کنار رشد داستان نویسی در گروه رویه روی یعنی مردان، تعداد داستان نویسان در میان آنها بسیار محدودتر از زبان است. از طوطی گو در این سالها هم برای آثار نویسنده نگار سطح ملل در تاملی با گفتنی در بهترین شرایط ۱۸ نفر آغاز خواننده دارد. اما داستان های عامیانه، شاید شمار نگار کمتر و همچنین در زمانهای در میان مردم خواننده بیشتر و نوشتنی جذاب می کند.

اول باید دید منظور شما از قصه علمهستند چیست. یکسری تعریف های که دیگران از داستان علمهستند دارند، داستانی است که قصه دارد و در سبتر نالیسم حرکت می کند. آنها سرشار از حدانه هستند. این قصه ها ذهن خواننده را از فضای زندگی خود به فضای اسان با اسان های دیگر می برد. پیام خاص، نلاد و سادو عامه فهم نوشته شده است.

در این صورت چه تعریفی می توان برای داستان روشنگرانه قائل شد؟

ادبیات طیف وسیعی دارد بخصوص در حیطه قصه نویسی. اجازه بدهید که هر نویسنده با فکر خود، سبک

این افتخات و تجیرات بیسگی به انواع نهاد داد و لیکه چه نوبسته‌های آن راست‌سویه کار خود را ده‌ها کار گاریل گاریسا مارکز سیکی خاص خود را ایلعام می‌کند بسیار سببیده‌است اما اینکه مادر ایجابی توجه به محتوای اثر مان و مجموعه افتخات بیرونی بخوابم مقلدان را و راه‌ها دهیم کاری عیب است. من هم معتقد که خواننده مادر عصر کاپیور، این‌تیزت و ماهوار و جوسوله زمان قرن ۱۸ را ندارد. اما از سوی هر نویسنده سبک منتقل به خود دارد. سبک‌نگارش من اجابسی‌کنده که قول‌شمار نویسیات طولانی باشم که شاید عطای هم‌ا زمان محافله‌امان شیوه نگارش من است و این خواننده‌است که انتخاب می‌کند اگر آن‌را بیستند، آن‌را می‌خوانند غیر این صورت آن‌را نکند می‌گذارد. در نهایت، کاربرد خوب بلندلیکنه، پایه سبکو زبانی نوشته خود فردی ندارد.

امام‌علی از توفیق در همین سبک و زبان نوشتار است. فکر می‌کنم هر کس به گذشته خود نگه می‌کند، کارهای خودش را اقل‌ظرات می‌کند. به این نتیجه می‌رسد که خیلی از کارهایی که در طول عمرش انجام داده‌ای، بار دوم انجام نمی‌دانی. نویسنده‌گان هم وقتی به گذشته خود نگاه می‌کنند، این نتیجه می‌رسد که بسیاری از آن کارهایی را که تا آن سال‌ها نوشته‌اند، نمی‌بینم می‌نویشد. هر نویسنده‌سی در تکامل و تکامل خود دارد. اینکه چندین موفق است یا نه بیسگی به نظر خواننده دارد.

در مارتوسی برخی مون کلین مشرور و شیرین چه مدعی رادفالی می‌کنند و آیا این مارتوسی‌ها را مغرب‌ها و علاقت نویسنده نمی‌دانند؟

چون مدت‌ها هایتاد تدریس کرده‌ام و همچنین تجربه روزنامه‌نگاری و کار قصه‌نویسی مبرای آن داشت که جوان



● یکی از تعریف‌هایی که دیگران از داستان عامه‌پسند دارند، داستانی است که قصه دار و در پیستر رئالیسم حرکت می‌کند

امروزه رای‌موتون‌اصیل و کهن‌اصیبات‌فانسر فارسی‌آشاکیم، این نوع مارتوسی‌رایک نوع ایسنگارزمنی بین نسل حاضر و گذشته تلقی می‌کنم و معتقدم جوان در نهانجیم فرهنگی نمی‌تواند به حال چنگ براندیس بآید. خواری به لوفا، اینکه آن را خودر حولاتیم در کار نویسنده‌گی بدایم خیر، چرا که این کار را در حالیته کار هم بدایل کرده‌ام. سه کتاب هم بیشتر در این حوزه بدایندیم. در حالیته کار هم بدایم لوین کسی بودیم که ماسوله، لینه‌رایه برای لینه‌ای به طریق اولی داشتیم. مارتوسی هفت پیکر نظقی هم کار ساده‌ای نبود. ما هر دو دسته کارها را در حالیته کار اصیلم یعنی نویسنده‌گی از وظایف خودم می‌دانم، چنانچه من حتی کتاب دستمی هم نوشته‌ام.

آیا شما به این تعریف که چارچوب‌سجوری آثاره‌ان را به عشق محدود می‌کند موافق؟

این یک ظفروت غیر مصفقه‌است. زمان نم‌کاسی از واقع زندگی است که عشق عنصر جذاب، بورنگ و یک چاشنی جهان‌شمول و تاریخ‌شمول از همین زندگی است. عشق لینه‌ای زندگی است اما است و در آن من نیز طبع‌سکولیت عشق بی‌گناه و روی باردیلم‌ای که صرف‌الکار و محرویت اثر عشق باشد. از آن دسته ظفروت‌هایی است که از سوی روشنفکرانی مطرح می‌شود که تا خواننده به نقد آثار من می‌نشینند.

و در پایان آیا شما لقب داستان‌گو، کاره‌رای‌ای چهل‌با تعریف فعلی

یعنی سرزمین معشیت و نگاریم می‌سپید یا زمان را؟ داستان‌گو در واقع برخی گونه‌های زندگی با حفظ‌های از زندگی است اما زمان سکولیت یک زندگی و فوق این دواز همین حاصل می‌شود. لینه‌ای در عین ظفروت‌های ظفهری باز نظر محتوایی یا یکدیگر فرق دارند. البته هر کدام با به ضرورت حال و زمان مهم خود را در اقع مخاطب دارند. نمی‌توان یکی را جایگزین دیگری ساخت و از آن دیگری غافل‌بلد.

زندگی

سیده ابرالحسن مختاریاد

خاطرات نماینده دوره اول مجلس شورای ملی



ویرانگیخته شدن نهد، خواهی سخن رفته است. نویسنده از ستم‌های عمده استبداد بر مردم و اجحاف مردم به یکدیگر و ستم‌پذیری برخی اقتدار از وقایع تاریخی دوره محمدعلی شاه در تبریز و تهران سخن به میان آورده است.

نویسنده مؤسس انجمن احادیبه استانفای بوده و نشریه‌ای هم تحت همین عنوان منتشر می‌کرده است. حاج مهدیقلی هدایت (بخیرالسلطه) در کتاب معروف و خواندنی‌اش (خاطرات و خطرات) ضمن تفتیح ۱۳۰ انجمن تهران که هر کدام سنگ مشروطیت را برای انتفاع خود به سینه می‌زدند از انجمن آقا سید مصطفی به عنوان انجمن صالحه یاد می‌کند.

کتاب گذشته از آنکه از جنبه تاریخی برخوردار است، مشروطیت بیرومی‌انگند، در زمینه آشنایی با عادات و آداب اجتماعی حدود صد سال پیش تهران و برخی دیگر از ولایات ایران نیز منبع مفیدی به شمار می‌ود.

انتشار این کتاب از سوی دفتر نشر میراث مکتوب نیز می‌تواند آغاز مسیر تازه‌ای در کار این ناشر احیاگر نسخ مکتوب باشد. تائیش از این «آینه میراث» یا همان نشر میراث مکتوب قدیم، همت خود را بر انتشار نسخه‌های خطی کهن و در عموماً در مباحث فلسفی و کلامی و فقهی و نهایت تاریخ ایران میانه، صرف کرده بود. اما به نظر می‌رسد انتشار گوهر مفصوده می‌تواند حسن مطلع مناسبی باشد برای چاپ برخی از رساله‌ها و نسخه‌های خطی، عالمان و نویسندگان و روحانیون دوره مشروطه که بسیاری از آنها همچنان با یکتالیف در گوشه کتابخانه‌ها خاک می‌خورند. در این میانه باید از خانم زهرامیرخانی هم سپاسمند بود که همت و روزیدند و نسخه خطی نیای خود را خود تصحیح و در اختیار نشر میراث مکتوب و معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور قرار دادند.

ضعیفه



ایرانی قبل از اسلام و در کتاب دوم جایگاه زن ایرانی از قرن اول تا عصر صفوی مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود. نویسنده با بهره‌گیری از عمده منابع مهم مربوط به این دوره سعی کرده مسائل و مشکلات زنان در عصر مورد بررسی را نشان دهد. کتاب اگرچه میبه‌ای گزارش‌گونه دارد و نویسنده سعی کرده از انتقاد پرهیز کند، اما گزارشی که وی از زرش‌های ستم بر زنان و استعمار آنها، با استناد به اساتیرین منابع، ارائه می‌کند، خود ضعیفه‌ای انتقادی به کتاب می‌بخشد. لذا اگر چه نویسنده در ارائه و تنظیم

همچنان که بیشتر در معرفی کتاب «دین و دولت» در عصر صفوی» (نوشته دکتر منصور مفتاح گل) آورده بود، مطالبات و پژوهش‌ها در این باره صدهای جدیدی متفاوت به خود گرفته است و توجه به این دوره بسیار مهم و حساس سبب شده تا هر روز جزئیات و تحلیل‌های تازه‌تری در این زمینه انتشار یابد. تازه‌ترین اثری که در این باره منتشر شده، کتاب «ضعیفه» است که به‌نقشه سجازی آن را تألیف کرده است. این کتاب که از سوی انتشارات قصیده سرا و در ۳۵۰ صفحه به بازار عرضه شده، سومین کتاب مؤلف است که در آن جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. سجازی کتاب اول را با عنوان «زن به طنز» تاریخ و در سال ۱۳۷۱ انتشار داد. کتاب دوم با عنوان «زیر مقمعه» در سال ۱۳۷۶ منتشر شد. در کتاب اول، جایگاه زن

مطلب سعی کرده جانب بی‌طرفی را نگاه دارد و به یاد هوداریه افراطی از زنان نینهقد، انجان که در بخش‌هایی از کتاب فصیح و جانات و رفتار نادوست هر دو جنس را بیان کرده است. اما قصصات‌های ناگزیری هم درباره زنان صورت داده که البته سعی کرده آن را به حد قرون ۱۷ تا ۱۸ هجری محدود سازد. کتاب از انسجام تألیفی نیز برخوردار است و ارائه کتابخانه و آوردن تمامی استنادات و منابع آن در پاورشت هر صفحه نشان می‌دهد که برای این کتاب کاری محققانه صورت گرفته و نویسنده سعی کرده تمامی مواردی که به نوعی به زندگی، زیست و زمانه دوره صفوی مربوط می‌شد، لحاظ کند. امید که مؤلف کار خود را تداوم بخشد و کار تحقیق را در دوره‌های بعد نیز تسری دهد.

نگاه غربی و کاوش در روح یک ملت



جست‌وجو کرده که به همه چیز و همه گنگ نگاه منتقدانه و جسورانه دارد.

نویسنده اگرچه در کتابش از کوپوش شروع می‌کند، در نهایت به سال ۱۹۹۷ از انتخاب آفتاب چمنی ختم می‌کند. اما این سیر در کتاب ۲۵۰ ضعیفه‌ای وی سیری تاریخی منظم نیست، بلکه بسیاری از مفاهیم، همانند افتادگرانی ستم‌ذهبی، جامعه‌پاژشاهی و پادرسالاری و فقدان مشارکت سیاسی را به صورتی کلی با مقایسه گذشته با امروز ایران بررسی می‌کند. همین نوع نگاه است که کتابش را به روز و خواندنی می‌کند.

مک کی در مقدمه کتاب آورده است: «من با ترسیم ریشه‌های طولانی تاریخ و فرهنگ ایرانی کوشیده‌ام کشوری را شباهتم که از بیات محویمت جغرافیایی برای غرب و از لحاظ هویت و عواطف برای تمام ایرانی‌ها حائل‌احتمت است.»

<div><div> </div>کیمیا امیری</div>
<div>مفت‌رسلطانی کتابفروشی بوستان (شیرکتاب)</div>
۱۲ ساعت کار روزانه طاقت فرساست
<p>فروشگاه شهروند میدان بوتک که از آن به عنوان بوستان هم یاد می‌شود را باید از بزرگترین مجموعه‌های تجاری به شمار آورد. در گوشه‌ای از این مجموعه، حمید باقرزاده مدیر انتشارات هیوندت فروشگاهی را اجاره کرده است تا حداقل چند ده میلیارد در این فضای ۲۰ تا ۳۰ هزار متری به کتاب اختصاص یابد. اگرچه وقتی وارد فروشگاه شدیم، بخشی نسبتاً وسیع از فضای موجود به کیف و کلاسور و قلم و خودکار اختصاص داشت، با کتابفروشی این فروشگاه گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.</p>
<div>خاتم سلطانی! چند سال سابقه کار دارید؟</div>
۷ سال.
<div>انگیزه شما برای ورود به این حرفه چه بود؟</div>
شاید حلاله!
<div>چرا شایده؟</div>
ورود به به کتابفروشی به صورت اتفاقی و بنا به درستی است. شوق کتاب بود.
<div>در حال حاضر به این حرفه علاقه دارید؟</div>
ناخودری.
<div>چرا؟</div>
چون کارمشکلی است و از نظر ساعت کار،چندان مناسب نیست. با توجه به اینکه من یک زن هستم و توان محدودی دارم، نمی‌توانم مثل آقایان از ۹ صبح تا ۹ شب کار کنم. این کار انرژی زیادی از من می‌برد.
<div>یعنی اگر کاری با موفقیت و شرایط بهتری به شما پیشنهاد شود قبول می‌کنید؟</div>
شغل دبیری و معلمی را خیلی دوست دارم. شاید اگر روزی چنین شغلی به من پیشنهاد شود از این کار دست بکشم.
<div>حرفه اتان را از نظر اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟</div>
در حد متوسط.
<div>مساحت کتابفروشی شما چند متر است؟</div>
۷۰ متر.
<div>در این فضا چند جلد کتاب جای می‌گیرد؟</div>
۵ هزار جلد.
<div>چه کتاب‌هایی در کتابفروشی عرضه می‌کنید؟</div>
تاریخی، ادبی، فلسفی و کمک‌درسی.
<div>لوازم التحریر و CD هم می‌فروشید؟</div>
بله.
<div>فروش کدام‌یک بیشتر است؟</div>
یک روز کتاب و یک روز نوار و CD و لوازم التحریر ولی در مجموع لوازم التحریر فروش بیشتری دارد.
<div>وضعیت فروش کتابفروشی شما نسبت به کتابفروشی‌های اطراف چگونه است؟</div>
مسلماً چون کتابفروشی ما فضای بزرگتر و بهتری دارد و عنوان شهر کتاب بر روی آن هست، فروش آن هم نسبت به کتابفروشی‌های اطراف بیشتر است.
<div>مشتری ثابت هم دارد؟</div>
بله، ۶۰ نفر از مشتریان ما ثابت هستند.
<div>بیشتر از چه قشری هستند؟</div>
کارمند.
<div>مشتریان شما از چه کتاب‌هایی استقبال می‌کنند؟</div>
روانشناسی و رمان‌های ایرانی و خارجی.
<div>چه رمان‌هایی؟</div>
عشق و عاطفی.
<div>تحقیف هم می‌دهید؟</div>
۲۰ تا ۲۰ درصد.
<div>کتاب‌های پست‌ وپنیرن را هر چند وقت یک بار تعویض می‌کنید؟</div>
ماه‌ای یک بار.
<div>برفروشی تریون کتاب‌هایتان از طی دو هفته اخیر نام بربرد.</div>
خاتوم، مسعود دهنود، انتشارات علمی
- پلاد، میم مژد پور، انتشارات شاناد
- کتاب خروس فریبتکار، انتشارات ققنوس
- روانشناسی قانون توانگری، اثر گئورگی خودمدل، انتشارات پیکان
- یزدگان و یازندگان، اثر نیکولای هولندر، ترجمه مینو پرتیانی، پروین مطهرقی، انتشارات حجهسته.

چینستا بژیی از جمله پراکرتین زنان در یک، دو سال اخیر بوده است. وی علاوه بر کار اجرایی (امپورت انتشارات نامبر) ترجمه هم می‌کند و بنازگی نیز به عضویت هیأت مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر برآمده است. بژیی در زمینه روانشناسی صاحب تخصص ویژه‌ای است و بسیاری از نمایش‌های نوشته شده وی با مضامین روانشناسی پرداخت شده‌اند. بژیی از یک سال قبل «عشق سوم» را که در آن مباحث به روانشناسی و حقوق کودکان و نوجوانان دامن زده شده، منتشر کرده که تاکنون دو جلد از آن به بازار راه یافته است. به بهانه انتشار این فصلنامه گفت‌وگویی با وی انجام داده‌ایم که می‌خوانید.

چه انگیزه‌ای سبب شد تا این مجموعه را گرده‌آوری کنید؟

از مدت‌هایش که رشته روانشناسی تربیتی را در دانشکاه تحصیل می‌کردم. همواره از عدم وجود یک کتاب اطلاعاتی مرجع در زمینه مسائل مختلف کودکان و نوجوانان ایران در رنج بودم و همواره فکر می‌کردم که چای یک منبع گسترده و پژوهشی در این زمینه‌خالی است. به همین دلیل سال‌ها بعد که موفقیت نشر کتاب را پیدا کرده بودم، به این فکر افتادم که با کمک دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف کودکان و نوجوانان، مجموعه‌ای تحت عنوان کتاب فصلی «عشق سوم» تهیه کنم که بخش‌های مختلف مسائل کودکان و نوجوانان ایران در آن فصل بندی شده باشد. یک منبع اطلاع‌رسانی و پژوهشی در باب مسائلی چون آموزش، روانشناسی، بهداشت، حقوق، هنر و ادبیات کودکان فراهم آید. نام مجموعه از جمله معروف «خواجیه عبدالله نصاری» الهام گرفته شده است، آنجاکه می‌گوید مسجد هست نوع است و اصیل‌ترین نوع محبت محبت انسان به فرزند خویش یا همان عشق سوم است. اینگونه بود که کتاب فصلی عشق سوم به‌عرضه وجود گذاشت.

در این مجموعه کاره‌ها، فرار است چه محورهای مورد توجه فرا بگیرد که تاکنون کمتر به آنها توجه شده است؟

کتاب فرار است هر بار به پنج بخش اصلی بپردازد که عبارتند از: آموزش، ادبیات و هنر، روانشناسی، حقوق و اخبار کودکان. اما هر بار به فرارخور موضوع محوری، بخش‌هایی به کتاب اضافه می‌شود. برای مثال در جلد اول عشق سوم، موضوع ویژه ما «اجلاحت» و در جلد دوم، موضوع ویژه ما مفهوم عشق در نزد کودکان بود و فرار است که در جلد سوم موضوع ویژه ما جنسیت کودکان و رویکردهای متفاوت تربیتی باشد.

به هر حال در هر کتاب یک موضوع خاص داریم که فرار است صفحات بیشتری را به آن اختصاص دهیم و ضمناً در هر شماره تلاش می‌کنیم که یکی از مراکز راسته به کودکان را که خدمات ویژه‌ای به کودکان و با والدین آنها عرضه می‌دارد، معرفی بوم.

استقبال از جلد اول و دوم کتاب چگونه بود.

خوشبختانه استقبال خیلی بیش از آن چیزی بود که ما انتظار داشتیم. جلد اول خیلی زود به چاپ دوم رسید و در حال حاضر نیز نایاب است و جلد دوم نیز تقریباً به پایان رسیده است. با توجه به اینکه کتابفروشی ما معمولاً از چنین کتابهایی تخصصی (با موضوع خاص و علمی) استقبال نمی‌کنند، ما به هیچ وجه روی

فروش این کتاب حساب نمی‌کردیم. اما خوشبختانه استقبال مریبان ووالدین باعث شد که کتاب در همان مراکز محدودی که عرضه می‌شود (مثل مؤسسه پگاه، مؤسسه مادران امروز، انجمن حمایت از حقوق کودکان و…) با استقبال خوبی مواجه شود. اگر چه همین جا باید اشاره کنم که متأسفانه، علی‌رغم ضرورت، هیچ یک از نهاد‌های دولتی یا نیمه‌دولتی (مثل آموزش و پرورش، انتشارات تربیت، انجمن اولیا و مربیان و…)، از این کتاب، حمایتی نکردند و با وجود ارتباط مستقیم مطالب آن به اولیا و مربیان، حتی یک جلد این کتاب را به نیز از ما خریداری نکردند و ما این کتاب را به تمام این مراکز به شکل رایگان اهدا کردیم که دست کم از وجود چنین منبعی مطلع شوند.

از نظر خودتان محوری‌ترین بخش کتاب کدام است؟

هر کدام از بخش‌ها، با توجه به نیازهای خاص مخاطبان، پدید آمده است و تمام بخش‌ها در یک پوستگی معنایی با یکدیگر قرار گرفته‌اند و لذت‌امن تصور می‌کنم که هر بخش به دلیل ضرورت طرح مضامین آن، مخاطبان



منظور از سلامت روانی کودکان، صرفاً بیامان نبودن نیست. بلکه شادی، خلاقیت و نگاه سازنده و کنج‌گوانه به زندگی است

خاص خود را دارد و وجودش لازم است. مثلاً ما نمی‌توانیم از مسائل آموزشی کودکان رویکردهای نوین روانشناسی تربیتی را مطرح کنیم و یا ما نمی‌توانیم از حقوق کودکان بی‌تفاوت عبور کنیم و با مسائل تاریخی، ادبی و هنری آنها را نادیده بگیریم. اما من به دلیل رشته تحصیلی‌ام و همچنین به دلیل فقر رویکردهای پژوهشی در زمینه مسائل تربیتی در ایران، بخش روانشناسی تربیتی را نسبت به سایر بخش‌ها از اولویت خاصی برخوردار می‌دانم. چرا که تصور می‌کنم در این زمینه، کمتر کار جدی و پژوهشی در کشور ما صورت گرفته است و متأسفانه تمام کتب مطرح در این زمینه نیز ترجمه یا اقتباس از کتب خارجی هستند و ما در زمینه مسائل مختلف تربیتی کودکان خود مشکلات عدیده‌ای در این زمینه داریم که هنوز بدرستی طرح و بحث نشده‌اند.

خودتان لکری می‌کنید توجه به مسائل کودکان و نوجوانان در کشور ما از چه وضعی برخوردار است؟
متأسفانه در این زمینه، ما، علیرغم بررسی از تلاش‌ها که سازمان‌های غیردولتی یا نیمه‌دولتی انجام می‌دهند، هنوز در ابتدای راه

نشادهای نشر

۲ پوزهایس

گفت‌وگو با چیستا بژیی مدیر انتشارات نامبرابه انگیزه انتشار یک فصلنامه تربیتی

چگونه عشق سوم نایاب شد

هستیم و متأسفانه کودکان همیشه در آخرین اولویت ما قرار دارند. ما در باره کودکان زیاد شعر می‌گوییم و مطلب می‌نویسیم، اما در مرحله عمل و کار جدی و پژوهشی، هنوز در خانه اول در جای می‌زنیم، چرا که معمولاً مهم‌ترین نکته را فراموش می‌کنیم و آن اینکه سلامت روانی جامعه ما متضمن سلامت روانی، شادی و خلاقیت امروز کودکان ماست و نبودن سلامت روانی کودکان، صرفاً پیام‌زیور نیست، بلکه شادی، خلاقیت و نگاه سرشار و کنج‌گوانه به زندگی است. اگر بتوانیم به کودکانمان دوست داشتن، عشق به زندگی و تفکر خلاقانه را آموزش دهیم، امکان ظهور یک جامعه خلاق مبتنی بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی را در آینده پای‌پیزی کرده‌ایم. متأسفانه در این زمینه کمتر سرمایه‌گذاری‌های معنوی انجام می‌شود و هنوز مهم‌ترین بخش توجه در جامعه ما متوجه کودکان و نوجوانان است.

در گردآوری این مجموعه با چه موامنی روی‌ورو بوده‌اید؟

بزرگترین مانع، عدم حمایت مراکز و سازمان‌های دولتی جهت تولید این کتاب است. کتاب عشق سوم هزار بازدیدیاً ۲۰۰ تا ۳۰۰ صفحه در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر می‌شود هزینه آن تماماً به عهده بخش خصوصی و نشر نامبراست. از آنجاکه همه می‌دانند هزینه تهیه و تولید چنین کتابی (که حداقل آن همه دست اول و نویسنده‌گان و محققان صاحب‌نام عرضه کودکان و نوجوانان است) بقدر سنگین‌تر از مادردهه اول انقلاب رانستیم که حمایت‌هایی را از ارشاد یا سازمان‌های وابسته به مسائل کودک و مربیان آموزشی و پرورشی، انجمن اولیا و مربیان، کانون پرورش گفیری و… دریافت کنیم و دست کم انتظار داشتیم که این سازمان‌ها به دلیل تعدادی از این کتاب‌ها را خریداری کنند. اما متأسفانه چنین نشد و بهانه‌های مختلفی برای پرهیز از خرید کتاب عنوان شد. کتابفروشی‌های معمولاً از پذیرش چنین کتاب‌های تخصصی (با مخاطبان خاص) امتناع می‌کنند، چرا که تصور و درکی مناسب از اینکه کتاب‌ها را از من بازها و بارها ما مجبور شد‌ام، که شخصاً سراغ بگیرم، با وجود اینکه مطمئن بودم مرکز بخش ما این کتاب را به آن کتابفروشی عرضه کرده است، اما کتابفروش پشت‌پیشخوان حتی نام کتاب را نشنیده بود و با وجود اینکه کتاب در مغازه‌اش موجود بود، اما گویی حتی اسم آن را شنیده بود و از وجود آن در مغازه خودش اطلاعی نداشت. حساب کنید وقتی یک کتابفروشی، چنین کتاب آسیب‌پذیری را در قیاسش می‌گذارد و حتی در رفیع‌ترین بخش‌ش می‌چند، چگونه می‌توان انتظار داشت که علاوه‌بر مدیران و معوقان، ما از وجود چنین کتابی باسیرشنودگی به‌گونه‌ای که بسیاری از دانشجوین که برای پایان‌نامه خود به این کتاب استیاج داشتند، به من زنگ می‌زدند و می‌گفتند که در هیچ کتابفروشی، کتاب را پیدا نمی‌کنند.

شاید اگر مؤسسات خصوصی همچون مؤسسه مادران یا شورای کتاب کودک، نبود، این کتاب هرگز به دست مخاطبانش نمی‌رسید. من در اینجا از نامی نویسنده‌گان و مؤسسه‌ای که در انتشار این فصلنامه‌های ایرانی داندند، سب‌گزار می‌کنم.

وضعیّت آثار بخش مطالعه و تحقیق دانش آموزی در گفت وگو با سرسَرین دخت عماد خراسانی

دانش آموزان مقصر نیستند؛ مر بیان هم همینطور؟!

● خوشبختانه در بخش دختران از شهرستان های مختلفی برای شرکت در مسابقه استفاده کرده بودند در حالی که در بخش پسران بیشتر از مراکز استان ها جمع شده بودند

این‌گونه سرهم‌بندی کردن، کار علمی نیست. شاید بتوان چنین کاری را استفاده از شیوه چسب و قیچی در چسباندن مطالب، و نوبسی پاریدیه جراید نام نهاد.
مناسفانه عمده کارهایی که ما (دوران) در زمینه مطالعه و تحقیق دانش‌آموزی مطالعه کرده‌ایم با چنین مشکلی روبرو بودیم و هیچ کدام آنها بار علمی لازم را نداشتند.

مقصر چه کسی است؟
مقصر چه کسی نیستند!
مربیان هم همین‌طور، چون بحث گناه شمردن یا تیرنه کردن نیست، من واقعیت را بیان می‌کنم. بسیاری از کارها در نوبسی از منابع و مطالب بود. نکته جالب توجه این که بسیاری از دانش‌آموزان معنی کلماتی را که در نوبسی کرده بودند، نمی‌دانستند.



● **دانش آموزان باید کتابخانه را خوب بشناسند چون شیوه بهره‌گیری از کتابخانه در کار تحقیقی یک اصل است و در تمام دنیا به همین شیوه بهره‌گیری از کتابخانه در کار تحقیقی یک اصل است و در تمام دنیا به همین شیوه بهره‌گیری از کتابخانه در کار تحقیقی یک اصل است و در تمام دنیا به همین شیوه بهره‌گیری از کتابخانه در کار تحقیقی یک اصل است و در تمام دنیا به همین شیوه بهره‌گیری از کتابخانه در کار تحقیقی یک اصل است**

فکر نمی‌کنید علت بروز چنین خطاهای فاحشی ناآگاهی دانش‌آموزان از یک کار تحقیقی و ناآشنایی آنان به روش تحقیق باشد؟

ظاهر آنچه‌ها زیر نظر مربیانی کاری می‌کنند که مربیان هم ناخودآیی باروش شیوه تحقیق آشنا هستند. فقط می‌توانم بگویم تا این شیوه تحقیق جا نیفتاده زمان می‌برد. یک مربی در صورتی می‌تواند آموخته‌هایش را به این‌سزل (دانش‌آموزان) انتقال دهد و از آنها انتظار داشته باشد که در درجه اول خود روی کاری تحقیقی انجام داده بایند که حداقل کار تحقیقی را تجربه کرده باشد. یعنی نسبت به موضوع اطلم و از وضع گذشته پیش‌زمینه‌ای داشته و بعد وضع موجود و سپس نیازها را اولویت‌های آینده را بشناسند. در واقع هر مربی باید از فریاد موجودات آینده کار، شناخت نسبی داشته باشد که مناسفانه چنین نیست بنابراین تو گام اول باید آموزش‌های لازم در این زمینه صورت بگیرد و حتی کارگاه‌های آموزشی تشکیل شود.

اگر مسؤولان واقعاً خواهان آنند که نوجوانان راه تفکر علمی مجهز کنند باید ابتدا بررسی کنند که تا به حال چه فعالیت‌ها و

تسیرین دخت عماد خراسانی از جمله مشاوران فعال در امور کتابداری و اطلاع‌رسانی است که هم اکنون در شورای کتاب کودکی و فرهنگ نامه کودکان نوجوانان فعالیت می‌کنند و مدیر گروه آموزش کتابداری دانشگاه آزاد واحد قم و مجری طرح بانک اطلاعات زنان پژوهشگر در مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران است. او از پایه‌گذاران اولین گروه مرکزی آموزش عالی جهاتگویی مرا ایران است و علاوه بر فعالیت‌های فوق ۳۳ ساله با وزارت کشاورزی او این روزها، در سیستم دوره مسابقات ادبی دانش‌آموزان که در شهر کرد برگزار می‌شود به عنوان داور در بخش مطالعه و تحقیق، فضاوت کارها را بر عهده دارد. با وی در حالی به گفت‌وگو نشستیم که از یک روز پرتاب و پرفضاوت برگشته است. محل گفت‌وگو با خانم مملشان پشت کرد است که فضایی صمیمی و دوستانه دارد.

خانم صادقاً! چند دوره به عنوان داور در جشنواره دانش‌آموزی شرکت کرده‌اید؟
اسال اولین سالی است که با آموزش و پرورش (در سیستم جشنواره مسابقات ادبی) در شهر کرد همکاری دارم.
ارزیابی شما از وضعیت مطالعه و تحقیق دانش‌آموزان پسر در جشنواره چیست؟
به نظر من نمی‌توان به طور اتراعی و مستقیم بگویم که کار بیچه‌ها چطور بوده، یعنی فقط به مجموعه کار نگاه کنیم و بگویم که پژوهش‌هایی که توسط جوانان نوجوانان تهیه تدوین شده است، با اشکالاتی روبروست یا برعکس. در اینجا دو بحث مطرح می‌شود: یک بحث صورتی و یک بحث در خصوص ماهیت و عمق کار است. از نظر صورتی جماعت جوان نوجوان مابا کمک و راهنمایی مربیان یکسری کارها و موضوعاتی را در نظر گرفته و برای آنها مطالب نوشته اند و تهیه و تنظیم کرده و در قالب یافته‌ها ارائه داده‌اند.

فکر می‌کنید این چنین فعالیت‌های دانش‌آموزی فقط در همین مساله که اشاره کرده‌اید خلاصه شود؟

هدف از چنین فعالیت‌هایی این نیست که تعدادی از دانش‌آموزان در یک مدت زمان تقریباً محدودی به یک موضوع بپردازند. به نظر من هدف عمده تمام این فعالیت‌ها باید این باشد که جامعه فرهنگی و علمی در آینده نزدیک بتواند در مسیر تفکر علمی گام بردارد. چون اگر جامعه‌ای تفکر علمی نداشته باشد، حتی از ساده‌ترین شکل ساختار اجتماعی اش به ضعف و سستی دچار خواهد شد. هر محوم استاد مطهری یکی از جنبه‌های توسعه و بالندگی جامعه رو به رشد را تفکر علمی نسل جوان می‌داند. بنابراین ما نباید نسبت به این مسائل بیگانه باشیم و باید به آن بپردازیم و آن را جدی بگیریم.

به نظر شما خطوطی می‌توان در جامعه دانش‌آموزی به تفکر علمی رسید؟
تفکر علمی ابزار می‌خواهد و مهمترین ابزار آن شناخت است، ما نمی‌توانیم چند تا مطلب را سرهم کنیم و اساسی هم برپیش انتخاب کنیم و بگویم کار تحقیقی صورت داده‌ایم.



راسته کتابفروش‌ها

باید و نباید

نصرت‌الله حدادی

علی‌اصغر رمضانبه‌ر، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: بر اساس مطالعاتی که در استان کرمانشاه انجام شده است، در بسیاری از خانواده‌ها، فرد کتابخوان وجود ندارد و بسیاری از خانواده‌ها در طول سال چیزی به نام کتاب خریداری نمی‌کنند. لوی(در مراسم اختتامیه شصت و چهارمین نمایشگاه کتاب استانی کرمانشاه با اعلام این مطلب گفت: مناسفانه میزان ارتباط خانواده‌ها با کتاب هنوز درصد قابل‌توجهی را نشان می‌دهد. به مقدار افزایش درآمد، میزان خرید کتاب بالا رفته است. رمضانبه‌ر در ادامه تنها راه توسعه کشور و استان را توسعه کتابخوانی در بین خانواده‌ها و مرد دانشور و افزود: مردم ما باید یاد بگیرند که برای مطالعه، هم اوقات نیازهای خودشان کتاب بخوانند و به وسیله مطالعه، هم فرد اوقات فراغت خود را پر کنند و هم مهارت‌های زندگی کردن فردی و جمعی خودشان را افزایش دهند. (روزنامه ایران، شنبه ۱۲ مرداد، صفحه ۲۸)

... اما مهمترین نکته این است که خود بچه‌ها به کتاب علاقه‌اند عادت کنند، یعنی باید نهضت کتابخوانی راه یفتند. (کتاب هفته، شنبه ۱۲ مرداد، صفحه ۵۵، مصاحبه با آقای عباس جهانبگریان، نویسنده کودکان و نوجوانان.)

وقتی دو فرمایش این دو عزیز بزرگوار را خواندم، نمی‌دانم چرا کلمه «باید» توهم را جلب کرد. تا آنجا که من می‌دانم، این کلمه از قدیم‌الایام از آن‌گونه کلماتی بوده است که اجبار و تحمیل را تداعی می‌کرده و نمی‌دانم آیا می‌توان کتاب و کتابخوانی را اجباراً به کسی آموخت و با تحمیل آن، سطح فرهنگ جامعه را بالا برد؟

دانش‌آموزان کتاب بزد و کرمانشاه، به فاصله اندکی از یکدیگر برآی شدند. در نمایشگاه بزرده به علت تریق این کتاب استانی - احتمالاً رایگان- آن هم در سه روز پایانی نمایشگاه، آبی به زیر لوجه» ناشران رفت و فروشی صورت گرفت، وگرنه اینجانب تبرس(اما در نمایشگاه کرمانشاه، صنف طویل ارائه ن کتاب، آن هم با تخفیف ۳۰ درصد، بسیاری را «از گلشن کشن» شیطانی می‌کرده و آنها قید خرید کتاب با تخفیف را می‌زدند تا با نگاهی به جیب خود را کار پولی داشتند، می‌خریدند و گرنه عطشای کتاب را به راقش می‌بخشیدند.

چه بسیار مردم علاقه‌مندی که دوست داشتند برای خود و فرزندشان کتاب بخرند، اما بسیاری از «باید‌ها» آنها را از خرید کتاب منصرف می‌کرد. مردم ما «باید» گرانی مرغ را تحمل کنند. طرف کمتر از سه ماه، قیمت این ماده خوراکی، قریب به صد در صد افزایش یافت، پس «باید» کتاب خرید یک فرص نان طی ماه گذشته، بین ۳۰ تا ۵۰ درصد گرانتر شد و از آنجا که نان را باید خودت خریدت، پس «باید» کتاب بخواند، قیمت سگن که مرغ سرخ‌آموزی در سال جدید در سراسر کشور بالاتر و گران‌ها چنان سرخی را در سرتیالیی گرفتند که عدداً به دور سازه، پس «باید» با کتاب رابطه‌ای داشت؛ قیمت برنج داخلی و خارجی، همچون دیگر مواد خوراکی، گران و گران‌تر شد، چون برنج را «باید» خورد، پس «باید» کتاب بخواند، و قس علی‌الهدا.

در روزگار نوجوانی، بر سر راه مدرسه ما، کتابفروشی میرشمس بر سر چهارراه حق‌شناس، در حیابان حلال احمر فعلی واقع بود، که در جریان توسعه طرح نواب، این برت رفت. نمی‌دانم چرا من با پول تو جیبی روزی «ده شاهی» «میل داشت» «کتاب های طلایی» «جلدی «بهار زیال» و از میرشمس بخرم و امروز هم در اوپسین سال‌های میانسالی، این میل همچنان در من موجود دارد. از روزها من در مدرسه هشت روز هیچ چیزی نمی‌خروردم تا یک «کتاب طلایی» بخرم و وقتی قیمت آنها به یکباره «هفت زیال» شد، دیگر نمی‌شد بپردازم و در مدرسه گرسنگی کشید، تا کتابت خوانده، از آن پس دیگر نتوانستم کتاب بخرم.

این روزها هر وقت میل می‌کنم تا کتابی بخرم، به رفم آنکه بسیاری به بنده لطف دارند و تعریف می‌دهند، مقفورات «جیب» اجازه نمی‌دهد «کف گرم کند و فرام هم سازه» تا کتابی بخرم. این از من که «فرزند نام» به جای خشم، روی کتاب، افتاده‌اند» وای به حال آنانی که «فرد کتابخوانی ندارند و بسیاری از خانواده‌ها در طول سال چیزی به نام کتاب خریداری نمی‌کنند»!



مریم جباری

گفت وگو با هوشنگ مرادی کرمانی در شهرکرد

داستان‌های غم‌انگیز و بی‌نشاط

هوشنگ مرادی کرمانی پس از ۲۰ ساله، به جمع داروان جشنواره دانش‌آموزی دعوت شده است. اگرچه این چهره نام‌آور هرصه قصه‌نویسی نوجوانان، پیش از این و پس از سال‌ها بی‌مهری، در جشنواره‌های فیلم رشد حضور پیدا کرده بود، اما در حوزه‌ای که وی در آن صاحب اعتباری است و خود وی می‌گوید سال‌ها کتاب «قصه‌های مجید» وی را به مدارس راه نامی دادند حضور وی می‌تواند منتقم و امیدزا باشد. چنان‌که در همین ایام دانش‌آموزان قصه‌نویس یا امیدواری بسیار و شوق و شغف فراوان در جلسات نقد و بررسی داستان‌هایشان می‌نشینند. گفت‌وگوی زیر حاصل پرسش خبرنگار ارجمی کتاب هفته به شهرکرد (محل برگزاری مسابقات داستان‌های دانش‌آموزی در بخش‌های داستان، شعر، مقاله و تحقیق) است که در آن مرادی کرمانی ارزیابی خود را از وضعیت کتاب و کتابخوانی و قصه‌نویسی دانش‌آموزان بیان می‌کند. مرادی کرمانی بزودی تازه‌ترین کتابش را از سوی انتشارات معین به بازار عرضه می‌کند.

تختین ریشتم را می‌خواهم اختصاص دهم به مولایی که سره دانش‌آموزان حلالا و اعلی‌الکلم در آموزش و پرورش قرار دارد و از شما می‌خواهم بر این باره صحبت کنید؟
تا آنجایی که من می‌دانم در کار دانش‌آموزان حلالا نوعی گزینگی وجود دارد که این مشکل تعمقی نیست؛ یعنی چندان‌به‌مسئولان‌رده‌بالا نمی‌گردد. بلکه مشکل زیرساختی است. به این معنا که در خود مدارس این افراد و معلمان و مسئولان مدرسه هستند که با اعمال سلیقه جلوی خلاقیت‌ها را می‌گیرند. به عنوان مثال مدیر مدرسه می‌تواند تصمیم بگیرد که کتبی سر کلاس و در کتابخانه مدرسه برود یا نه. با پایان دانش‌آموز مطلبی را بنویسد یا نه. در حقیقت سلیقه‌ها هستند که محدودیت‌ها را برای بچه‌ها تعیین می‌کنند.
کارها چیست؟
من معتقدم کارهای فرهنگی نمی‌تواند برنامه مدونی داشته باشد اما این نباید باعث سوءتعبیر از این حرفم شود. برای نمونه آلاان آموزشی و پرورش مستعد است. برخی از دانش‌آموزانی که در شمال تهران تحصیل می‌کنند، می‌توانند برخی از کتاب‌ها را بخوانند و با یاد برخی از خودهای فرهنگی شوند و در آن باره بنویسند. چنان تصورشان این است که این دسته از دانش‌آموزان از نظر فرهنگی و اقتصادی و سطح بالای قرار دارند. در مقابل این برنامه برای دانش‌آموزان مناطق محروم برخی از روستاها، اجرا نمی‌شود. در حالی که به این رویه مخالفم چراکه با وجود وسایل ارتباط جمعی، دانش‌آموزانی چه در مناطق روستایی و محروم و چه در لای شهر، هر دو از آگاهی بالایی برخوردار هستند. به عنوان مثال وقتی اسامیل برای تهیه فیلم مستند به روستایی در کرمان رفته، این مسأله را از نزدیک لمس کردم و دیدم که بچه‌ها واقعاً مسائل را خوب می‌فهمند و درک می‌کنند و آگاهی کامل دارند. البته ممکن است از دانش‌آموزانی که با فخر بالا غناوت‌هایی فکر نمی‌کنند همین نگاه طبیعی‌امیز به رکود فرهنگی در مدرسه محروم

عینی است. تا آنجایی که من مطلعم برخی از فیلم‌ها و داستان‌هایی که ما به عنوان داور تشخیص می‌دهیم که بچه‌ها می‌توانند آنها را ببینند و بخوانند، در برخی از شهرستان‌ها مدارس با مقاومت منفی روبرو می‌شود. به نظر من وقتی که کتاب یا فیلمی مورد سباس خاصی نداشته باشد و قویتر را تحریک نکند و مشکل فرهنگی هم نداشته باشد، چرا دانش‌آموزان از آن استفاده نکنند؟ بچه‌های ایرانی باید از کارهای فرهنگی به شکلی مسأله‌ی استفاده کنند.
با توجه به پدیده‌ای که از کارهای شما داریم، به یاد دارم که تا چند سال گذشته در آموزش و پرورش نسبت به کارها و آثار نگاه‌شخصی‌های حاکم نبود. حتی در برخی از مدارس استفاده از کتاب قصه‌های مجید رایج کرده بودند. البته این مسأله تنها تنها برای من بلکه برای آثار نویسندگان دیگر نیز ایجاد شده بود. اگرچه بعدها متوجه شدنگه آثار و نوشته‌های من هیچ نوع بار سیاسی ندارند و سادگی که ما مطرح می‌کنیم، به نوعی با آثار دیگران تفاوت دارد. مثلاً من در نوشته‌هایم به‌طور مستقیم نصیحت نمی‌کنم و مسائل را تحلیل نمی‌کنم و سعی می‌کنم در داستان‌هایی که فضایی شاد دارند سرورهایم را برده آنچه ما به آن افتخار داریم، بنویسم. شاید مسائل دیگر، مثل مورد استفاده قرار گرفتن برخی از آثار ترجمه‌ای کشورهای دیگر، عاملی باشد تا مسؤران



بفهمند که آثار من چینه بدم‌آموزی ندارد و می‌تواند در کشور خودمان مورد استفاده دانش‌آموزان قرار گیرد. شما به عنوان نویسنده قصه‌های مجید فکر می‌کنید این کتاب چه بازخوردهایی روی رفتار دانش‌آموزان داشته است؟
شخصیت مجید، شخصیتی محبوب و خجالتی و ترسو نبود. بدم می‌آید به کتاب ابرام می‌گفتند و می‌گفتند، ابرام مجید به مادر بزرگش تو می‌گویی. به نظر برخی از مسؤران و مدیران مدارس وقت، مجید بچه‌ای شریود و برخی هم می‌گفتند که مجید بچه‌ها را از نظر اخلاقی خراب کرده است و… اما بعدها فهمیدنگه که بی‌برنامگی و ورود ب رویه کالاهای فرهنگی غرب باعث بدم‌آموزی دانش‌آموزان می‌شود. آن زمان بود که تازه متوجه شدنگه شخصیت مجید تنها برای دانش‌آموزان جنبه بدم‌آموزی ندارد بلکه می‌تواند انگیزی از دانش‌آموزانی خوب باشد که خودشانته و مکتب به دوست و برخلاف بچه‌های امروز که بی‌تلاقی با آرمان‌ها، مجید، جبهه‌ای وحشت‌کنی است و می‌تواند برای دانش‌آموزان انگیزی از نظر استقلال و تکلیف خود باشد.

اجازه بدهید نظر شما را درباره بیستمن جشنواره مسابقات ادبی در شهرکرد جوایا شوم با توجه به اینکه شما قبلاً به نوعی با دانش‌آموزان ارتباط دادید و اسامیل هم در جشنواره داستان‌های متعددی را خواندید و دایره‌ی کودک، تحلیل شما از این داستان‌ها چیست؟ لطفاً بگویید به لحاظ فرم و محتوا و ریکورد دانش‌آموزان به چه طیفی از داستان است؟ چه



● هوشنگ مرادی کرمانی: دانش‌آموزان به جای آنکه، دغدغه‌ها و آرزوهای نسل و سن خود را در داستان‌هایشان بیاورند، آن دغدغه‌های بزرگ‌ترها سخن می‌گویند که این خود جای تأمل و حتی شاید جای تأسف داشته باشد

چیزی در داستان غلاب است و چه چیزهای پررنگتر؟
مأسله‌ها، نوعی یأس و اندرنگی و سیاه‌بینی در آثار بچه‌ها دیده‌شد. این نوشته‌ها البته با نوشته‌ای که خود فرد سوز را غم‌انگیز انتخاب می‌کند متفاوت است. برخی هر کسی ممکن است قصه غم‌انگیز بنویسد، ولی این مسأله به چه‌ها فرق می‌کند. چرا که سوزهای که چشم‌شکار می‌کند، مقداری از درون نشأت می‌گیرد. نوجوانی که موضوع غمگین و تراژیک‌کننده را انتخاب می‌کند و به مسائل آسوده می‌پردازد، در هر صورت روحیه غمگین و افسردگی دارد و من به جرأت می‌توانم بگویم از بین داستان‌هایی، خواندم، اکثریت داستان‌ها غمگین و تراژیک‌کننده بود. به نوعی که من را یادداشت تحت تأثیر قرار داد. این مسأله می‌تواند رنگ‌خطری برای جامعه امروز ما باشد، چراکه دانش‌آموزان پس‌دانش‌آموزی گلچینی بین داستان‌های خود می‌توانند رنگ‌وبو به عنوان آینده‌سازان داستان‌نویسی ایران مطرح هستند.



در مورد دختران هم این مسأله صدق می‌کند؟
دایره دانش‌آموزان دختر بر عهده من نیست ولی می‌توانم آثار دانش‌آموزان را در جشنواره‌های کرمان‌ن خوندام و به نوعی با آنها آشنا هستم. فکر می‌کنم دختران آسیب‌پذیرتر باشند، چون زمان‌های عامه‌پسند شعری می‌خوانند و در آن زمان‌ها به این نوع موضوعات بسیار پرداخته شده است.
فکر نمی‌کنید انتخاب موضوعات نادرین به دلیل افضای سنان (برهان بلوغ) باشد؟
بلوغ یکی از عوامل مؤثر است. به یاد دارم وقتی که خودم درس نوجوانی بودم، مطالب غمگینی می‌نوشتم. اما این عمل نمی‌تواند این همه تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر موضوعاتی که دانش‌آموزان انتخاب کرده‌اند، من آنها را خوندام، موضوعاتی است که به سنین بالاتر از آنها مربوط می‌شود. به تعبیر دقیق‌تر، دانش‌آموزان به جای آنکه دغدغه‌ها و آسما‌ل و آرزوهای نسل و سن خود را در داستان‌هایشان بیاورند، از دغدغه‌های بزرگ‌ترها سخن می‌گویند که این خود جای تأمل و حتی شاید جای تأسف‌دارد.

چرا تأسف؟
چون آن وقت دیگر چه کسی از خودی‌ها آنها نگوید؟ آیا می‌توان گفت، چنگه، اجازه، نوجوانی مرابه‌بچه‌ها داده است؟ شاید! فکر می‌کنم که شاید خود مسؤران سرعت نوجوانی را بیشتر سرگشته‌اند. بلکه در نوجوانی رنگی نکرده‌اند. البته یکی از دلایل دیگر مشاهده برخی از فیلم‌ها و سریال‌هایی است که مأموس‌کنند و تراژیک‌کننده هستند و فضای تلخ و سنگین‌داره و پر روضه دانش‌آموزان اثر منفی می‌گذارند.
خود شما هم چنین فضای تلخ و سنگینی را گذرانده‌اید. پس چرا طنز نویسی شدید و به نوعی روگه‌های طنز در کارهایمان وجود دارد؟
من شرایط و ذهن ویژه‌ای داشتم. یعنی سعی می‌کردم از دل هر تلخی و سختی طنزی بیرون بکنم. همان‌طوریکه می‌کنم، من در اتم کودکی و نوجوانی ام سختی‌های زیادی کشیدم.ام و چون کسی را داشتم محبور بودم زندگی‌ام را بخوم اذرا نگه‌ام اما با وجود سختی‌ها همیشه کتاب‌های خواندم و به‌میشما می‌ریدم. از طرفی بر آن زمان نوجوان‌ها بچه‌های همین سن داشتند از آلاان بودند. البته فکر می‌کنم با توجه به افزایش تعداد محمت و از طرفی مسائل بعد از جنگ، روحیه بچه‌ها به این صورت است. در واقع علت‌های مختلفی باعث ایجاد چنین مسأله‌ای می‌شود. این مسأله برای نوجوانان مایک‌مصلحت است که کارشناسان و روشناسان می‌توانند آن رسیدگی کنند و علت مسائل را کشف کنند.

می‌توان گفت که ما نمانده‌ای شادی‌آفرین‌کمی در جامعه داریم. مثلاً نمانده‌ای محیط‌های آموزشی‌مان نمانده‌ها پیش از اینکه نمانده‌ای شادی‌آفرین باشد، نمانده‌ای غمگین و رویه‌افسردگی‌آفرین در صورتی‌که در آموزش‌های بین‌اسلام نمانده‌ای شادی‌آفرین زیادی مطرح شده است. وقتی که به دقت نگاه کنیم، می‌بینیم که مثلاً پیام‌های اوسیه می‌گردند که لباس سفید پوشیدند و خندان و خوشرو باقید. به نظر من آن چیزی که بیشتر مهم است این است که جامعه و افرادی که با نوجوانان و کودکان سر و کار دارند، چگونگی‌اند. مأسله‌ها در حال حاضر انگیزی یک دانش‌آموز خوب، بچه‌های است. آلام و سانسگ‌های هیچ وقت شادمانی نکند و خیلی خیلی مؤامید باشد. در حالی که چنین نیست. بزرگسالان از روی سبک‌ت می‌خواهند که چه چیزی خوب باشد. اما اندک حتملی ندارند تا بچه‌ها را خارج از ذهنیت خود ببینند. البته من از دیدگاه ادبیات به این قضیه نگاه می‌کنم، چون

● متأسفانه، نوعی یأس و افسردگی و سیاه‌بینی در آثار بچه‌ها دیده‌شد. این نوشته‌ها البته با نوشته‌ای که خود فرد، سوز را از انگیز انتخاب می‌کند متفاوت است



جامعه‌شناس یا روانشناس نیستند و حتی نمی‌توانم تحلیل سیاسی، کتب فقط می‌توانم بگویم که ادبیات شاد و فیلم‌های شاد و هر چیز دیگری برای تعدادی از افراد مسؤلان امور تربیتی، یعنی ادبیات و فیلم‌های خنرب، یعنی بچه‌ها بد بازی می‌آیند. بنابراین طبیعی است وقتی بچه‌ها با چنین نگری روبرو می‌شوند، دچار اضطوگی شوند. و به موضوعات تراژیک‌کننده، بی‌پرواوند، لذا در اغلب داستان‌ها برای آن زشادی و طنز به‌شانه نمی‌رسد. فکر نمی‌کنید یکی از دلایل کم بیرون‌اسمان طنزآمیز، به خاطر پیچیدگی مامبت طنز باشد که دانش‌آموزان و ناهمه‌اش بر نمی‌آیند و لذا به دنبال داستان‌های نال و ماتمبک هستند که طبعاً فضای غم‌انگیزی هم دارند؟
زمانی کتابی درباره خلافت خواندم. مثل کتاب نکته‌چالنی نوشته شده بود که آدم‌های خلاق شوخ طبع هستند و از مسائل تلخ‌کننده‌ای هدیه‌دار بودند. می‌گفتند، به عنوان مثال، این ده‌هزار نویسنده درجه یک، تعدادی ۲۰۰ نفر از آنها فقط از نظر طنز نویسند. من اگرچه معتقدم طنز نویسی کار دشواری است اما در این مورد عصبانی دانش‌آموزان، مسأله به شکار موضوع برخی کرده‌اند و این سؤال برای من مطرح می‌شود که چرا یک نوجوان باید فقط به موضوعاتی مثل امیدوار و طلاق و… بپردازد چرا از این بی‌توان و عشق و امید نمی‌نویسد؟ چرا چیزی را که معترض به دغش دستور می‌دهد، بنویسد، آنگاه، سیاه‌ی تلخ می‌نویسد؟

شما به عنوان داور، مسابقات این در بخش داستان‌نویسی، فرم دانش‌آموزان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
فرم برخی از داستان‌ها و واقعاً فوق‌العاده بود. بعضی از دانش‌آموزان در داستان‌هایشان چنان تصویرسازی زیبایی داشتند و چنان موضوعات خشنگ و خوبی را انتخاب کرده بودند که مرابه‌حیرت و شگفتی‌را داشتند. حتی برخی از آنها از فرم سیال ذهن که از جمله پیچیده‌ترین نوعی غم‌های داستانی است، استفاده کرده بودند. به نظر من اگر این افراد تشبیه شوند و به حال خود مانوشوند، در آینده از بین همین دانش‌آموزان نویسندگان درجه یکی خواهیم‌داشت.
این مسابقات در این بیست‌دوره، چهبر، خاصیتی را او رکود فکر می‌کنید دانش‌آموزان پررنگتر، در این مسابقات به نویسندگان خاصیتی مدل می‌دهد؟
به طور کلی این دوران، دوران گذار است. دانش‌آموزان برای وسمن‌به آرزوهای بزرگ‌باید بسیاری از آرزوهای بزرگ‌دیگر را از دست بدهند. برخی از طریق طبیعت و برخی هم از طریق انسان هم می‌شوند. مثل سیدارها یا غم‌راهی که قدم می‌گذارند بر سرعت هرس می‌شوند و اگر بچه‌ها نتوانند آرزوهای بزرگ‌شان را هرس کنند، طبعاً نمی‌توانند در کار ادبیات یا کارهای دیگرشان رشد کنند. یعنی چند داستان در سرحله دانش‌آموزی می‌نویسند و بعد آن را رها می‌کنند و وارد مسائل دیگر داستان‌های بزرگ‌تر می‌شوند. البته فکر می‌کنم نوع نگارش برخی از آثار نمانده روی این دسته از دانش‌آموزان تأثیرگذار بود. اینکه تبلیغ می‌کنند که داستان‌نویسی در آمی‌گذارند. اما من چندان بااین‌ارزودشما که جشنواره بیرون‌تافته داشته‌است؟ ما از کجا بایتم که این مسابقات توده‌دهی داشته‌است؟ شاید از بین همین دانش‌آموزان، تعدادی داستان‌هایی در شرایط نویسنده و حتی چاپ‌بند، اگرچه فکر می‌معتقد این وظیفه برگزارکنندگان مسابقات است که فهرست داستان‌های بزرگ‌تر و دانش‌آموزان بی‌برنامه را بیستمند. از یکدیگر و دیگر ترند. شاید اگر آموزش و پرورش به نوع خوب و مطمئن چنین وظیفه‌ها را بدهد، قادر بوده‌اید برای مرادی کرمانی، یکی از داستان‌نویسان شادمانی ایرانی که در دوره‌های اولیه دانش‌آموز بود و داستان‌هایش برنده شد آلاان دایره جشنواره را هم عهده‌دار بود.

محققان، نویسندگان و مترجمان می‌دانند بهترین جایی که می‌توان کتاب‌های کودک و نوجوان را یکجا پیدا کرد، کتابخانه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این کتابخانه با بیش از ۵۰هزار جلد کتاب و دوجواز عضو به ریاست زهرا احمدی اداره می‌شود. احمدی از سال ۵۸ فعالیت در قلمبه‌های فرهنگی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را آغاز کرده و از سال ۹۰ به عنوان رئیس کتابخانه مرجع انتخاب شده‌است. با وی به گفت‌وگو نشستیم.

کتابخانه مرجع از چه سالی آغاز به کار کرد؟

این کتابخانه از سال ۵۲ یا ۵۱ تحت عنوان کتابخانه آرهماه لیکنان تأسیس شد که منابع آن بیشتر انگلیسی بود و کسانی که برای آموزش زبان به انجمن ایران و آمریکا می‌آمدند از کتابخانه استفاده می‌کردند. بعد از انقلاب تمام امتیاز این انجمن به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واگذار و این کتابخانه نیز با اضافه شدن تعدادی کتاب‌های فارسی و عربی به عنوان کتابخانه مرجع شناخته شد. **چه نوع کتاب‌هایی در این کتابخانه وجود دارد؟**

در سال ۶۰اسلامشماره‌های درتعیف کودک کنونیتر گردید که طبق آن حوزه فعالیت به عنوان یک کتابخانه تخصصی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان مشخص شد و حدود ۷۵۰۰ جلد کتاب‌های آن چون با تعریف مترجم در این‌نامه هماهنگی نداشت از این مجموعه خارج شد. البته ماسمی کرده‌ایم که منابع کتابخانه به روز باشد یعنی در بخش کتاب‌های کودک هر کتابی که در حوزه کودک نوجوان منتشر می‌شود تهیه کنیم و در بخش کتاب‌های خارجی نیز سعی م‌ایریم است که حداقل کتاب‌هایی که در سطح دنیا مطرح می‌شوند برچیزه می‌گردند را در این مجموعه داشته باشیم. اما در مجموع به دلیل اینکه سهم ارزی ما محدود



نگار بدرام

زهرا احمدی- رییس کتابخانه مرجع کانون:

کودک و نوجوان ، از قاجاریه تا کنون



است.نمی‌توانیم منابع غیر فارسی امان را افزایش دهیم.

دوباره کارهای پژوهشی که در زمینه ادبیات کودک و نوجوان انجام داده‌ایم، توضیح دهیم.

کتابخانه مرجع با هدف به وجود آوردن بانک اطلاعاتی از کلیه مواد نوشتاری در حوزه کودک و نوجوان، اقدام به تهیه کتابشناسی کتاب‌های کودکان و نوجوانان از سال ۱۳۰۰ تا پایان سال ۱۳۸۰ کرده که تاکنون کتابشناسی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ در سه جلد کتابشناسی سال ۱۳۷۳ در یک جلد به چاپ رسیده است. همچنین کلیه مطالب منتشره در مطبوعات ایران با موضوع کودک و نوجوان از سال ۱۳۴۲ تا پایان ۱۳۷۰ که دارای نمایی‌سازی و چاپ شده‌است. از سال ۱۳۷۰ که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقدام به گردآوری این مجموعه کرد کتابخانه مرجع فرآست گردید. این مقالات را در حوزه کودک و نوجوان استخراج کند.

کودک و نوجوان طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است. کتاب‌های این قشر فرهنگ کتاب ساز کرد تا ضروری است و باید به این قشر فرهنگ کودک و نوجوان حرف خودشان را به چه‌ها بپرسانند.

پروژه‌ای داریم که امیدوار هستیم تا پنج سال آینده به



نیچه برسد. در این طرح قرار است مجموعه مطالبی را که درباره کودک و نوجوان از دوره قاجار تا کنون به چاپ برسد، به‌صورت مجموعه‌در آورییم. همچنین تهیه کتابشناسی کلیه پایان‌نامه‌هایی را که با موضوع کودک و نوجوان ارائه شده است، در برنامه کار خود داریم.

شما به عنوان یکی از دست‌اندرکاران ادبیات کودک و نوجوان وضعیت ادبیات این گروه سنی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر من بعد از انقلاب حرکت رو به رشدی در تعداد کتاب‌های منتشره برای کودکان و نوجوانان داشته‌ایم اما از نظر کیفی می‌توان با قطعیت گفت که در هر سال می‌توان نیمی از کتاب‌ها را از فهرست ادبیات کودک و نوجوان حذف کرد که واقعا جای تأسف دارد چرا که هم تعداد نویسندگان، مترجمان، ناشران و همچنین تعداد مخاطبان کتاب‌های کودک و نوجوان بیشتر شده اما کیفیت کتاب‌ها از این روند رشد برخوردار نبوده‌است.

راemarkهای پیشنهادی شما برای حل این مشکلات چیست؟ به نظر من باید به کتاب و مخاطب آن احترام گذاشت. یعنی ناشران،وزارت ارشاد،کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نهادهای مربوط برای انتشار کتاب سخت‌گیری بیشتری داشته باشند تا کتاب‌هایی که تحت عنوان کتاب به دست مخاطب می‌رسند واقعا کتاب باشد چرا که بیچه‌ها هنگام خواندن کتاب علاوه بر آنکه لذت برده و پیام‌های کتاب را دریافت می‌کنند، آموزش زبان نیز می‌پسند. بنابراین باید کلمات را درست و بی‌وجه به کار برد. در کل باید برای این مخاطب احترام و ارزش قائل شد و ناشر نباید برای بازگشت سرمایه و سود بیشتر اقدام به چاپ و نشر کتاب‌های کارگزارش نماید. از طرفی پرورش استفاده‌های کسانی که برای کودکان و نوجوانان قلم می‌زنند نیز ضروری است و باید به این قشر فرهنگ کتاب ساز کرد تا حرف خودشان را به چه‌ها بپرسانند.

برو بچه‌ها

قصه‌های جزیره ۴

شفایق کتدهاری به همراه نسیم سلطان زاده و چیستانا ژبیری در حال ترجمه کتاب قصه‌های جزیره ۴ است که در انتشارات نامورا چاپ خواهد شد. از این مترجم کتاب تمدن‌های عصر باستان» در انتشارات نیستان و یکی از کتاب‌های یک مجموعه علمی و تخیلی در انتشارات داهاام زیر چاپ است. همچنین کتدهاری در عمان برای نوجوانان در دست ترجمه دارد.

حسنگ و غول و ماه

سیمین شهروان مشغول تصویرگری دو کتاب «لاز همه من غول ترم و ماه مام من است» نوشته مرزقی خسروناز است. کتاب «حسنگ و پری دریایی» نوشته محمدکاظم مرتضائی با تصویرگری شهروان در انتشارات آفق زیر چاپ است.

دفترچه همراه

آرزو انواری فهرست پایان‌نامه‌های کنکور را که با موضوع کودکان نوشته شده است آماده چاپ دارد. انواری همچنین به همراه حسین نوروزی و سیدمرتضی مرتضائی مشغول تهیه دفترچه راهنمای شامل اطلاعات شهری مورد نیاز نوجوانان و جوانان است.

سؤال و جواب‌های علمی

فاطمه زمانی مترجم آثار کودکان و نوجوانان، کتاب «مواد مخدر هرگز ترا برای نوجوانان در انتشارات پیدایشی زیر چاپ دارد. از این مترجم کتاب سؤال و جواب‌های علمی یا کرده‌ش علمی برای نوجوانان آماده چاپ است. زمانی در حال حاضر سلسله مقالاتی را در زمینه ادبیات کودک و نوجوان ترجمه می‌کند.

از سرزمین نور

محمدرضا سرشار (رضا هکندرز) جلد ۱۵ مجموعه از سرزمین نورا در انتشارات پیام آزادی زیر چاپ دارد. این مجموعه روزنه‌ای برای به رهایی نام دارد که از هجرت پیامبر به حبشه آغاز می‌شود. همچنین جلد سیزدهم و چهاردهم این مجموعه به نام سزاه ترحاب خواهد شد.

سرشار بازنده جلد این مجموعه را با اثر سنگین و بدون تصویرگری بزرگسالان در به نشر منتشر خواهد کرد.

چند کتاب از یک نویسنده

محسن هجرتی کتاب‌های پلر خاک، روهایی که فریادگاری نمی‌دانست، تاریخ کورگرا، ارمی طبع و غروب سیدلرآن را به تریب در مؤسسه آفریش‌های هنری، به نشر نشان شفق و انتشارات بلبل زیر چاپ دارد. این نویسنده در حال نگارش زندگی‌نامه محمدعلی شرعیچی برای نوجوانان و همچنین کتاب دیگری به نام سفر به سرزمین تازدها که راهنمای تحقیق برای دانش آموزان دوره ابتدایی است، می‌باشد.

ترنگس و انجیر

مه‌ری ماهوتی مجموعه شعر «انجیر» و داستان «قصه‌های ترگس» را در انتشارات مجموعه داستان نوشته که انتشارات تربیت در حال بررسی آنها برای چاپ می‌باشد.



نیلوفر تیموریان مدیر نشر ایران‌بان، متولد سال ۱۳۵۰ و لیسانس مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه آزاد اسلامی و لیسانس صنایع دستی از دانشگاه سراسری

است. تیموریان از سال ۹۸

مجوز نشر دریافت کرده و از

سال ۸۰ انتشار کتاب برای کودکان و نوجوانان را آغاز

کرده است. با وی به گفت‌وگو نشستیم.

تا کنون چند عنوان کتاب چاپ کرده‌اید؟

تا به حال ۶ عنوان کتاب در انتشارات ایران‌بان چاپ شده که همه آنها ترجمه بوده است.

نقشه محمودی

سوغات اسکندری!

سفاین (امجراه اسکندر کبیر ، از مجموعه طنزپلوروی تاریخ)، هوشنگ معماریزاده،

تصویرگری علی ادمند، خانه ادبیات، چاپ اول، ۱۳۸۰ ، ۱۱۰ صفحه، ۱۴ صحنه، ۲۵۰مقاله

تخیلی بوده، یکی نبود. آن ن قدیم ، قدیم‌ها، همه سایه هم را با تیر می‌زدند. دانشاان ایران

و شاهان مقدونه یونان، به نوبت سایه هم را با تیر می‌زدند و مردم سایه آن شاهان را در کتاب

سوغات علمی امین عبارات آغاز می‌شود و با زبانی طنز آمیز به چگونگی آغاز درگیری در یوش

سوم و اسکندر مقدونی می‌پردازد. در این داستان نیز همچون داستان دیگر این مجموعه

«عمره گندم» به معنمای برمی‌خوریم که به دست یک دهقان سیاس ایرانی گره می‌آز آن

گشوده می‌شود و اسکندر نه تنها مال بسیاری را از دست می‌دهد، بلکه نمی‌تواند از راه سل

شماره ۷۷، شنبه ۲ شهریور ۱۳۸۱

چشم انداز هنر
عناوین ساده‌ی

سنت و مدرنیسم در موسیقی ایران

است و تجدد دو مفهوم مورد منازعه بحث‌های پس از مشروطیت در ایران بوده که تاکنون پاسخی مناسب برای این دو مفهوم در هیچ عرصه‌ای پیدا نشده است. موسیقی نیز پس از نهضت مشروطیت به نوعی درگیر این دو مفهوم بوده و موسیقیدانان نیز هر یک فراخور خاستگاه و دانش خود تلقی خاصی از این مفاهیم ارائه داده‌اند. آنچه بحث در این باره را همچنان پراهمیت می‌سازد، عدم دستیابی به پاسخی روشن در مواجهه با تجدد در عین توجه به سنت‌های اصیل است.١ دربارۀ این دو مفهوم و رابطهٔ سنت و تجدد در موسیقی محمدرضا درویشی کتاب نگاه به غرب را نگاشته است. سنت و مدرنیسم در موسیقی ایران، میرمنتهای گردآوری شده است. در این کتاب، برترین متخصصان موسیقی ایرانی دربارهٔ مسائل فوق و بسیاری مسائل و نکات دیگر موسیقی، سخن می‌گویند. استادانی چون محمدرضا شجریان، پرویز شکفتیان، داریوش طایی، فراد فخرالدینی، محمدرضا طغفی و… این کتاب توسط انتشارات فرزان روزبرودی به بازار کتاب عرضه می‌شود.

واقعیت‌گرایی فیلم

واقعیت‌گرایی فیلم، عنوان کتابی است نوشته فریدون رهنما که بزودی توسط انتشارات نوزاد هنر به بازار کتاب عرضه می‌شود. همین ناشر، کتاب آواز سیز زبانی او نیز در دست چاپ دارد که نوشته پاملا آلدیس و ترجمه پویه امانی است. چاپ دوم هم عروسکی‌ها عنوان کتاب در دست انتشار دیگری از انتشارات نوزاد هنر است. که نوشته لیلی پرو و ترجمه جواد ذوالفقاری است.

نقش جهان

کتاب نقض جهان؟ نوشته مهدی سپهر، دایرةالمعارفی است از هنرها و هنرمندان اسفهان که در دو جلد رحلی به صورت نفیس نوشته انتشارات سروش در دست چاپ است.نویسنده در جلد اول این کتاب به معرفی هنرهای خطه اسفهان از جمله نگارگری، قلمدان‌سازی، منقاری، مینت، کاشی و… پرداخته، سپس زندگینامه و فعالیت‌های مشاییر و بزرگان هر یک از این هنرها را شرح داده است. ناشر سنتی اسفهان و معرفی هنرمندان برجسته این هنر، موسیقی، شعر و ادبیات و موشحات جلد دوم این دایرةالمعارف است. خودآموز جامع هنر معرق برجسته‌ترین عنوان کتاب در دست چاپ دیگری است از انتشارات سروش که مازایار رحمتی آن را تألیف کرده است. وی هنر معرق کاری را جز، به جز، به همدار صادرین این هنر زما معرفی می‌کند.کتاب به گونه‌ای تدوین شده که علاقه‌مندان به معرق کاری، بدون نیاز به مدرس خواهند توانست این هنر زیبا را بیاموزند.

بیت دیویس

انتشارات فرهنگ و سینما کتاب زندگینامه چمبردین سلطان تحول‌اودر دست انتشار دارد. این کتاب را دیوید دالتون نوشته و محمدعلی فیروزی‌آبادی ترجمه کرده است. زندگی و آثار بیت دیویس کتاب در دست چاپ دیگر این ناشر است. این کتاب سرگذشت یکی از هنرپیشگان نامی هالیوود را در خود دارد.

نویسنده کتاب جری رومایلی و مترجم آن پروین صمدی مقدم است که بزودی به بازار کتاب عرضه می‌شود.

هنر و حکمت «با ساخت نخستین فیلم خود ازندان زنان» به جرگه فیلمسازان زن سینمای ایران پیوست. برای توشیح فیلمنامه این فیلم به مدت دو سال در زندان‌ها به تحقیق پرداخت نکته قابل توجه این گفت‌وگو این است که کتاب، به عنوان یکی از بهترین ابزار فرهنگی مؤثر می‌سازد، مردم را در زندان‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. او در این گفت‌وگو پیرامون دیدگاه و یافته‌های خود سخن می‌گوید.

چطور شد که سراغ چنین سوزهای رفتید؟

همیشه دوست داشتم دربارهٔ فیلم‌های بسازم.

چرا؟

چون زندان انعکاس و بازتاب فضای بیرون است، به همین دلیل می‌توان در زندان، مجموعه شرایط بیرونی را مورد بررسی قرار داد که در نهایت می‌تواند روی مردم و مسؤولان تأثیر بگذارد. به هر حال به مرور با این ذهنیت پیش رفتم و این فکر در درونم قوی‌ت شد. در ابتدا اطلاعاتم پیرامون مسأله کم بود ولی بااین وجود دربارهٔ آن یک قصه نوشتم‌و بعد شروع به تحقیق کردم و چقدر خوب شد، چون وقتی وارد این فضا شدم، دیدم یک گستره‌ای است که انتها ندارد، به طوری که دو سال برای آن وقت گذاشتم.

تحقیقات شما میدانی بود یا کتابخانه‌ای؟

کتابمیدانی بود.در وقت پرولت خود از مشاهدات و افکات و به‌ویژه دوسته را در بر می‌گرفت.

به کجاها مراجعه کردید؟

به زندان‌ها، کانون اصلاح و تربیت، بهزیستی و… در زندان ارتباطات خیلی خوبی با زندانیان برقرار کردم و شکرده‌ای رابه کار بردم تاواستم.اصفهان را اغلب کتم و از این بابت از آنها ممنوم. از سوی دیگر با خانواده‌های زندانیان ارتباط برقرار کردم و با گرفتاری‌ها و مشکلاتشان از نزدیک آشنا شدم. بخش دیگر کارم مربوط به زندانیانی می‌شد که آزاد شده بودند و بعد از آزادی به سراغشان رفتم.

وقتی وارد فضای زندگی‌شان شدید، مشکلات آنها نامی از کتابخانه‌های اجتماعی بود یا مسائل سیاسی؟

اصولاً من بیرون بخش سیاسی آن کمتر کار کردم و بیشتر بروی مسائل اجتماعی. متوجه شدم منتها چون آنگاه آهنگری نیاز بود بر بخش اول فیلم نقش زندانی سیاسی را بازی کند، به همین دلیل با یکسری از زندانیان سیاسی ارتباط برقرار کردم و تعدادی کتاب را که قابل دسترسی بودند، برای خواندن معرفی کردم.در هر صورت نمی‌خوشتم.بخش سیاسی آن خیلی پررنگ بود ولی در هر صورت هر دو بخش بود. اصلاً فکر نمی‌کردم که اینگونه باشدامن به عنوان کسی که در بطن جامعه زندگی می‌کنم سعی می‌کنم با جامعه ارتباط داشته باشم. اصلاً تصور نمی‌کردم با این میدان وسیع اجتماعی و سیاسی مواجه شوم و هر چه گام به گام به جلو می‌رفتم،

نقش زنان

کارگردان

گفت و گو با «مفیزه حکمت» کارگردان

کتاب و کارگردان فیلم زندان زنان



به هر حال وقتی ریشه‌هایی شد، علت آن را در چه موضعی می‌توان جست‌وجو کرد؟

یکی مسائل اقتصادی و دیگری تاآزمی کار توئین. این **فقرانین** **بخص** **زنان است** و **پارمان** **راهم** **دور** **می‌گردد؟** اصلاً فرقی نمی‌کند و کاملاً قابل تسخیم است. مشکلاتی که زنان مادران، مردان‌هاهم دارند. اصلاً فرقی که سرپرست یک خانواده است و دچار مشکل می‌شود و پدرزنان می‌افتد، خوب خانواده چگون باید بااین هزینه‌های سرسام‌آور درآمدزایی کند!



شما در انجام این تحقیقات تنها بودید یا گروهی را همراه خود داشتید؟

تنها بودم و هر یک از دوستان بخش‌های مختلف را سرپرستی می‌کردند و بعد چکیده همه این تحقیقات به فیلمنامه منتقل شد.

به منابع مکتوب و کارهای کارشناسی مراجعه کرده‌اید؟
نه!اصلاً همان‌طور که گفتم، تحقیقاتم میدانی بودند.

عقب‌شما که خیلی مصر بودید. عینیت واقع را به تصویر بکشید، چرا فیلم مستند ساختید؟

خب، بیشتر به سینمای قصه‌گو علاقه‌مند هستم. منضموسا سینمایی را دوست دارم که هیچ‌کس خودش رابه نمایش نمی‌گذارد!بلکه همه عوامل در خدمت روند دستتر کار هستند.ودر جهت تفکری هستند که من دارم. پس به سینمای رئالیسم علاقه دارم؟

بله.سینمای رئالیستی و تأثیرتألیسی، مثل سینمای ایتالیارفرنسه وسینمای دهه ۲۰ و۳۰ آمریکا.

کتاب

اشتیاق ماندگار

آماتور، اشتیاق ماندگار، مال هارنلی، مجید اسلامی، نشر نی، چاپ اول ۱۳۸۱، ۱۳۵۰

تومان

از مجموعه ده۱۰۰سال سینما، ۱۰۰فیلمنامه که توسط نشر نی منتشر می‌شود، سی و چهارمین کتاب به فیلمنامه‌های آماتور و اشتیاق ماندگار اثر هال هارنلی فیلمساز مستقل آمریکایی اختصاص دارد که توسط مجید اسلامی به فارسی برگردانده شده است. هارنلی را می‌توان از پیشروترین فیلمسازان معاصر آمریکاجهان دانست که در ژانر فیلمنامه نویسی و به ویژه دیالوگ صاحب سبکی خاصش است. اسلامی در مقدمه‌ای که براین کتاب ویرای ادای دین به او نوشته آورده است، زبان دیالوگ‌های شخصیت‌ها در آثار هارنلی کاملاً دو وجهی است، هم جنبه تعریفی دارد و هم در عین حال، واقع‌گراست. هارنلی شخصیت‌های خود را در ایران نلارد. شاهد سینما درستان نسل پیشین (اشتیاق سینه جاک اساتید سینمای کلاسیک و مدرن) توانند با فیلم‌های او ارتباط برقرار کنند! آثارش را نکاتر تجربه‌های موج نویی‌ها و بزودی از لوک گدار بداند. ولی فیلم‌های او چیزی از ازان حال دارد که در تجربه‌های پیشینان کلاسیک و مدرن نیست. هارنلی به شیوه اغلب سیست مدرن‌ها در آثارش به دست‌های

نقش زنان
کارگردان

گفت و گو با «مفیزه حکمت» کارگردان

کتاب و کارگردان فیلم زندان زنان



با توجه به مشاهداتان چقدر، نقش آموزش صحیح در رفع معضلات موجود در زندان‌ها تأثیر گاهای می‌آورد.لطینه این خیلی زیاد. به هر حال عدالت اجتماعی بلند می‌شود.به پیش آموزش باید.در کنار عدالت اجتماعی بلند می‌شود.به دست به دست منت‌مسطح فرهنگ جلیمه را با می‌رند.مسطح آشنایی باقرانین از نظامی‌ها بود. در دست نظامی‌ها صلح جامعه به شد و بالذکی می‌رسد.آمار چهریم پایین می‌آید.متناهمه چیزباید به دور از شعارزدگی و پراساس اصول انجام شود.

شما به زندان‌ها که مراجعه کردید! آشنایی از کتاب یافته‌اید؟

مستأفانه آن چیزی را که من شاهدش بودم آن قدر تأسیف برانگیز بود که شرایط دیگری را می‌طلبید.

یعنی باید.بوجه عظیمی در دسترس باشد. یکسری روزانشان مذبذکار اجتماعی فعال در خدمت این مسأله باشند.بعد همه مسائل از روی کار کشانی شده.به پیش خواهند رفت. به هر حال زندانیان باید اعتماد کنند و در پی آن اعتماد، اصلاح شود. از طرف دیگر زندانیان هم قشر زمختکشی هستند ولی آنها هم خسته شدند.در واقع آنها هم غصبری ندارند.چون واقعاً قدر این مسأله عظیم است که به کل آن نمی‌رسند.

ولی خاتم حکمت، مخالفان فیلم عکس این مسأله را بازگو می‌کند و اقتضاد دارد؟ شما بزرگنمایی کرده‌اید.

من فقط از این دوستان می‌خواهم مرادش به زندان‌ها سر برزند. به خانواده‌های زندانیان مراجعه کنند.

من به عنوان یک فیلمساز واقعیه داشتم که یک هشدار بدهم تا جامعه مراقب باشد. از طرفی برخی این مسأله را سیاسی دیدند.که من اصلاً یکسیستم سیاسی نگامه‌کنم.باید.خواهم وارد آن حیطه شوم.او این نوع نگاه بدم می‌آید.

تعریف شما از فیلسیم چیست؟

من فقط به حسیت‌نویس و انسان را با تمام ابعادش قبول دارم. چه زن و چه مرد.فرقی نمی‌کند.وقتی می‌بینم که کسانی در شرایط درنگ به سر می‌برند.معتقد نباید اجازه دهم که آن شرایط از تو تحمیل شود.

پس ظاهر آن زندان خوبی از کتاب بیست؟

به هر حال وجود دارد. ولی تأثیرش خیلی پررنگ نیست!

سینمایی گذشته طراوت تجربه‌های تازه را می‌بخشد و روح زمانه را به آن می‌دمد! آن چنان که در این فیلمنامه تصویری متفاوت و واقعی از بخشی از جامعه امروز آمریکا به دست می‌دهد.

به اعتقاد منتقدان، سینمای هارنلی جذابیت سینمای کلاسیک آمریکاجلو و پیشرفتکاره سینمای اروپا را توانم دارد.

در کتاب حاضر به روش اعمیت ویژه فیلمنامه اشتیاق ماندگار و حجم آن، در کنار فیلمنامه آماتور در کتاب آمده است.

معمومیت بازیافته «مقاله‌ای است از نقد و بررسی آماتور و اشتیاق ماندگار» را جاع به سینمای عامه‌پسند آمریکا که نویسنده آنها را نوعی جوهر فیلم‌های گنگسترز و ارتزک می‌شمارد.

معموم آماتور بودن گفت‌وگوئی نسبتاً بلند است یا مال هارنلی پیرامون فیلم آماتور که توسط گراهام فرود سال ۱۹۹۹ انجام گرفته است.تالیف کالی تست.مقاله‌های کوتاه به‌نظم هارنلی شناختنامه‌ای سه صفحه‌ای دربارهٔ آثار و اهل آن کارگردان و فیلمنامه‌نویس سیست مدرن از فیگر مقابل خواندنی کتاب حاضر است.

نگاه برخی از نویسدگان به نقش زن در ادبیات جنگ

زن، جنگ، عشق و...

دفع هشت‌ساله ما را در لحاظ دروغ خود نمونه بود چه از ایات کشورهای مدافع دشمن، چه از ایات تجهیزات و تسلیحات ما در دشمن، چه از ایات قهرهای غیر انسانی دشمن، چه از ایات حضور

شمارهٔ مردم در دفع از کشور، اشکانات ناموس و ارمان‌ها چه از ایات.

یکی از شخص‌ترین و جوانان جنگ‌نامی حضور زنان به جنگ است از زنی که مشرف به راه‌های پنهانی می‌رود و در جبهه با دشمنی که بدون تسلیحات می‌باشند، مقابله و با دشمن بر می‌آیند این حضور را در جهت همکاری با نیروی آغلی است تا تسلیحات دشمنی را بخلی و هم‌زمان ما را می‌راند در اختیار داشته باشد. داستان به لحاظ اخلاقی با تخیل نویسنده

جایگزینی داشته‌اند اما همان‌طور بسیاری را به خود جلب می‌کند آیا نویسدگان این وقفه احساس کردوش خود را برای ایفا کرده‌اند آیا نوشته‌اند تصویری واقعی و زیاده به آنچه تا آنروز

چنگ‌آماده‌اند نشان دهند؟

با تعدادی از نویسندگان در این بارهٔ مقالهٔ بنشینیم



زنان جنگ دیده وجود دارد داشته‌اند... به همین خاطر نقش زنان را در این روزگاران کم رنگ می‌بینیم. عجیب آنکه حتی از جانب زنان نویسنده هم به آن بهای لازم داده نشده است.

نکته دیگری را که عهده می‌بینیم، دوری بعضی از نویسندگان است از مردم این سرزمین، هر روز فاصله را عقیم‌تر می‌بینیم، گویی نویسندگان این مردم را فراموش کرده‌اند... در هر حال برای رسیدن به جواب دقیق پرسش شما، باید گروهی با فرضی حساب شده به این مهم بپردازند... همه فرورده‌های ایمن را پیش رو داشته باشند... خوب بخوانند، تجزیه و تحلیل کنند... آن زمان است که می‌توان به جوابی قانع کننده دست پیدا کرد.

سید قاسم باحسینی:

لزوم بازخوانی جنگ مؤنت
ادیات جنگ ایران و عراق از آغاز تاکنون ادبیاتی منحون از معنای و مفاهیم مردم‌سالارانه بوده‌وست و زن و زنانگی نقش چندانی در آن نداشته و بازگذاشته امروزه جادکتر نقشی که به زنان در جنگ داده‌اند، نقش حاشیه‌ای همچون «پرسن‌ساز» «همسر شهید» «مادر زرمنده» و بالاخره بدرقه کننده فرزندان و پسران شهیدان به جبهه بوده است... چه جایگاه والا و یا شکوهی.

ادیات جنگ ما از آغاز تا امروز در الحصار مردان و در معدود مواردی که زنان دست به قلم برده‌اند زیر سیطرهٔ مفاهیم مردم‌سالاری بوده‌است. جامعه آنچنانست که زنان نیز به جنگ نگرده‌اند، اگر سینه‌اند، هیچ‌گاه جنگ را بیک نگاه نزناده، مطرح نکرده‌اند، جنگ نامروژه جنگ مذکور بوده اما از این پس باید به فکر بازنگری جنگ مؤنت ا نیز بود.

تاریخ ایران و البته جهان، تاریخ مذکر بوده و هست اما از این پس نوبت به تاریخ مؤنثهٔ نیز باید برسد تا تعادل حفظ شود و عدالت برقرار گردد. نکتهٔ اول آن است که زنان جنان بالا که «نامحرم» بینندهٔ هست به کار می‌نشینند، مست‌آنها باید خود صفا در آید تا باز نقش و جایگاهش در جنگ و اساساً در تاریخ و اجتماع روشن نگردد.

خوشبختانه طلی یکی دو سال اخیر حرکتی حلی هر چند بسیار کند و آهسته شروع شده اما برای جریان مطالب باید خیلی سریع و تند دیدود حتی چهجا، به عنوان کسی که دستمزد و کار ادبیات خاطر نویسنده جنگ داراوند، باید عرض کنم که نگاه همهٔ نویسندگان و محققان امروزه بر زنان و نقش آنان در جنگ گشت سالة، نگاه مردم‌سالارانه است و بی‌تاریخی که این نگاه بیش و اساساً فرحنگ حاکم است، کار چندانی نمی‌توان کرد و مردم‌سالاری همچنان حاکم بر افکار و ادعای خود خواهد بود. در منظومیت زن ایرانی نقش حساس سرپرست‌ساز و تعیین کننده او در انقلاب اسلامی و جنگ هشت‌ساله همین‌سپس که به جایی زنان امروزه با حقوق او دست رفته آنان سخن گویم و از ظلمتی که در این دوره، در همهٔ عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و رسیدن آنان رفته ناله سردهیم.

حق گرفتن است نه دادنی و تا هنگامی که زنان ما خود را برای احقاق حقوق پایمال شده‌اشان تلاشی نکنند وضع همین است که هست و در بر همین پاینده خواهد چرخید و آب و آّب ننگان نخواهد خورد.

میرو خانی

فیروز نوزوی جلالی:

دهه سوم انقلاب

دهه شگوفایی ادبیات ماست

طباً زنان که نمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، نقش خاص خود را در جنگ به عهده داشته‌اند و وقتی نویسنده‌ای زمانی می‌نویسد و این زمان بیانگر وضعیت‌های جامعه است، نمی‌تواند به این قدر عظیم

بی توجه باشد. البته تا به حال این ادبیات به زنان نگاهش فعالیت داشته است. یعنی زنان تصویر نشده‌اند تابع رابع، بی‌تکلیف و کلیشه‌ای که اصولاً در انتظار شوهران و مرد

فراق پذیران جنگ ریخته و تکلیفی شایسته و پایسته‌ای از خود بروز نمی‌دهند. ولی در ادبیات غیر جنگی، زنان در نقش مادر، همسر و... نقش حساس و کلیدی خود را دارند. به عنوان مثال زن در داستان «امای خالی سلجوق باز زندگی را به دوش می‌کشد. در آن مثال زن با رفتن سلجوق باز زندگی را به دوش می‌کشد. با گل محمد در آکلندره و به خاطر وجود مارال با وجود می‌آید و نویسنده دفعه‌های مارال را در مورد گل محمد ندارد، یا در ضمیمه غایب» حسین ستایرو و مسافر کاتبان نوشته یوزاب خسروی قشر دانشجو از پورته کمتر گفته، خواجه

شده و نگاههای امروزی و به‌عید به آن شده است، گرچه در داستان «ایمان با طوطیان خود، شخصیت داستان در انتظار جسم است ولی آن نگاه، نگاه جدیدی است و سعی کردم بیشتر به ذهن زن نسبت بزنم. با این همه، احساس می‌کنم عده سوم انقلاب، دهه شگوفایی ادبیات ماست و باید انتظار کاری فیزی را داشت که به جامعه ادبی و حتی به دنیای او شود.

مرتضی سرمنگی:
نویسنده باید

جنگ را ببیند

اگر نویسنده‌ای می‌خواهد درباره جنگ ما بنویسد باید در وهله اول جنس این جنگ را ببیند. سناستی جنگ در این جنگ حضور داشته‌اند را ببیند. دشمن را ببیند. ببیند که یک اثرش رسمی حمله کرد و مردم عادی از روستایی و عشایر به عقب‌بر برخواستند. ایجاد دیگر کسی زن نبود، پیرمرد و پیرزن نبود، همه باید دفاع می‌کردند.

در خاطرات یک اثری می‌آید که در شهرستان مادی را دیده‌ام و یک سرباز عراقی را که می‌خواست به ما حمله کند می‌کشید. کجا نوشتیم چنین تصویری را در شبیم؟ کز چرخ این زن کجا دیده شده؟ کجا چهره زنی که شوهر پدر و برادر را به جنگ می‌فرستد درست و کامل و آّب درآمده است.

ما حتی نویسنده‌ایم وضعیت را نشان دهیم چه رسیده آن که خواهیم در داستان بزرگ‌گمایی کنیم. برای نوشتن داستان، زمان زیادی نیاز داریم. خیلی هر کنیم وضعیت را

با خاطرات نشان دهیم.

با وضع فعلی به گمانم کسی دیگری باید بیاید تا جنگ را برای ما بازگو کند، سننیت، شخصیت زنان و واقعیت آن را برای ما بازگو کند تا ما خرکنی کنیم.

مدیا کاشگری:

درد شخصی نویسنده

من برای نویسنده و طیفه‌ای به عنوان دستورالعمل اداری قابل نیستم، چرا که اثر نویسنده‌ای که فرامی‌بسی نوشته شده باشد، نمی‌توان عنوان ادبی اطلاق کرد. از طرفی تنها فرصت برای تعیین طیفه، خودنویسنده است و در این مورد هم هیچ بر جرمی وجود ندارد که نویسنده را قانع کند که این طیفه را به عهده ندارد.

گرچه تخصصی در ادبیات جنگ ندارم، با خواندن آن دسته از آثار اختصاص یافته به جنگ احساس می‌کنم که نویسندگان ما جویی در گزارش موقع جنگ و گزارش

نقش زن موفق مثال می‌دهد. به عنوان مثال می‌توان از حسن تنی طبری می‌توان یکی از نویسندگان به عنوان یکی از نویسندگان موفق این عرصه نام برد. گرچه می‌توان با عقاید او مخالف یا موافق بود،



تصویری که او از حضور زن ارائه می‌دهد، قانع کننده است. ضمن اینکه احساس می‌کنم نویسندگان این عرصه در دد شخصی داشته و در بیان این درد شخصی موفق بوده‌اند. شاید روایت پردازی آنها اشکال داشته باشد، یا روایت پرداخته شده، توسط نویسندگان خیلی حرفه‌ای صورت نگرفته باشد.

اما با این همه در ادبیات جنگ غیر از گزارش لحظه‌ای،

نیاز واقعی به زمان داریم. خاطرات باید بخته شوند تا خواننده بتواند فاصله‌اش را با قصه حفظ کند و ما بتوانیم صاحب

ادیات واقعی جنگ شویم.

هدایت‌الله بیهودی:

ادبیات موجود، مذکور است

برای پاسخ به این سؤال باید جامعه آماری از مردان نویسنده و زنان نویسنده داشته باشیم تا بررسی و تطبیق کاملی از نحوه پرداختن مردان و زنان به این مسأله به عمل آید. قدر مسلم زنان بیشتر به این مسأله پرداخته‌اند و می‌توان حدس زد چون نویسندگان مرد خود در آن صحنه‌ها حضور داشته‌اند. و خاطر اینشان مذکر بوده اشاره‌اشان به نقش زن در جنگ صرفاً محدود به عنوان زرمنده‌ها بوده مثل همسر، خواهر مادر یا محبوره به زنان جنگ زده‌ما هر چه هست با قطعیت می‌توان گفت آثار آنها آثار مذکر است.

در صورتی که زنان به خاطر تناسب جنسی‌اشان با جامعه زنان، از «زن» به عنوان قهرمانی یا عناصری که دخالت بیشتری در جنگ دارند، بیشتر استفاده می‌کنند. از طرف دیگر ما در ادبیات آثار مستقلی که نقش زن را در جنگ نشان دهد، نداریم و نتوانسته‌ایم وجه پنهان جنگ را که زنان هستند، بخوبی آشکار کنیم و کسی نیز نرواکنی به این بخش نه چندان روشن بینماخته است.

از خیر شهادت فرزند دارد، حسی که یک زن از قطع نخاع شدن شوهر می‌شود، حسی که یک خواهر از مفقودالآثر شدن برادر پیدا می‌کند و کلاً مجموعه احساساتی که در



میج دله‌ای در تاریکهای آهرون آوین قرار ندرده و میج تر و خشکی نیست مگر آن که در کنای روشن فیت است.

فژان کریم، مسوره نعام (۱۶) بخش۱ از ۵۸

دانش را پیش از درگذشت دانشمندان بنویسید زیرا با مرگ دانشمندان، دانش آنان نیز به همراهشان می‌رود.

پیاربر اکرم (ص) ۱٫ گزیده میزان الحکمه حدیث ۵۲۹۸

به نقل از کثر النعمان



تاریخ‌نویسی و داستان‌نگاری مذهبی: نکته‌ها و چالش‌ها - ۱۰

مراحل داستان‌نویسی تاریخی (۱)

آن که در پی نگارش داستان تاریخی مذهبی است، آن‌گاه که از هفت خان دستپاچی به واقعیت گذشت، با لگزش به پویای بودن و به آثاری صحیح، شسته، رفته و تحلیلی و شفاف، رسیده، تازه در ابتدای راه نگارش داستان مذهبی است. او در این مرحله می‌داند که چه واقعیتی را در دست دارد و از آنها آگاه است.

از اینجا به بعد داستان‌نویس می‌تواند دوره در پیش بگیرد و یکی کنار نهادن هرمنه‌تانه آن واقعیتها می‌تواند به افزایش، و دیگر، تدوین آنها به صورت داستانی که همه اجزای آن کامل است.

صورت اول، خبر نویسنده‌گی می‌خواهد و پس، اما صورت دوم، در نگارش داستان مذهبی، به‌ویژه با توجه به ایجازها و ویژگی‌های بلاغی که پیش از این کتبیتم کاری است. اساس و دقیق، داستان‌نویس مذهبی در این مرحله، همه اطلاعات صحیح و قابل اعتماد را که از متن به دست آورده است، کنار هم می‌گذارد اما می‌تواند جلای خاصی بسپارد و یکی از نگارش یک داستان کامل و جود دارد، بگردن این جاهای جانی مشکل اصلی کار است.

کامل و از امهات و رخدادهای تاریخی و توالی ماجراها ایجاد می‌کند که رویدادها و توالی‌های را نویسنده، بر اساس اطلاعات و نگاه منطقی خویش، به معنای مستند، ماجراها را به تالیف با داستان کامل شود. این افزایش‌های آگاهی اگر بر اساس منطقی قوی، استدلالی دقیق و شناختی کامل و جامع از رخداد مذهبی، شخصیتها و مسائل حول و حوش و پشت پرده آن باشد، ظاهر آن‌ها را نشان ندهد چون به هر حال، عقل و عرف و واقعیتها ملموس گرایی می‌دهند که رسیدن از نقطه الف به نقطه ج، بدون گذر از نقطه ب امکانپذیر نیست. با از شی به الف به طور طبیعی باید فاصله متناسب آن در شرایط مغفرت بروز کند یا از برخورد دو پدیده الف و ب، الزاماً باید پدیده ج حاصل شود. باید.

اما نگارش بخشهایی از کتاب که شامل ماجراها و حرفهای باشد که از چنین الزامهایی بر نمی‌آید، خواننده، کاری است حساستر که از آن سخن خواهیم گفت.



میج ارامی، حج در سوره‌ای، مشهد: Anshar، ۱۳۸۱. سوره محمدی، چاپ اول، قطع پالتویی، ۱۳۲ صفحه، ۵۰۰ نسخه، انتشارات جوان امروز، تهران، ۱۳۸۱.

این کتاب سرودهای در قالب مثنوی، ۲۰۰ بیت، به فارسی به همراه ترجمه عربی و انگلیسی آن است. موضوع حکمت و آثار حج و مظهر آن.



میج دله‌ای در تاریکهای آهرون آوین قرار ندرده و میج تر و خشکی نیست مگر آن که در کنای روشن فیت است.

فژان کریم، مسوره نعام (۱۶) بخش۱ از ۵۸

دانش را پیش از درگذشت دانشمندان بنویسید زیرا با مرگ دانشمندان، دانش آنان نیز به همراهشان می‌رود.

پیاربر اکرم (ص) ۱٫ گزیده میزان الحکمه حدیث ۵۲۹۸

به نقل از کثر النعمان

دستی پر از ستاره

از چند تن دین سرایان زن پرسیده‌ایم که ویژگی شعر مذهبی و شاعر مذهبی چیست

شاعران چند دسته‌اند

سبب بندخت و حیدری متولد جهرم دارای مجموعه‌های شعر «یک آسمان شقایق»، «حس می‌کنم زندگی را»، «موجهای بقراره»، «هشت فصل سرخ و سبز» و کتاب «نظم و نثر ادبیات معاصر».

شاعران را به چند گروه می‌توان تقسیم کرد:

- عده‌ای متعهد و پاینده به قرآن و اهل بیت هستند و بر خود فرض می‌دانند که در عمل پیرو آنها باشند. این دسته، بر مظلومیت اهل بیت می‌گیرند و بنا به فرموده قرآن ستاینده خوبیها و نهی‌کننده ظلمتها، بدبها و بی‌شکنتها هستند.

گروه دیگر چندان اعتقادی به ولایت معصومان ندارند اما بنا به عادت یا سستی که آنها را تحت تأثیر قرار داده مباح رسول‌الله هستند به این امید که مورد عتاب قرار گیرند.

گروه بعد کسانی هستند که اشعار تقلیدی می‌گویند و در زمان طبع آزمایی، مباح اهل بیت می‌شوند.

گروهی هم پاینده به اصول اسلامی نیستند و به معصومان هم نمی‌اندیشند، اما برای عقب نماندن از شاعران دیگر به سرودن اشعار مذهبی می‌پردازند و در مسابقات و جشنواره‌ها به امید گرفتن جایزه شرکت می‌کنند.

گروهی نیز هستند که در هر دو جهت کوشش می‌کنند. هم دستار اهل بیت‌الدوم هم در پی دستیابی به امتیازهای دنیوی شاعر اهل بیت بودن.

شعر مذهبی فراتر از ایجاب است

منصوره نیکو گفتار متولد تهران که در مقطع دکتری روانشناسی مشغول به تحصیل است و گزیده سروده‌هایش به همت نشر نینسان چاپ شده است.

اگر مذهب را فینداری و نزدیک شدن به گرایشهای فطری بدینم شایده به یک معنا بتوان گفت که در شعر همه شاعران که گه‌گاهی از شعر مذهبی قابل دریافت باشد اگرچه هر یک از زاویه خاصی و به اقتضای پیشینه و ادبیات خویش با این موضوع برخورد داشته‌اند. تعیین چند موضوع به عنوان شعر مذهبی و انتساب آن به برخی به اعتقاد من خرد کردن مقوله کلاسی چون مذهب است.

من دیگر شاعر

راضیه بهرامی متولد قم، دانشجوی رشته سینما که مدتی سردبیر گروه اندیشه شکیه جوان و نویسنده رادیو بود و به همتش، مجموعه شعر امه تمام عشق (درباره حضرت عباس (ع) و بر شاه‌های زخمی شطه گردآوری و چاپ شد و در حال حاضر هم شعر جوان اسفهان را زیر چاپ دارد.

بچه‌شعری را شعر مذهبی میدانیم؟ بدون شک تمام ویژگیهایی که در شعر یک شاعر نمود و مجال ظهور پیدا می‌کند ریشه در باورهای درونی او دارد. در سایر هنرها که تکنیک، ابزار پیشروی را بر دوش می‌گذارد، ممکن است با پرداختن به مسئله‌ای که با باورها و

اعتقادات هنرمند همخوانی نداشته باشد. اثر هنری قابل توجهی نیز خلق شود اما به گمان من شعر درونی‌ترین هنر هاست و نغزهای بازاری با سایر هنرها دارد. ممکن است مادر برخورد با شعری که در سرودن شعر مذهبی موفق است نمودهای ظاهری یک انسان مذهبی را مشاهده کنیم اما یکگمان این شاعر، من دیگری دارم؛ کسی که در درون او در غوغاست.

شعر الهام است

هوروش ثوابی متولد شیراز مدیر آموزش و پرورش و صاحب مجموعه شعرهای «صدای بال پرستوها» و «باغ شقایق» و «چون نسیم بهار»

- ذوق سرودن شعر و دیدیه‌ای است الهی که برخلاف هنرهای دیگر آموزش و تعلیم و تربیت در آن سهم کمتری دارد. همچنین شرط اول سرودن شعر اتصال به معبود است. در بین شاعران گذشته نیز معمولاً شعر آعارف هم بوده‌اند و شعر و عرفان همیشه رابطه تنگاتنگ با هم داشته‌اند. در ضمن خوب است بدانید مصراع اول با زیربنای اولیه هر شعری از سوی خدا می‌آید و الهامی است الهی. جوشش است که در روح ایجاد می‌شود و پایه شعر شاعر را می‌گذارد.

... و آن گاه شعر زاده می‌شود

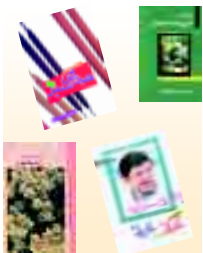
مریم سقلاطونی دانشجوی رشته ادبیات فارسی، مسئول لجنم شعر و قصبه قم (ساحل جواهران) نویسنده برنامه‌های صدا و سیما و دارای مجموعه اشعاری که نشر نینسان آن را با عنوان گزیده ادبیات معاصره به چاپ رسانده است.

شعر، تیلور درونی باورها و حسن شاعر است و شعر مذهبی هم نمی‌تواند جدا از این مقوله باشد. پس چیزی که خلق می‌شود و نام شعر مذهبی به خود می‌گیرد، همان است که درون شاعر نطق‌اش بسته می‌شود. آن‌گاه روح عشق در آن می‌دهد. سپس رشد می‌کند و زاده می‌شود.

نهایت شعر عاشقانه

مهری حسینی متولد سربل دهباب و صاحب کتابهای «قصه پاکان»، «بام بی ستاره»، «دورهای ابری» و «دگربال در کربلا».

چنان که می‌دانش، مذهب، فوق عشق آدمی سرچشمه می‌گیرد یعنی سرچشمه فوق‌شعری همان نیروی عشقی است که در نهاد آدمی است. عشق را سئین هیچ‌گاه پدید نمی‌آید. ولدت و بهجتش هموار می‌گردد و جودش را رامی‌آید. هر عشقی ریشه در عشق به خدا دارد و اگر



کسی در منزل عشق مجازی بماند، مانند کسی که برای رسیدن به بام خانه باوروی پهلوان گلگشته و همان جامه‌ها بپوشد. شعر مذهبی نهایت شعر عاشقانه است زیرا شاعر با خدا معاشقه می‌کند و بهترین عشقش را همین است. پس، این ویژگی شعر مذهبی است.

شاعران متعهد و مؤمن‌اند

ترکس جایی متولد رفسنجان و مسئول صفحه شعر روزنامه جام جم که سراینده مجموعه شعر «پیر... با عطر خاک است» و «گزیده ادبیات معاصره اینتر برخی سروده‌های او را دارد».

از آنجا که شعر مقوله‌ای بسیار درونی است و با اندیشه و اعتقادات یک فرد ارتباط مستقیم دارد، وقتی شاعری مرتکب شعر می‌شود، شعرش با زبان درونی، آمال، آرمانها، اندیشه‌ها، اعتقادات و دیگر ویژگیهای شخصیتی اوست. بنابراین اگر کسی می‌تینم شاعری به سمت شعر مذهبی گرایش پیدا می‌کند این امر کاملاً مسأل بیرونی از مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند در این امر تأثیر به‌سزایی داشته باشند.

اما این که بین شاعران مذهبی و غیر مذهبی فرق بگذاردیم فکر نمی‌کنم تقسیم‌بندی درست باشد. چراکه هر شاعر درین شعر خود متعهد و مؤمن است. اما گاه این تعهد به صورت شعری کاملاً عاشقانه، برای معبودی مجازی شکل می‌گیرد و گاه در صورت یک شعر عارفانه یا نیمه عارفانه برای خالق یکتا یا نیمه اطهار و مقدمات تجلی پیدا می‌کند. اما اشعار مذهبی به دو دسته عینی و ذهنی تقسیم‌بندی می‌شوند. اغلب کسانی که به سمت اشعار مذهبی گرایش پیدا می‌کنند خیلی وقتها جانب شعر را زاه می‌کنند و با تنها به نقل موضوعهای صرفاً عینی می‌پردازند. در این حالت اگر قالب شعر کلاسیک باشد می‌شود نظم و اگر شعر نو باشد می‌شود خطابه‌ای ادبی که در هر دو صورت شعریت و ادبیت زبان را از دست می‌دهد.

بنابراین بهترین ویژگی برای این گونه اشعار رهبر از وجه شعاری و مفاهیم کلیشه‌ای رایج در مورد آنه اطهار و پرداختن به موضوعات ذهنی و آشناد در این زمینه است.

عاشق معشوق صفت

مریم عبادادیان متولد تهران، سردبیر مجله خانه و خانواده و سراینده مجموعه‌های «صدای سبز» «نیمرخ»، «اصفا» و «فقط یک پسر یا یک دختر».

عاشق معشوق صفت یعنی هنرمند. چرا که وقتی عاشق می‌شود شاهینش را می‌آفریند و وقتی معشوق می‌شود شاهکار هایش را می‌سراید. پس اصل اول و ابزار کار، عشق است و مسلماً هنر مندانی که به نوعی باورهای خاصی دارند ابزار کارشان را هم از لایه لای همان باورها و دست می‌آورند. مذهب هم یک باور است. پس شاعری که شعر مذهبی می‌گوید ابزار کارش چیزی نیست جز باورهای مذهبی که از درون می‌جوشد و در بیرون متبلور می‌شود. شکل می‌گیرد و رویت و لمس می‌شود. فقط همین، اینها همه کار عشق است و پس.

دلیل ما: تازه‌های زهرا پژوهی

بانوی بانوان

بانوی بانوان، نوشته ابوالفضل موسوی گومارودی، چاپ اول، قطع روم، ۱۸۸ صفحه، ۵۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۰ هج.؛ ۶۰۰ تومان. این کتاب، ذکر فضایل و زندگانی حضرت زهرا(س) از ولادت تا شهادت و ماجراهای پس از آن است.

مانگلیا

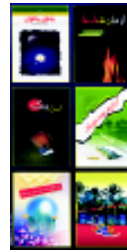
مادر گلیا فاطمه علیها السلام، نوشته اسماعیل انصاری زنجانی خوبی، چاپ اول، قطع روم، ۶۴ صفحه، ۳۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۰ هج.؛ ۳۰۰ تومان. این کتاب خلاصه‌ای از سرگذشتنامه و مقامات حضرت زهرا(س) از پیش از تولد تا قیامت را در بر می‌گیرد.

اسرار فدک

اسرار فدک، تحلیل اعتقادی تاریخی ماجرای فدک، تحلیل حضرت زهرا علیها السلام، مقاله شده با ۱۷ نسخه، نوشته محمدباقر انصاری، چاپ اول، قطع روم، ۳۰۴ صفحه، ۲۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۰ هج.؛ ۱۴۰۰ تومان. این کتاب اثر پژوهشی و تحلیلی است درباره فدک و ماجرای آن و خطابه حضرت زهرا(س) درباره فدک.

گزارش لحظه به لحظه

گزارش لحظه به لحظه از ماجرای فدک، نوشته محمدباقر انصاری، چاپ اول، قطع روم، ۸۰



صفحه، ۵۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۱ هج.؛ ۳۵۰۰ ریال. این کتاب ماجرای فدک را از آغاز تا رشاددهای مربوط به احقاق حق حضرت زهرا(س) اومی‌کارد.

صدای فاطمه

صدای فاطمی فدک، متن عربی و ترجمه فارسی خطابه حضرت زهرا علیها السلام،

برای اولین بار مقابله شده با ۱۷ نسخه از ۲۲ سنده، نوشته محمدباقر انصاری و سیدحسین رجایی، چاپ اول، قطع روم، ۸۲ صفحه؛ ۵۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۱ هج.؛ ۳۵۰ تومان. این کتاب متن کامل خطبه حضرت زهرا(س) ماجرای فدک و ترجمه فارسی آن در صفحه مقابل است که کلیه استاد آن نیز آورده شده است.

این فاطمه است...

این فاطمه است که سخن می‌گوید، چهل حدیث از حضرت فاطمه علیها السلام، نوشته محمدحسین قلی‌فلاسی، چاپ دوم، قطع روم، ۹۸ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۱ هج.؛ ۲۰۰ تومان. این کتاب چهل حدیث از سخنان حضرت زهرا(س) در موضوعهای گوناگون را در بر می‌گیرد.

شهادت حضرت زهرا(س)

شهادت حضرت زهرا علیها السلام و اطمینان انگار تا پدیده نوشته سیدعلیرضا حسینی؛



چاپ اول، قطع جیبی، ۲۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۰ هج.؛ ۲۰۰۰ تومان. این کتاب حاوی بخش از شواهد شهادت حضرت زهرا(س) براساس منابع معتبر اهل سنت است.

عمر زهرا(س)

عمر مادرم، تاریخ دقیق ولادت، ازدواج و شهادت حضرت زهرا علیها السلام، نوشته فدک، محمد، چاپ دوم، قطع روم، ۱۱۲ صفحه؛ ۳۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۱ هج.؛ ۲۲۰ تومان. این کتاب تحقیقی است درباره زمان ولادت تا شهادت حضرت زهرا(س) و تعیین عمر آن حضرت و علت کوتاهی آن.

عشق در عرفان

چشمه بقا (سیری در عشق عرفانی)، نوشته کاظم محمدی رافقانی، چاپ اول، قطع روم، ۳۳۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۱ هج.؛ ۱۶۵۰۰ ریال. این کتاب پژوهشی است درباره عشق و به ویژه عشق عرفانی. کتاب دارای یک مقدمه، ۱۶ فصل و یک کتابنامه و نمایه است.

عناوین فصلهای این اثر عبارت‌اند از: چشمه بقا، لغت و تعریف عشق، محبت و نقل آن، عشق و محبت در قرآن عشق و محبت در روایات، عشق و محبت در ادعیه، عوامل عشق، تقسیمات عشق، عشق حقیقی، عشق مجازی، تأثیرات عشق مجازی، رابطه عشق حقیقی و مجازی، در قرآن، خصوصیات عشق، عقل و دل، و صفات عشق و حالات عاشق.

از زبان پدر

اما پدرم فاطمه... مناقب و مصائب حضرت زهرا علیها السلام از زبان پاپیر صلی‌الله علیه و آله، نوشته ب. ام. ترجمه، چاپ دوم، قطع روم، ۱۲۸ صفحه، ۳۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۲۵۰۰ تومان. این کتاب به مناقب فاطمه(س) از قبل تا بعد از این عالم و مصائب او از زبان پاپیر(ص) می‌پردازد.

از زبان فرزندان

مادر خوبی داشتیم؟! سرگذشت مادرم زهرا سلام‌الله علیها از قبل ولادت تا بعد شهادت، نوشته



زام مهدی، چاپ دوم، قطع روم، ۱۶۸ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۲۵۰۰ تومان. این کتاب اثری به روایت اول شخص و با بیانی احساسی از سوی یکی از فرزندان حضرت زهرا(س) است که به شرح زندگانی آن حضرت از ماقبل ولادت تا پس از شهادت می‌پردازد.

مدفن فاطمه(س)

قبر مادرم کجاست؟! در جست‌وجوی مزار بی‌شان مادرم زهرا سلام‌الله علیها، نوشته م. ابوالحسن، چاپ دوم، قطع روم، ۱۲۸ صفحه، ۵۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۵۰۰ تومان. این کتاب اثری است احساسی-تحقیقی با محوریت تعیین محل دفن حضرت زهرا(س) و ذکر گوشه‌هایی از مصائب آن حضرت.

آثار دیگر

انتشارات دلیل ما آثار دیگر را نیز درباره کتابشناسی حضرت زهرا(س) و سیره و سیمای فضایل و مصائب آن بانو به چاپ رسانده است. خطابه فدک، فدک، معتبرترین سند تاریخ؛ الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء (س) و سیره و سیمای زینماه پیامبر(ص)، فاطمه در آیینه کتاب، از میان شمله‌ها، و علی بن ابی طالب (ع) و رمز حدیث فدک در آن زمین می‌توان نام برد.



A Reader in the Anthology of Religion

کتابی برای مطالعه در زمینه مردم‌شناسی دین



نویسنده: مایکل لامبک Michael Lambek
۶۲۰ صفحه، ناشر: Blackwell Publisher.
ژانویه ۲۰۰۲ هج.؛ ۳۹۷۵ دلار

این کتاب مجموعه‌ای از مقالات و نوشته‌هایی در زمینه مردم‌شناسی مذهبی است که به سبک کلاسیک معاصر به تحریر درآمده‌اند. در نگارش این اثر نهایت دقت در حاشیه‌نویسی و بسط مطالب و طبقه‌بندی مندرجات به کار رفته است تا در تقسیم‌بندی زیرمجموعه‌های مذهب خدشه‌ای وارد نشود.

به عقیده نویسنده، مسئولیت عمده مردم‌شناسان، این بوده است که با طبقه‌بندیهای از مذهب که از طرز فکر و زبان غربیان، مسیحیت و دیدگاههای ذهنیت‌ساز غیر غربیان نشأت گرفته است درگیر باشند. این کتاب همچنین به مسائلی مذهبی نیز می‌پردازد؛ مانند: بسط نحوه پذیرش دیدگاههای مذهبی و اقلیاتی که از آنجاییکه به مذهب نگاه نکنند.

Rekindling the Flame: How Jews Are Coming Back to Their Faith

بازآفرینی شعله: یهودیان چگونه به ایمان خویش باز می‌گردند

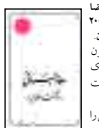


نویسنده: ساموئل اوشرسون Samuel Osherson
۲۶۸ صفحه، ناشر: Harvest Books
۳۰۰۰ دلار

نویسنده که از روشنفکران و نویسندگان صاحب‌نام معاصر است در کتاب اخیرش به یهودی‌بانی اشاره می‌کند که با ماندن روزهای تعطیل در خانه، فراگیری علوم دینی به صورت دستجمعی به همراه یادون خاتمام، وست یهودیان برای داشتن فرزندان خاص یهودی و انجام امور خیریه به خواسته‌های دینشان ارجح می‌نهند. این افراد با اعمال و کردارهایشان راهکارهایی نو در جهت خدمت به دین خود پدید می‌آورند و می‌کوشند تا شگفتی و بی‌آلوسی این دین را به هنگام نشان دهند. نویسنده فصلی نسبتاً طولانی از این کتاب را به روش زندگانی یهودیان تخصصی داده و در نهایت اثری پدید آورده است برای افرادی که آرزومند و مشتاق داشتن روابط مذهبی با همکیشان و خواهان ایجاد پل‌هایی بین مذهب و فرهنگ خویش‌اند.

تازه‌های دین

معاد جسمانی، صدرا و تفکیک



معاد جسمانی در حکمت متعالیه، نوشته محمدرضا حکیمی، چاپ اول، قطع روم، ۲۰۴ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه؛ انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۱ هج.؛ ۱۵۰۰ تومان.

راستی چگونه می‌توان فلسفوی چون سادالمتلین شرقی را دارای اندیشه تحکیکی الفکوک طریق وحی الهی، طریق ذکر فلسفی و طریق ریاضت عرفانی بشری بناگذاشت؟ به گفته مؤلف کتاب، «این که معاد جسمانی را در فلسفه مطرح کردیم برای اثبات آن همه منج کبیله است. اما در عقیده کثیری به این معادناشته به صراحت معتقد به معاد معاد جسمانی عصری قرآنی بوده است. و معتقد به تنصیر بودن علم معاد به قرآن و اخبار است.»

این کتاب اثری است تحقیقی از نویسنده‌ای تأثیرگذار و از مروجان مکتب تفکیک در عصر ماکه به معاد جسمانی از دیدگاه روایات و دیدگاههای فلسفی و کلامی و سیر تاریخی آنها، نقدی بسیار دیدگاههای غیرشعرا در می‌پردازد. اطلاعاتی بسیار از اخبار خواننده می‌گذارد. کتاب حاضر از سوی نقدی‌نگار فلسفی ملاصدرا و دیگر فیلسوفان هم‌سرب او درباره معاد جسمانی است و از سوی برای این که نهمت تکثیر و از دامن ملاصدرا بزیاید، در جلدی اعتقاد فلسفی صدرالمتلین از فکر فلسفی لومی کوشد.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

پروژه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین پروژه‌های عمرانی و فرهنگی کشور است.

این کتابخانه در محل قدیمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واقع شده‌است.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

این کتابخانه در ۲۲ خرداد ۱۳۸۱ با حضور آیت‌الله محمدتقی مصباح‌مزدنجانی و آیت‌الله محمدباقر لاریجانی افتتاح شد.

حقیقت آغاز نگاه نو به کتابداری را می‌توان از همان زمان دنبال کرد.

تأثیر دکتر مهدی محقق در زندگی فرهنگی شما تا چه حدود؟

دکتر محقق از همان آغاز دواجمان در سال ۱۳۲۱ بر ادامه تحصیل من تأکید داشت. سال ۲۳ هنگامی که به دانشگاه مگ کیل کانادا دعوت و در آنجا صاحب کرسی تدریس شده، به آنجارقیم و من در دانشگاه کتابداری ثبت نام کردم. البته در آنجا به دلیل ادامه تحصیل از فوق‌دیپلم به فوق لیسانس، چهار درس برای تکمیل برنامه‌ام از مؤسسه مطالعات اسلامی گرفتیم که پایه بسیار خوبی شد.برای آشناندن با خیلی از استادان بزرگ اسلام‌شناسی که آنجا درس می‌دادند، دوستی آنها تا امروز هم باقی است.

دکتر همیشه مرا تشویق می‌کرد و همواره خودش به عنوان یک کتابدار مطرح پاسخگو بود.

دوره تدریس خود را در چه سالی آغاز کردید؟

اولین دوره تدریس من - که فکر می‌کنم اولین دوره تدریس کتابداری در مدارس باشد- به سال ۲۲ مدرسه مهران یاز می‌گردد.این انتخاب را داشتیم که خانم میرهادی و خانم لاین هم به کلاس تشریف می‌آوردند و همیشه به من می‌گفتند که این صحبت‌ها برگرش آنها به کتابداری و فعالیت‌هایی که در مدرسه فرهاد انجام می‌دادند، تأثیر داشته است.

تخصص اصلی شما تا امروز مرجع‌شناسی می‌دانند. آیا قبل از شما کسی کاری در این حوزه انجام داده بود؟
مرجع و کتاب در کار من مرجع‌شناسی یازمی‌گردد. به یازگشت من از کانادا به سال ۲۷.قطعاً قبل از من در دوره‌های کتابداری که تشکیل شده بود، در دانشسرای عالی و هر جایی که کتابداری مطرح می‌شد، بحث مردم که تصمیم گرفتند آسماسیک بخش مرجع تأسیس کنند، زمانی که مسؤولیت کتابخانه دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران را بر عهده داشتیم، به دلیل ۳ سال مدیریت کتابخانه (۲۷ تا ۵۰)، سعی کردم که دقیقاً نگرش خودم را با بهره‌گیری کامل از امکانات آن زمان به ثمر برسانم. اما جایی برای این کار نداشتیم. بنابراین با خواهش از استاد قنبد علی اصغر حکمت‌نژاداری که به آثار ایشان تخصص داده شده بود، عالی شد و به این ترتیب اولین بخش مستقل مرجع در ایران تأسیس شد. کتابداران مرجع از میان بهترین افراد گزینش شدند. یاد می‌کنم از مرحوم فرشته انوار، آقای بدیع‌الله



● **نوش‌آفرین انصاری: به عنوان یک کتابدار مرجع باید بگویم که هنگام پایان کار فرهنگنامه کودکان و نوجوانان احتمالاً تمام آن الکترونیکی خواهد شد**

مرجع و پاسخگویی، در عمل زیاده‌ترند. این نگاه من به کتابدار روی دانشجویم نیز تأثیر پایدار گذاشت و خودبازها آن را گفته و تونشته‌اند.

در دوران تدریس والتیم روایت ۱۰ساله گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی چه دورس‌هایی دادید و چته دوروه؟
تدریس را از سال ۲۷ شروع کردم و پس از ۳۰ سال کار گذاشتم. درس‌های گوناگونی را در طول این زمان تجربه کردم. درس‌های مدیریت و تاریخ و تجربه کردم و البته از آنها لذت می‌بردم. ولی دودرس می‌گفتیم که بیش از هر چیز ارئه داده، درس‌های مرجع بود. یکی منابع مرجع برای آشنا کردن دانشجوین با انواع کتاب‌های مرجع و دیگری اصول و خدمات مرجع، که بر می‌گردد به پایه‌ها و علاقه‌هایی که داشتیم. انواع کتابخانه‌ها را هم درس داده‌ام. مثلاً کتابخانه‌های دانشگاهی و کتابخانه‌های عمومی. در حقیقت در دوران طولانی خدمت در دانشگاه هیچ زمانی نبوده است که درس نداده باشم.

شوه شما برای تدریس چگونه بود؟

من برای درس دادن به هیچ وجه رنج و خواری کردن و سپس در حق تنقیر را نمی‌سنجتم. زیرا به نظر من معلم باید به یافته‌های خود استناد کند. در مجموع برای کتاب‌های خیلی زحمت کشیدم. هیچ وقت کسی که درس داشت آرام نخویدیم. آسامیاسعار معلمی را در آن ریتیم که آدم همیشه تشویش داشته باشد، برای اینکه هیچ وقت رنجواری نکند و همواره حرف نو بزند، همیشه مخاطبانش را دوباره بشناسد. به قول استاد همه ما آقای شمس‌الدین مهدی، معلمی که تشویش نداشته باشم، معلم نیست.

هر کلاس و هر مجموعه دانشجویرایم یک کشف مجدد بود و دائماً ذهنم در حال تغییر و تحول. شاید دلیل این امر سفرها و جلسه‌هایی‌ه‌ایم باشد. بنابراین در این فضا تلاش کردم اول هر کلاس چیزهای جدیدی که در آن هفته روی میز خانه ما آمده بود اعلام از اینکه مربوط به کتن محقق باشد یا من، به کلاس ببرم و به شاگردان نشان بدهم. اول چیزها را با چهران و با ایران آشنا و مرتبط می‌کردم و بعد به مباحث درسی می‌پرداختم. طرح مسائل اجتماعی و حتی خانوادگی را هیچ وقت بدنی‌داشتم. معتمد که یک معلم همه جنبه‌هایش باید آشکار باشد تا بتواند مورد توجه و تحلیلی بچدها قرار بگیرد.

از زمان تدریس شما تا به حال چه نظرات‌ها و پیشرفت‌هایی در سیستم کتابداری به وجود آمده است؟
متأسفانه نه در دوران تدریس و نه الان از وضع کتابداری، آموزش کتابداری و برنامه کتابداری راضی نبوده و نیستم. فقط به قول دوستان به دلیل خوشبینی‌ام دوام آورده‌ام. چرا که وقتی پس از ۳۰ سال حنجره پاره کردن این همه استاد خوب و این همه مدرس درجه یک که محصلانش این همه چیزهای علاقه‌مند است، وضع اسفبار کتابخانه‌ها را می‌بینم، باید خیلی غمگین باشم.

دلیل این وضع نابسامان را در چه می‌بینید؟

یکی دولت - یعنی نظام دیوان سالار ما - که نخواسته طی این سال‌ها حق تخصص را به جایبورد و هرگز واقعاً از دانشگاهیان استفاده‌ای را که باید، نکرده است و اساساً به نظر من از دانشگاه و دانشگاهیان خوف دارد. علاوه بر این باید بگویم در سیستم کتابداری علمی در حقیقت شاهد حضور نظام



دکتر فرشته انوار، نویسنده و کتابدار

الکترونیک هستیم. یعنی یک دکتر گرونی مطلق اتفاق افتاده است. اما حتی از این تحولات جهانی هم در

دانشگاه از برنامه‌های مصوب سال ۱۳۳۱ در کتابداری و اطلاع‌رسانی استفاده می‌کنیم. با این تفصیل آن تکرها مال بحث‌هاوان دکتر گرونی‌های ذهنی که مادر دانشجوهایمان به وجود آوردیم، دانشجو در عمل نتوانست آن را در جامعه ارائه و پیاده کند.

خود شما آثار فزونی چه کارهایی در پیاده کردید؟

من آغازگر مرجع بزرگ و آغازگر گروه آموزش کتابداری در دانشگاه تهران، یعنی من و خانم سعیدی در حقیقت دو نفر اول اولین‌ها. یک گروه بودیم. آغازگر خیلی چیزها کردیم. تهیه کرده بود که حدود «آموزش مشاوران آلا نثر دانش مقاله نوشته بودیم اولین‌ها. اینگونه شاید است. چه دوره‌هایی به شما ساخت گذشته، در عمل چه فرصت‌هایی از دست رفت و حسرت چه چیزهایی را می‌خورید؟

تمام این دوران به گونه‌ای به من سخت گذشت و سخت می‌گذرد و احساس می‌کنم که کاش فرصت‌ها را این قدر از دست نداده بودیم. کاش کتابخانه‌های عمومی‌مان به گونه‌ای دیگر شده بود. کاش کتابخانه‌های مدرسه‌ها منتهی‌لر شده بود. کاش نگرش به کتاب و کتابداری در سیستم آموزش و پرورش عرض شده بود. ببینید! کتابداری یک علم وابسته به نظام و تفکر اجتماعی است. اگر در آموزش و پرورش، معلمان کتاب درسی و عمره را از دست بدهند، قطعاً کتابخانه‌های کتاب را دوست نخواهند داشت و اگر در دانشگاه‌های عالی تحقیق و تدریس جزوه بگویند، قطعاً کتابخانه نقشی نخواهد داشت.

بنابراین در لایه بینانه خوشبینی‌ام دره‌های پیشرفت را می‌بینم ولی در لایه پایین‌ها واقع‌بینی‌ام. می‌بینم که ما می‌توانستیم در این ۳۰ سال کتابداری بسیاری انجام دهیم و کام‌هایی بلندتری بر داریم.

یعنی به لحاظ علمی معتمدید که هر کاری که از دست شما ساخته شود انجام داده‌ای؟

بله. اگر مجموعه‌ای که در کتابداری ایران منتشر شده واقع بینانه بررسی شود، می‌توان در محضر هر دادگاهی گفت که مدرسان کتابداری ایران و نویسندگان و پژوهشگران تلاش خودشان را کرده‌اند. واقعیتی پس از این همه تلاش هنوز کتابخانه‌های دانشگاهی ما مسأله دار هستند و تنها حدود ۵ درصد از مدیران کتابخانه‌های دانشگاهی کتابدارند، دیگر چه می‌توان گفت؟ می‌دانید که مدیریت غیرکتابدار کتابداری، یعنی مشکل معضل، عدم پیشرفت، نبود خلاقیّت و… چه شد که به ادبیات کودک **علاقه‌مند شده‌ید** و **شورای کتاب کودک** پوستیده‌ا؟

در حقیقت من یک کتابدار هستم؛ کتابداری که می‌دانم یک کتابخانه کودک باید چگونه باشد و می‌دانم که بخش بزرگی از یک کتابخانه کودک مجموعه آن است و به خاطر اینکه این آگاهی را دارم، با ادبیات کودکان مرتبط می‌شوم. اما آموزش تکلیف که من از ۱۳۲۲ عضو شورای کتاب کودک هستم و این ارتباط را همچنان حفظ کرده‌ام.

نحوه آشنایی شما با شعرا چگونه بود؟

بعد از سوسیس منم هم به هندوستان رفتم و از نحوه کتابداری آنجا بسیار تأثیر پذیرفتم. در سال ۱۳۲۲ هنگام بازگشت به ایران خانم دکتر مهری امی استاد

بزرگ زبان ادبیات روسی که با پدرم آشنا بودند، پیام دادند که خوب است از همین اول با یک گروه تازه تأسیس که قرار است کار فرهنگی برای کودک انجام دهند، همکاری کنی. پدر و مادرم به خاطر سختگیری که داشتند وقتی اسم کودک را شنیدند خیلشان راست شد که جای این است لمی خندناز شوقین کردند و اولین بار با خانم میرمادی در مدرسه فرهاد آشنا شدیم که ایشان و خانم لیلی آهی (خواهر خانم دکتر مهری آهی) سوورا را به من معرفی کردند و من عضو سووراشدم.

پس حضور شما در سوورا دلیل علاقه مندی…

حضور من در سووراه دلیل علاقه ام به کتابداری است و آن ساختار و نهادی که ما به آن کتابداری می‌گوییم.

شما دیر سوورای کتاب کودک هستید برای آشنایی چنانچه با ادبیات کودک در ایران چه کارهایی انجام داده‌اید؟

ما در سوورا کارهای زیادی انجام می‌دهیم. گروه‌های تیررسی که مبنای قدرت سوورا هستند و بعد کتابخوانی تحقیقاتی، کارهایی که در گروه ویژه می‌شود و کار عظیم فرهنگنامه، اما همه خیلی علاقه‌مندند. یاداند که از بنیاد چینی سوورا چگونه شکل گرفته است. به نظر من مطرح بودن سوورایر می‌گردد به بحث کتابدار مرجم، جهان یازمانه به اطلاع است ولی جهان پیشرفته معمولاً وقتی با کشورهای در حال توسعه مکاتبه می‌کند، جواب نمی‌گیرد از دستگ‌های دولتی جواب نمی‌گیرد و هیچ سیستمی خودش را موفق به بازسازی به مسائل کتاب کودک نمی‌داند. اما سوورا چنین پاسخگویی و کتابدار مرجم بودن خودش را همچنان حفظ کرده و به همین دلیل است که وقتی جهان چیزی را از ما می‌خواهد، ما به آن پاسخ می‌گوییم. ما همه در سوورا این تعهد را داریم، یعنی نه تنها، بلکه همه همکارانم خانم افتخاری، خانم ترکانشوند و خانم میرمادی که اساساً هیچ پرستی را پاسخ نمی‌گازند. معرفی شدن ما در سطح بین المللی از طریق دید بین المللی سنل جوان بود. این دفتر سال ۱۵۸۸ تأسیس شد و سوورا در سال ۱۹۶۲ به عضویت آن درآمد است. همچنین سوورا قدیمی ترین عضو اسلامی و خاورمیانه‌ای آن به شمار می‌رود. امروز ما عضویت حدود ۷۰ کشور، در حقیقت ما یک گروه آشنایی ۷۰ کشوری در کنار خود داریم که هر کدام سعی می‌کند سهمی در بالا بردن کیفیت ادبیات کودک داشته باشند. دفتر که مقر آن در پارل سوئیس است، با فعالیت‌های خود باعث می‌شود جنبه‌های ایرانی و یوغانی سوورا به جهان معرفی شود. مثلاً وقتی ما از برای جایزه هانس کریستین آندرسن نوبستنده می‌خواهیم، این کار را انجام می‌دهیم و همین پایه دیالوگ می‌شود. همچنین از طریق سایت دفتر در اینترنت، از طریق سایت خود سوورا و… مجموعه‌ها و افرادی که علاقه منند به تفکر بین المللی و توسعه ادبیات کودک هستند یا با ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین دو محور برای آشنایی دیگران با سوورا می‌توان آن نظر گرفت؛ یکی اینکه ما عضو دفتر هستیم و از طریق دفتر دریچه‌های زیادی به روی ما باز شده و می‌شود و دیگری اینکه خودمان در ایران کار جدی می‌کنیم و همیشه آماده پاسخگویی هستیم و هیچ کاری را مخفی و سرسری انجام نمی‌دهیم.

شما به چند زبان مسلط هستید؟ آیا از این ویژگی جهت ترجمه آثار مورد نیاز در حوزه ادبیات کودک استفاده کرده‌اید؟

زبان‌های خارجی را با انگلیسی آغاز کردم. بعد فارسی، آلمانی، سوئدی (البته در حد صحبت کردن)، امانزبان‌هایی که می‌توانم غیر از فارسی، انگلیسی، فرانس

و کمی روسی است.

در مورد بخش دوم سووال باید بگویم که در حوزه ادبیات کودک گاهی هیچ کتابی ترجمه نگردد، ام چون ترجمه در حقیقت باید دستی برداشتن پایه آن علم باشد و من علم ادبیات کودک را در آن حدی که باید، نمی‌شناسم و اساساً هم درجه قدرت من نیست. چرا

که فارسی را بدو یاد گرفتم. شناسی و باید مترجمان خوب کتابی هستند که زبان ترجمه را خوب می‌دانند ولی زبانی را که می‌خوانند به آن ترجمه کنند، خیلی

بتر می‌دانند و من هیچ وقت فارسی را به آن شکل یاد نگرفتم. بنابراین این امکان انتقال را از نظر ذهنی ندارم. شاید بتوانم ترجمه کنم ولی آن چیزی که می‌خواهم، البته در زمان انقلاب فرهنگی کتابی ترجمه کردم

به اسم تاریخ مدخل شرق اسلام، که برنده جایزه کتاب سال شد و هنوز خوشبختانه مورد استفاده قرار می‌گیرد و چندین مقاله هم ترجمه کردم ولی اگر کاری کردم بیشتر تألیف بود. بدون تردید قدرت من در بیان است و نه در نوشتار.

در طول این سال‌ها تنها ۷ جلد از فرهنگنامه منتشر شده است آیا فکر نمی‌کنید انتشار کل آن خیلی به طول بینجامد و مورد استفاده نوجوانان امروز قرار نگیرد و اصملاً مطالب آن کهنه شود؟

لمی خندناز روند تدوین کتاب مرجم طولانی است. مثلاً گفتنامه دمخدا حدود ۵۰سال طول کشید و می‌فایند که این نوع کتاب هائزی پایداری در ذهن به وجود می‌آورد که حتی اگر فقط یک جلد آن دهنده آموزش ببینند و رشد پیدا کنند. خوشبختانه در این سال‌ها این فرصت پیدا شده است. همچنین به دلیل توجه جامعه به ادبیات کودک توانیم افرادی استثنایی را جذب کنیم.

کارگاه‌های جذب افراد جدید در پیچه‌های خیلی خوبی است و هر سال در حدود ۶۰۰۵ نفر عضو می‌گیریم و برای من خیلی جالب است که بعضی از مدیران طراز اول فعلی سوورا زمانی عضو کارگاه بوده‌اند. امروز و با توجه به پرورش افراد منحصص تجربی آیا پیشرفت کار راهی است؟

اگر بخارویم واقع بنیانه نگاه کنیم با وجودی که سوورا امکان مالی مستدار و تدوین نمی‌تواند بر نامه‌ریزی بلندمدت داشته باشد، من معتقدم که در ۲۰سال اخیر خوب عمل کرده‌ایم و هر کاری که انجام شده به سوی پیشرفت بوده است.

به نظر می‌رسد که شما در سوورای کتاب کودک بیشتر معلقاً بوده‌اید نظر شما چیست؟

توجه به زاویه خیلی به این دلیل است که سوورا در محیط مدرسه متولد شده و بی‌تنگ‌گازان آن مدرسه‌دار بوده‌اند و همچنین خانم میرمادی شخصیت عمل دار هستند. ولی الآن که کم جنبه‌های علمی آشکار می‌شود، امروز پیچه‌های سوورا پیچیده‌های علمی را در برشیرات می‌نویسند و همچنین دوستانی که در پژوهشکده تاریخ ادبیات کودک کار ایران کار می‌کنند از پیچه‌های سوورا هستند. نگاه علمی دارند. بنابراین معتقدم که از یک دوران عملی داریم به طرف می‌رویم.

یعنی با وجودی که کار عملی بوده، تأثیر آن موجب تفکر و کار علمی شده است؟

بله. ما معتقدیم که علم و تمام مبانی نظری باید بر پایه‌های وارذانی، به همین دلیل معتقد هستم که عمل بسیار مهم است و واقعاً این دیدگاه خاتم میرمادی را منمتن می‌داریم که در آثارشان هم چاپ شده است. ولی الآن با وجود ارتباطی که با دانشگاه‌هاست و دوستانی که با دیدگاه‌های علمی می‌آیند، فکر می‌کنم

خصوصاً در ۲۰۳ سال اخیر مردم وارد این مسیر می‌شویم.

لمی خندناز: البته گاهی اوقات پیچه‌های علمی نگر به شیوه‌های نامعتبر هستند، چون آنها به خود بیشتر فکر می‌کنند و مابه عاطفه و تجربه، ولی فکر می‌کنم که داریم به یک گفت‌وگو و توافق می‌رسیم.

خانم انصاری، چه رابطه‌ای بین کار علمی در دانشگاه و کار پیشتر اجرایی خود در سوورا می‌بینید؟ در کدام حوزه تأثیر گذارتر بودید؟

تأثیر گذاری دانشگاه بیشتر مقطعی است. یعنی دانشجو یک ترم درس می‌آموزد و بعد می‌رود در زندگی آن را ازمایش می‌کند، ولی در سوورا باید عده افراد زندگی و کار می‌کنیم.

اما در جواب سووال شما باید بگویم که بحث مخاطب خیلی مهم است. مخاطب میزان توفیق را تعیین می‌کند، نه خود شخص. در سوورا می‌شود گفتک ایرادها و ضعف‌های شخصی بیشتر خودش را نشان می‌دهد، به دلیل اینکه ارتباط بیشتر است. ولی فکر می‌کنم که هر دو مورد، کتابی که آماذگی شنیدن داشتند و من حرفی برای گفتن به آنها داشتم، سود برده‌اند.

می‌آوردند. نکته جالب، علمی گرایی و تحلیلگرایی نسل جدید است که ما این ویژگی‌ها را یادماندنیست.

اما یکی از نکاتی که در مورد سوورا مطرح می‌شود، عدم وجود جایگزین مناسب برای ولی نورات است. آیا در طول این سال‌ها کارهایی برای حل این مشکل انجام داده‌اید؟

به هر حال هر کسی ویژگی‌های خاصی دارد و اگر روزی نباشد، جایش همیشه خالی است ولی من معتقدم که اگر جزیاتی حقیقی باشد، هر مهره‌ای که به هر دلیلی برود، اگر چه چند صباحی مسائلی پیش می‌آید ولی آن جای خالی پر خواهد شد.

در سوورای امروز با مدیریت‌های جمعی به وجود آمده این مشکل تقریباً رفع شده است و همین امروز ما هفت نفر همسلسط طراز بالا برای تشکیل سوورا و گروه‌های مختلف داریم.

به طور مشخص چه کارهایی صورت گرفته است؟

ما در گروه‌های مختلفی مثل گروه ویژه، پرسر، مطالعات تحقیقاتی و… کار می‌کنیم و برای تربیت افراد زمان لازم است تا افراد جدید بتوانند خودشان را نشان دهند و آموزش ببینند و رشد پیدا کنند. خوشبختانه در این سال‌ها این فرصت پیدا شده است. همچنین به دلیل توجه جامعه به ادبیات کودک توانیم افرادی استثنایی را جذب کنیم.

کارگاه‌های جذب افراد جدید در پیچه‌های خیلی خوبی است و هر سال در حدود ۶۰۰۵ نفر عضو می‌گیریم و برای من خیلی جالب است که بعضی از مدیران طراز اول فعلی سوورا زمانی عضو کارگاه بوده‌اند. امروز و با توجه به پرورش افراد منحصص تجربی آیا پیشرفت کار راهی است؟

اگر بخارویم واقع بنیانه نگاه کنیم با وجودی که سوورا امکان مالی مستدار و تدوین نمی‌تواند بر نامه‌ریزی بلندمدت داشته باشد، من معتقدم که در ۲۰سال اخیر خوب عمل کرده‌ایم و هر کاری که انجام شده به سوی پیشرفت بوده است.

به نظر می‌رسد که شما در سوورای کتاب کودک بیشتر معلقاً بوده‌اید نظر شما چیست؟

توجه به زاویه خیلی به این دلیل است که سوورا در محیط مدرسه متولد شده و بی‌تنگ‌گازان آن مدرسه‌دار بوده‌اند و همچنین خانم میرمادی شخصیت عمل دار هستند. ولی الآن که کم جنبه‌های علمی آشکار می‌شود، امروز پیچه‌های سوورا پیچیده‌های علمی را در برشیرات می‌نویسند و همچنین دوستانی که در پژوهشکده تاریخ ادبیات کودک کار ایران کار می‌کنند از پیچه‌های سوورا هستند. نگاه علمی دارند. بنابراین معتقدم که از یک دوران عملی داریم به طرف می‌رویم.

یعنی با وجودی که کار عملی بوده، تأثیر آن موجب تفکر و کار علمی شده است؟

بله. ما معتقدیم که علم و تمام مبانی نظری باید بر پایه‌های وارذانی، به همین دلیل معتقد هستم که عمل بسیار مهم است و واقعاً این دیدگاه خاتم میرمادی را منمتن می‌داریم که در آثارشان هم چاپ شده است. ولی الآن با وجود ارتباطی که با دانشگاه‌هاست و دوستانی که با دیدگاه‌های علمی می‌آیند، فکر می‌کنم خصوصاً در ۲۰۳ سال اخیر مردم وارد این مسیر می‌شویم.

لمی خندناز: البته گاهی اوقات پیچه‌های علمی نگر به شیوه‌های نامعتبر هستند، چون آنها به خود بیشتر فکر می‌کنند و مابه عاطفه و تجربه، ولی فکر می‌کنم که داریم به یک گفت‌وگو و توافق می‌رسیم.

خانم انصاری، چه رابطه‌ای بین کار علمی در دانشگاه و کار پیشتر اجرایی خود در سوورا می‌بینید؟ در کدام حوزه تأثیر گذارتر بودید؟

تأثیر گذاری دانشگاه بیشتر مقطعی است. یعنی دانشجو یک ترم درس می‌آموزد و بعد می‌رود در زندگی آن را آزمایش می‌کند، ولی در سوورا باید عده افراد زندگی و کار می‌کنیم.

اما در جواب سووال شما باید بگویم که بحث مخاطب خیلی مهم است. مخاطب میزان توفیق را تعیین می‌کند، نه خود شخص. در سوورا می‌شود گفتک ایرادها و ضعف‌های شخصی بیشتر خودش را نشان می‌دهد، به دلیل اینکه ارتباط بیشتر است. ولی فکر می‌کنم که هر دو مورد، کتابی که آماذگی شنیدن داشتند و من حرفی برای گفتن به آنها داشتم، سود برده‌اند.

چهارمین چهره‌های جشنواره ادبیات

در حاشیه چهارمین نمایشگاه بزرگ کتاب استان همدان ۲۲-۲۹ مرداد

در آغاز باید از مدیریت اجرایی قوی این نمایشگاه نهایت سپاسگزاری را به جا آورد. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان در تبلیغات و برگزاری نمایشگاه و برنامه‌های جشنی آن بسیار موفق نشان داد. مأموران سالن‌ها با جدیت به وظایف خود عمل می‌کردند و هر گونه ورود و خروج افراد را کنترل می‌کردند. برنامه‌های جشنی نمایشگاه اعم از نشست‌های فرهنگی و ادبی با حضور چهره‌های برتر فرهنگ و ادب کشور و استان، شب شعرهای متعدد و برنامه‌های دیگر با استقبال مردم بخوبی برگزار می‌شد.

قرار گرفتن غرفه‌های کودک و نوجوان در یک سالن جدا از ویژگی‌های این نمایشگاه بود و باعث می‌شد خانواده‌ها و کودکان در جست‌وجوی کتاب مورد علاقه‌اشان، مستقیماً به این سالن مراجعه کنند.

بسیار قابل توجه است که به‌خاطر بالا بودن سطح فرهنگ و سواد استان و دانشگاهی، توستی و تاریخی بودن آن، مردم از کتاب‌هایی استقبال می‌کردند که دارای بار علمی و فرهنگی بیشتری بود. بازدیدکنندگان از این سادته‌ها فرهنگی بسیار خشنود بودند. در یکی از روزها بازدیدکنندگان به برخورد گرم که از دیدن این نمایشگاه و این همه تنوع موضوع و کتاب هیجان زده شده بود، می‌گفتند: من باید از چه کسی تشکر کنم. او امیدوار بود که سال آینده هم این نمایشگاه برگزار شود. اما غرضه‌داران و ناشران یا نمایندگان نیز که قبلاً مهم برگزاری این نمایشگاه هستند، حرف‌های برای گفتن دارند.

نماینده خانه کتاب، کار ما بیشتر اطلاع‌رسانی در زمینه کتاب و رشد فرهنگ کتابخوانی در بین اقشار جامعه است. اگر چه کم بودن فروش ناشران مربوط به فصل نامناسب برگزاری است. اما این صرفه با استقبال خوبی مواجه بوده است.

آقای گلگون نماینده مرکز آموزش مدرن دوتنی، همدان، کتابخانه‌های کتاب باید در کنار مراکز تفریحی برگزار شود تا مردم ضمن جذب شدن به این مراکز با اشتیاق به استقبال کتاب بیایند. همین باعث می‌شود مردم نسبت به کتاب خاطره خوبی داشته باشند. وجود کتابخانه الکترونیکی و سالن خدمات اطلاع‌رسانی رایانه‌ای نیز برای این نمایشگاه ضروری است.

آقای غلامرضا عابدی (مدیر انتشارات پاسارگاد) استقبال خوب است اما خرید بسیار ضعیف. از نظر امکانات برگزاری و مکان، این نمایشگاه در حد متوسط است. باید از افراد تجار به در زمینه برگزاری فرهنگ کتابخوانی گفتش یاد گرفته کرد. ولی نمایشگاه نظرخواهی شد، منتهی نمایشگاه بین‌المللی تهران که با هماهنگی اتحادیه ناشران و مؤسسه نمایشگاه‌ها برگزار می‌شود.

سید سعید علمی (نماینده مؤسسه فرهنگی-آموزشی زانسر) به عنوان کسی که ۹ دوره از این نمایشگاه‌ها را تجربه کرده‌ام، حرکت نمایشگاه‌های استانی را حرفتی مثبت می‌بینم، اما این وجود هنوز فرهنگ کتابخوانی گسترش پیدا کرده اند. امیدوارم که مردم به جای نامشاعر بودن، مشاوره و بعد خرید نمایند. به طور مشخص آرزوی همه ما خانواده‌ها در هر وضعیت طبقاتی است. به امید آن روز.

چهارمین نمایشگاه کتاب همدان رأس ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه ۲۹ مرداد ماه با حضور آقایان سق شناس معاون حقوقی و امور مجلس استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمازگاه معاونت نمایشگاه‌های استانی و جمعی از مسؤولان به کار خود پایان داد.

یادداشت
هادیون خیری

ادلن بعدی کجاست؟

در روزهای جنگ و در یک منطقه شهری اهواز که محل عبور و مرور سربازان بود یک نشانی خنده‌دار وجود داشت. سه‌راهی ادکلن (یا به زبان محاوره، سه‌راهی سرراهی ادکلان) البته واقعاً نه تنها هیچ مغازه‌ای برای فروش ادکلن در آنجا نبود بلکه آن سه‌راهی یکی از بدبوترین مناطق شهر اهواز بود چراچون همه پاسبان‌های خانگی، در آنجا جمع می‌شد و چنانچه بوی صمیمی دو هواشش می‌زد که آبی یا خنده‌ادکلن از آنجانبش گذشتی. حتماً با سوادترین کارخانه‌های ایران بود که تا بسوا، مسولیت به محراب‌ترین آنها متعلق شد.

از پس جوجو‌هایی که تازیم معلوم شد سه‌سوه جونی که در آنجا مسئول کارخانه همه جهرایشان را گذاشته‌اند تا آن کلان را از سر اهلی منطقه خلاص کنند. اما هنوز موفق نشده‌اند. بعد سیسیم چرا ناموفق‌گرا گفتند همه دانسته‌های این کار را نمی‌دانیم. مگر کنیم تجربه را دیگران تباراند؟ گفتند دارند ولی ما امکاناتمان آنقدر محدود است که از تجربیات دیگران بی‌خبریم. کمی جست‌وجویم ما نشان داد آن کارخانه معظم پیشین در آن همه دوران طلایی به تنها چیزی که فکر نکرده امکانات و دریافت اطلاعات علمی است. به کلیه به کتابخانه‌ای و صد البته به پانته‌ای همه‌دم در ادکلنا پادم آمدن آن سربازان همان هم جز راه جنگ و جبهه از سه‌راه ادکلن می‌گشتند و می‌آیند. اسم سه‌راه ادکلن را به نژاد و زمین می‌گفتند اکنون هم دوسه جوان ایستاده در منطقه ادکلن هم هزاران نفر سراسر و گذرا از اطراف منطقه ادکلن همان طرز را با خود می‌برند و می‌آورند. از آن سه‌راه ادکلن می‌گذرد که خط وسط بندگی دری دارد اما این منطقه ادکلن به یک کتابخانه علمی معظم مامه است. بعد از سه راه و منطقه این بار ادکلن بعدی فرار است به کجا برسد؟

در روزهای جنگ و در یک منطقه شهری اهواز که محل عبور و مرور سربازان بود یک نشانی خنده‌دار وجود داشت. سه‌راهی ادکلن (یا به زبان محاوره، سه‌راهی سرراهی ادکلان) البته واقعاً نه تنها هیچ مغازه‌ای برای فروش ادکلن در آنجا نبود بلکه آن سه‌راهی یکی از بدبوترین مناطق شهر اهواز بود چراچون همه پاسبان‌های خانگی، در آنجا جمع می‌شد و چنانچه بوی صمیمی دو هواشش می‌زد که آبی یا خنده‌ادکلن از آنجانبش گذشتی. حتماً با سوادترین کارخانه‌های ایران بود که تا بسوا، مسولیت به محراب‌ترین آنها متعلق شد.

از پس جوجو‌هایی که تازیم معلوم شد سه‌سوه جونی که در آنجا مسئول کارخانه همه جهرایشان را گذاشته‌اند تا آن کلان را از سر اهلی منطقه خلاص کنند. اما هنوز موفق نشده‌اند. بعد سیسیم چرا ناموفق‌گرا گفتند همه دانسته‌های این کار را نمی‌دانیم. مگر کنیم تجربه را دیگران تباراند؟ گفتند دارند ولی ما امکاناتمان آنقدر محدود است که از تجربیات دیگران بی‌خبریم. کمی جست‌وجویم ما نشان داد آن کارخانه معظم پیشین در آن همه دوران طلایی به تنها چیزی که فکر نکرده امکانات و دریافت اطلاعات علمی است. به کلیه به کتابخانه‌ای و صد البته به پانته‌ای همه‌دم در ادکلنا پادم آمدن آن سربازان همان هم جز راه جنگ و جبهه از سه‌راه ادکلن می‌گشتند و می‌آیند. اسم سه‌راه ادکلن را به نژاد و زمین می‌گفتند اکنون هم دوسه جوان ایستاده در منطقه ادکلن هم هزاران نفر سراسر و گذرا از اطراف منطقه ادکلن همان طرز را با خود می‌برند و می‌آورند. از آن سه‌راه ادکلن می‌گذرد که خط وسط بندگی دری دارد اما این منطقه ادکلن به یک کتابخانه علمی معظم مامه است. بعد از سه راه و منطقه این بار ادکلن بعدی فرار است به کجا برسد؟

یادداشت

کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران



دانشگاه علوم پزشکی ایران در کنار بزرگراه شهید چمران و کتابخانه مرکزی در دانشکده پیراپزشکی آن واقع شده که تا آن مکان مسافتی طولانی را باید پیمود.

پس از ارائه معرفی نامه به نگهبان ورودی دانشکده پیراپزشکی، به کتابخانه مرکزی که در طبقه سوم است، رفته و از مدیر کتابخانه می‌خواهم که به سؤال هایم برای معرفی کتابخانه در نشریه «کتاب هفته» پاسخگو باشد. فضای بزرگ کتابخانه همراه با منابع علمی فراوان و تعداد زیاد افراد مراجعه‌کننده باعث شده است که کتابداران برای جوابگویی به درخواست‌های متقاضیان تلاش بی‌وقفه‌ای انجام دهند.

مدیر کتابخانه که البته در فضایی جدا از این شلوغی نشسته، با بی‌حوصلگی کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران را این چنین تعریف می‌کند:

این کتابخانه از سال ۱۳۵۴ تأسیس شده و مشتمل بر ۳۰ هزار جلد کتاب لاتین، ۱۰ هزار جلد کتاب فارسی، ۳۰۳۵ عنوان نشریه تا سال ۲۰۰۰ میلادی، ۱۳۰۰۰ جلد پایان‌نامه‌های دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی و دانشجویان دانشگاه‌های دیگر، ۱۹۷۰ فیلم ویدئویی، ۱۳۳۸ اسلاید، ۵۷۰ نوار صوتی و… در زمینه پزشکی و رشته‌های وابسته به آن است.بخش‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران و فعالیت‌های هر یک به شرح زیر است.
بخش مرجع که وظیفه ارائه خدمات اعم از امانت‌کتاب، کپی برداری از نشریات و استفاده از پایگاه‌های داخلی و خارجی در اینترنت را بر عهده دارد.
بخش سفارشات که در تهیه، انتخاب و سفارش انواع منابع اطلاعاتی کتابخانه مرکزی و واحدهای تابعه (۶کتابخانه دانشکده‌های وابسته) و سپس

یادداشت

محمد آل ابراهیم

راه حلی جامع برای توزیع کتاب

این وجه در اکثر مواقع پیشاپیش دریافت می‌شود تا خدای ناکرده این ناشران بدجنس‌از زیر تعهدات خود شانه خالی نکنند. در این روش توزیع چون اصل بر سرد مادی بیشتر و یا تلاش کمتر است هیچ نوعی از توزیع کننده در تبلیغ و معرفی هزینه کالایی که در دست دارد، نمی‌توان داشت. این وظیفه ناشر یا پبلداریه است که کالای خود را مایع کند و فروخته که کتاب مراکز در فعال عمل فروش بهتر است. در نهایت توزیع کننده است که تصمیم می‌گیرد می‌گیرد که به کشف‌های ناشر اعتنالی کند یا جبروری فروش کالاهای فرهنگی بخصوص کتاب و نشریات، معرفی اثر یا نشریه، کاری بسیار ضروری و مهم است و قسمتی از این کار ظاهراً باید برعهده توزیع کننده باشد که انتظار چنین خدمتی را داشتن خود کاهی است ناخوشودنی.

با توجه به مطالب ذکر شده مشخص می‌شود که انکار برسیستم توزیع فوق زیاد علاقه به نظر نمی‌رسد. در همین جابن نکته را نیز باید خاطرشان ساعت که در سیستم توزیع نیز افراد دانشو و بامسؤولیت که با کار نشر و مسئولان آن آشنایی دارند و فقط به فکر تجارت نیستند، وجود دارند ولی مناسبانه تعدادشان اندک و حوزه فعالیتشان محدود است.

چه چه کار باید کرد؟ اولین راهی که به نظر می‌رسد این است که چند ناشر دست به دست هم‌دیگر داده و واحدی برای توزیع محصولاتشان ایجاد کنند که هم کار معرفی و تبلیغ را عهده‌دار شود و هم توزیع خوب و علمی محصول را این واحد می‌تواند در یک بازه زمانی میان‌مدت بااطلاعات آماری و علمی که به دست می‌آورد بهترین و اقتصادی‌ترین روش توزیع را پیدا کرده و روش‌های نوین دیگری را هم بیازماید. به عنوان مثال می‌تواند از طریق شبکه اینترنت هم کار تبلیغ و هم کار بازاریابی و فروش را سامان دهد.کند.اطلاعاتی که از این واحد به دست می‌آید به ناشران کمک می‌کند تا هم بازار هدف خود را بهتر بشناسند و هم در روی تغییر سلیقه و مهاجکت کردن بازار با خود یا با یکی از اقدام کنند. اگر این واحد توسط چند ناشر به وجود بیاید می‌توان هزینه‌های مرتبط با آن را موردی محصول مرشک کرده و در نهایت کتاب‌های ارزان‌تر تولید و توزیع کرد که این مسئله، هم به نفع خریدار خواهد بود و هم

کتابخانه‌های تخصصی
تازه سیدین

ثبت و عرضه آنها به قسمت مرجع کتابخانه فعالیت می‌کند. همچنین نمایه‌سازی پایان‌نامه‌ها، معادل‌یابی واژه‌های پزشکی و مطالعه پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی، در بخش نمایه‌سازی انجام می‌شود.

بخش سمعی و بصری کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران، در تهیه و تکثیر اسلاید، ضبط، آماده‌سازی و استفاده از فیلم و اسلاید در محل کتابخانه و نهایتاً در سازماندهی منابع سمعی و بصری موفق بوده است.تمام اطلاعات کتابخانه بر روی شبکه داخلی کتابخانه جمع‌آوری شده که از طریق اینترنت ارائه می‌شود.دانشجویان و مراجعان دیگر می‌توانند برای جست‌وجوی مطلب علمی مورد نظر، به طور رایگان از اینترنت استفاده کرده و از مطلب درخواست خود یا پرداخت هزینه، پرینت بگیرند.

کفنتی است که کتاب‌ها از نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب تهران و نمایشگاه‌های تخصصی وزارت بهداشت و نشریات، از ناشران واسطه داخلی که با ناشران ایران، دبیرین کتابخانه مرکزی بر منابع علمی کتابخانه نظارت دارند. همچنین کمیته کتابخانه‌ای مششکل از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، مسؤولان اداری، مالی دانشگاه مربوط، کارشناس اطلاع‌رسانی پزشکی ایران، مسؤولان کتابخانه مرکزی بر منابع علمی کتابخانه نظارت دارند. مسؤول سفارشات کتابخانه مرکزی بر منابع علمی کتابخانه نظارت دارند. مراجعان با ارائه کارت شناسایی دانشجویی نظام پزشکی، **قطعه عکس**، تکمیل فرم درخواست و ۱۰۰۰۰ ریال هزینه کارت عضویت می‌توانند عضو کتابخانه مرکزی دانشگاه علوم پزشکی ایران شوند.

این کتابخانه در بزرگراه شهید همت، ضلع جنوبی، قطعه فیض خیال الله نوری و شهید چمران، جنب پالایشگاه خود، در ساختمان دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران واقع است.
کتابخانه معرفی شده آدرس اینترنتی نداشته و می‌توان با شماره تلفن ۰۵۷۳۳۲۲۸۰۵ مستقیماً با مسؤولان آن تماس گرفت.
نکته قابل توجه آنکه این کتابخانه فاقد اسنادها و تاریخ ثبت احترامات بوده و مدیر کتابخانه مدعی است که این منابع علمی در مورد کتابخانه فوق کارایی چندانی ندارد.

تاریخزیرگذرتین مشکل که در این مجاز به وجود خواهد آمدنش از نبود فرهنگ کار گروهی در کشور است که خود مسائل بسیاری را به میان خواهد داشت. بیان معرهای حقوقی و غیرحقوقی ممکن که از راه همکاری چندگروه ممکن است پیش آید به اندازه کافی برای کنار گذاشتن این راه حل کافیست.

راه حل دوم تشکیل یک نهاد دولتی برای این کار است که بهر است اصلاً درباره آن بحث نگنیم.راه حل سوم چاپ سفارشی کتاب در شمارگان محدود است که فناوری آن هنوز در ابتدای راه است و حتی در کشورهایی توسعه یافته هم با مشکلات زیادی روبه‌رو است. شاید تا چند سال آینده چنین کاری عملی و مقرون به صرفه شود ولی در حال حاضر فکر کردن به آن کمی غیراورداری است.راه حل چهارم ایجاد فرهنگ‌های در سطح شهر و کشور توسط نیروهای فروش، منطبق تکلیف‌های فرهنگی خود است. که این یکی از آن راه‌فکرهای است که خیربالمثل معروف یکی می‌رود از وی.تاویل.ا.ا.ا.شاید وارد داده ناشرین در بخش خصوصی آن قدر زیاد داده که از عهدن چنین کاری بر آید. حتی ناشران دولتی هم که از انواع راه‌ها و روش‌های نوین برای پایش آوردن هزینه‌ها، فروش محصولانشان سود می‌برند. این کار اگر اارده در این گرهه امروزه اکثر آنها چنین کاری را انجام داده‌اند ولی بایک حساب سرگشتگی می‌توان غیر قضایی بودن کارشان را تشخیص داد، پس چرا چنین کاری انجام می‌دهند و این سوال ملی است که نمونه‌اش بسیار زیادتر از آن چیزی است که به نظر می‌آید. راه حل پنجم دلالت راه حل اول فکر کردن به آن منطقی است.

راه حل آتسومدان گفتار اول این مقرر است. چرا ناشر باید تکلیف اجاب کند که احتیاج به معرفی و تبلیغ داشته باشد؟ چرا باید همه تلاش ناشر در راه چاپ کتاب‌های بی‌سجوا و پرزور و برق بدون هدف مصرف شود؟ چه اشکالی در تولید کتاب‌هایی که فروششان ضعیفی است وجود دارد؟ چرا وقتی می‌توان با سرمایه چاپ چند کتاب وارد کار دلالتی و بساز و بفروشی شد، کتاب منتشر کنیم؟

کلام آخر اینکه اصلاً کتاب به چه دردی می‌خورد که این همه به آن بپردازیم بی‌خودی برای خودمان مسئله ایجاد کنیم؟ اگر ضروری هم به چاپ کتاب داریم حداقلی کار را انجام کنیم که بازار دست و حسابی داشته باشد. مطمئن که دیدیم می‌توان با منتشر کردن کتاب مشکلات زیادی را حل کرد و فعالیت‌های بی‌هدف را هم رها کرد. اگر کار دیگری هم بخواهد مسائل دیگری را نیز حل خواهد کرد که به نظر می‌آید آنها را برعهده شما می‌گذاریم.

شورای سرمدیری؛ دکتر پورتنو شکرخواه سیدفرید قاسمی حمیدرضا اسلامی محمدهاشم آکبریانی سیدابوالحسن محتاج‌الدین **مسئول دفتر تحریریه**؛ آمنه عرب‌زکی **تلفن تحریریه**؛ ۸۴۰۰۱۹۹

هیات تحریریه؛ رسول آبادیان،فرانک آرا حیدرپایان،دکتر گلن بازخانه‌ای نگار پدرام،لیلی پوراسکندر مریم جباری،زهرآراجم محمدی همایون خوری،ابراهیم رزم آرا مهیار شیدیان،سیدعلی‌محمدرفیعی محمدرضانویسی،فرزین شروزادی مریم طاهری،محمد‌سایر محمدی،حمیدهنر جو

عکس؛

سپارش حبیب‌اللهی محمدرضادشتی،رضا خندکدار **مدیر هنری**؛ بهروز متین صفت **مدیر فنی و صفحه‌آرا**؛ ناظم رام **حروف‌چین**؛ متیرسرگلی، غزاله نوروزی **تصحیح**؛بتیراسادات حبیبی بنفشه‌محمدوی،محمد‌ملاحیبی **هماهنگی**؛ آرش آژرنک

مدیر مسؤول ؛احمد مسجد جامعی

مسئول توابع؛ عزیزالله‌امریانی **گروه توابع**؛ظفرشامریانی،علی‌ناصر مهدی‌صورتی،میرفرهانی،سیماکسلیمی **نظارت چاپ**؛ محمود رضاطوعی **لیتوگرافی، چاپ و توزیع**؛ ایراجباب **نگار نگار**؛ قادر میرزایی **خدمات**؛ علی‌محمدی، علی رحیمی

نشانی: خیابان قائم مقام فرحانی، اول خیابان فجر (چم)، شماره ۹، طبقه دوم، صندوق پستی: ۳۱۳۰۵۰۳۱۳
نشانی کتاب‌فروخته در اینترنت: http://www.keabnbe.org.ir / week book

مبشید نونبایی – مترجم خانم نونهالی شما رمان «دکتر نون‌زنش را بیشتر از مصدق دوست دارد» از شهرام رحیمیان و با بیشتر از مصدق دوست دارد» از شهرام رحیمیان و با

ممنون از شما خانم‌ها و آقایان عزیز که با اشتیاق و دقت در مطالعهٔ این کتاب‌ها و در بخش‌ها و پروژه موسیقی از همه زمینه‌ها بیشتر است. اگر کسی شناختش را واقعاً از یک رویداد تاریخی به دست نیابد، در زمان می‌تواند انگیزه‌ای برای مطالعهٔ تاریخ را بیابد. به نظر شما نویسنده، جهان داستانی خود را چقدر از واقعیت‌های بیرونی، در مقطع ۲۸ مرداد و پس از آن خوب ساخته است؟

نویسنده با رویدادهای آن دوران به نظر من کتاب را به عنوان یک رمان و شیوه داستان‌نویسی مطرح می‌کند، یعنی به نظر می‌آید که نویسنده از این واقعیت «سقوط مصدق» استفاده کرده برای اینکه به یک داستان شکل بدهد. به نظر من آید که خواسته باشد یک مقوله سیاسی را در اثرش مطرح کند و به نوعی از یک شیوه داستان‌نویسی که در ایران کمتر به آن پرداخته شده، استفاده می‌کند. حوادث ۲۸ مرداد پهنه‌های برای نویسنده بوده است که داستان خودش و زنش را در دل آن ماجرا بنویسد.روایتش من این بود که فرم در این زمان برای نویسنده بیشتر اهمیت داشت. چون می‌خواست از آن قالب کلاسیک بیرون بیاید و به شکل نویی ماجرا را باز گو کند.

نکته من اصلاً وارد این مقوله نمی‌شوم. من این کتاب را به عنوان یک رمان و شیوه داستان‌نویسی مطرح می‌کنم، یعنی به نظر می‌آید که نویسنده از این واقعیت «سقوط مصدق» استفاده کرده برای اینکه به یک داستان شکل بدهد. به نظر من آید که خواسته باشد یک مقوله سیاسی را در اثرش مطرح کند و به نوعی از یک شیوه داستان‌نویسی که در ایران کمتر به آن پرداخته شده، استفاده می‌کند. حوادث ۲۸ مرداد پهنه‌های برای نویسنده بوده است که داستان خودش و زنش را در دل آن ماجرا بنویسد.روایتش من این بود که فرم در این زمان برای نویسنده بیشتر اهمیت داشت. چون می‌خواست از آن قالب کلاسیک بیرون بیاید و به شکل نویی ماجرا را باز گو کند.

به نظر من آید که نویسنده تجربه موفقیتی داشته ولی هنوز جابجایی پرورش و کامل‌تر کردن کار وجود دارد. برای به حد کمال رساندن این شیوه بیان رویدادها، هنوز جا هست.

شما فکر می‌کنید نسل بعدی که از رویداد ۲۸ مرداد چه اطلاعاتی دارد و ما خواندن این اثر می‌تواند نامی از رویدادهای آن سال‌ها را در ذهن خود ترمیم کند؟

ببینید، برای شناخت آن رویدادها یا تکیه صرف بر این رمان ممکن است خواننده به برآه هم برود. این اثر می‌تواند انگیزه‌ای برای شناخت رویدادهای دوران مصدق باشد و بعد خواننده را

آیا این کتاب را خوانده‌اید؟

برای مطالعه دقیق تاریخ آن سال‌ها به سمت کتاب‌های جدی تاریخی بکشاند. من فکر می‌کنم داستان‌نویسی برای این نیست که کسی شناختش واقعی از یک رویداد تاریخی به دست نیابد. در زمان می‌تواند انگیزه‌ای برای مطالعهٔ تاریخ را بیابد. به نظر شما نویسنده، جهان داستانی خود را چقدر از واقعیت‌های بیرونی، در مقطع ۲۸ مرداد و پس از آن خوب ساخته است؟

نکته من اصلاً وارد این مقوله نمی‌شوم. من این کتاب را به عنوان یک رمان و شیوه داستان‌نویسی مطرح می‌کنم، یعنی به نظر می‌آید که نویسنده از این واقعیت «سقوط مصدق» استفاده کرده برای اینکه به یک داستان شکل بدهد. به نظر من آید که خواسته باشد یک مقوله سیاسی را در اثرش مطرح کند و به نوعی از یک شیوه داستان‌نویسی که در ایران کمتر به آن پرداخته شده، استفاده می‌کند. حوادث ۲۸ مرداد پهنه‌های برای نویسنده بوده است که داستان خودش و زنش را در دل آن ماجرا بنویسد.روایتش من این بود که فرم در این زمان برای نویسنده بیشتر اهمیت داشت. چون می‌خواست از آن قالب کلاسیک بیرون بیاید و به شکل نویی ماجرا را باز گو کند.

شاید در آن مقطع چنین ماجرای اتفاق نیغاده باشد.این شایدبه عنوان یک رویداد می‌توانست باشد که برای یک فرد اتفاق افتاده است.اصلاً فکر نمی‌آید این نیست که حتماً رویدادی بوده که نویسنده آن را بازگو کرده،واقعه‌گرایی این است که می‌توانست چنین رویدادی هم اتفاق افتاده باشد.

این رمان را به عنوان یک رمان سیاسی چگونه شرح می‌دهید؟

پایان‌شده‌های سیاسی هم توان‌بخ‌رودهای مختلف داشت، به نظر من این رمان می‌توانست صرفاًمسائل سیاسی را مطرح کند. برای می‌توانست مسائل روانی انسان‌ها را در مواجهه با واقعای سیاسی مطرح کند.هر کدام از این زاویه‌یک مقوله جلست. ما دیگر در دورانی نیستیم که بتوانیم زمانی نویسیم که تمام حوادث رویدادها، یک مقطع تاریخی را در خود داشته باشد. ما باید یک الان به دلایل مختلف. به دلیل فرم و قالب اثر و به دلیل فرصت نوشتن. سعی نمی‌کنم درواست کلی از یک پدیده داشته باشم.دوران روایت کلی و روایت کلان تمام شده است.الان نویسنده سعی دارد جزئی‌نگر باشد و بخشی از یک موضوع را انتخاب کند و آن را بیورورد.

چه کتابی خوانده‌اید

فرزانه کرم‌پور

میدان ایتالیا و سلاخ خانه شماره ۵

«میدان ایتالیا» اثر آنتونیو تابوکی و «سلاخ خانه شماره ۵» اثر کوروش ونگار را اخیراً خواندم. این هر دو کتاب در ردیف کتاب‌های پست مدرن است و ترجمه‌های خوبی داشت.

«سلاخ خانه شماره ۵» اثر یک نویسنده آمریکایی است که تجربه خودش را از نیمه‌بان شهری در آلمان در زمان جنگ جهانی دوم می‌نویسد.

تابوکی در میدان ایتالیا هم در تجربیات خود در حرفه روزنامه‌نگاری استفاده کرده است. این کتاب یک رمان کوچک است که هم مضمون جذاب دارد و هم ساختار و فرم ساده‌ای، برای بیان این مضمون انتخاب شده است.

مضمون این کتاب هم سیاسی است و درباره زمان استیلای فاشیست‌ها بر ایتالیاست. در کتاب نویسنده‌گان ایرانی هم «روایات شیرین» ناهید کبیری خواندم که اگر کتابش از زبانه‌گویی پرهیز می‌کرد، داستان‌های بهتری را در این مجموعه به خواننده ارائه می‌کرد.

فوزیه مجد



دشوار است باور کردن این واقعیت که ضعف حافظهٔ تاریخی ما، در بخش هنر و پروژه موسیقی از همه زمینه‌ها بیشتر است. اگر کسی شناختش را واقعاً از آثار مؤثران یک یا چند قرن پیش، مشکل دارد، دوستداران موسیقی و شناخت آنچه که می‌سال پیش اتفاق افتاده است دچار مشکل هستند.

این یادداشت به یمن و به برکت تصمیم نیکوی نخعیین بانوی آهنگساز آواگراد ایرانی - سرکار خانم فوزیه مجد نوشته شده است. تصمیم مبارک او، شگفتن ۲۴ سال آنرا و سکوت و عزم برای انتشار آثاری است که در کدام از آنها در نوع خود سرنوشت تاریخ‌نگاری آینده موسیقی در ایران الگو متولد شود، پتانو و آواز و… گرفته تا نمونه‌های بی نظیری که از ساز و آواز آخرین شیخ‌نکاران اصیل مناطق دور افتاده ایران (خراسان و بلوچستان) ضبط کرده و… تا مجموعه آواهای مذهبی (اباجان‌ها) که سرصفصل درخشانی است در برداشت نوین از حضور روح مذهبی در قطعات کهنه و گریایی که به تاریکی ضبط شده‌اند.

فوزیه مجد در بیان مزاجش شده است و بیش از نلت عمر خود را در اروپا زندگی و تحصیل کرده است.

آهنگسازی در مدراس و دانشگاههای معتبر انگلستان و فرانسه له ویژه استفاده از کلاس استاد معروف، تانیا پولاتووا و مطالعه عمیق و حوزه موسیقی، زندگی آن زمان او را پر کرده است. گزینش‌ها و نتایج فکری ایران بگذرد، به طرز دیگر و در جایی دیگر می‌گذشت. برکت ره‌ما، مجد را به ایران بخشید و وزاده سال از درختانین سال‌های زندگی او وقت شناخت ایران، جنبه‌های فراموش شده فرهنگ باستانی آن و همزاد آن همه، صرف خلاقیت فراینده‌ای شد که در ایران بازنتاب یافته است. فوزیه مجد در این سال‌ها (۱۳۴۹، ۱۳۴۹) تدریس کرد، نقدهای جدی و معتبر درباره موسیقی نوشت (بیشتر به زبان انگلیسی)، آهنگسازی کرده و به عنوان اولین او نامروز، معتبرترین (بانوی پژوهشگر در دو حوزه مهم موسیقی‌های مناطق (خراسان و بلوچستان) له تنها خواننده‌ها و خواننده‌های نفیس را ضبط کرد، بلکه به دریافت‌هایی نوشت شد هنوز هم ویژه خود است و کسی به حال این چنین شهود درخشانی را در ذرک بی‌واسطه فرهنگ‌های بومی نشان نداده است. تقریباً همه تهرین اثر فنی انسان، مجموعه مقالات او و یک معضایه طنزهای از خاتم فوزیه مجد در گوش نویسنده این یادداشت و بیش از همه به تفصیل خود او درست کردن است. به احتمال قوی، این آخرین اثر اویشان است که در ایران انتشار می‌یابد. درچه‌ای است از رنگین به جهان ذهنی یکپایهٔ ذهنی تنها در آستانهٔ فصلی سرده که با گذارهایی نفس‌گسی حضور است و زندگی است و نه تنها موسیقی بلکه همه آن زرخشش‌هایی است که موسیقی را معنا می‌بخشد.

- آثار فوزیه مجد، مجموعه مقاله‌ها، نقدها و مصاحبه‌ها در مجلات و روزنامه‌ها (۱۳۴۸، ۱۳۴۷)
- کتابان اینترنتی‌شال، تماشا، رودکی و… فصلنامه ماهوار (در دست چاپ مجد با ویرایش)
- آثار شیراز، ۱۳۵۲
- تلفعات برای پیانو، ایرانا، ستاره‌ها، پاکبوری در دهکده و… (مؤسسه ماهوار، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹)
- مجموعه سی‌دی‌های ضبط شده از آثار استادان: نظرمحمد سلیمانی، مختار زینتلی‌یانف، حاج حسین یگانه، لعل بخش بیک و… (موسیقی شمال خراسان و موسیقی بلوچستان)
- مجموعه پارتیور و سی‌دی شپ کوک، (اثری برای ارکستر زهی) چاپ و انتشار از شرکت فرهنگی «هنری مؤسسه فردر دست چاپ»

سرمدییر ؛ علی‌اصغر رعشایپور

مهارت‌های بنیادی

مهارت‌های بنیادی در **دویمدیا**، **گرافی** کاری، **توضیح** و **تعمیر** **صداقت**، **بافتایی**،**بازمان**،**منصفی**، **احمد گودزی**، **تهران** **وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی**، **سازمان چاپ و انتشارات**، **۱۳۸۱**، **۲۹۹ صفحه**، **۲۹۰** **تومان**.

اگرچه کتاب‌های پیش‌درازی در زمینه تکنیک‌های دویمدیا وجود دارد، اما موعودی از آنها به تدریس رشته‌های گوناگون دویمدیا اختصاص یافته‌است. کتاب مهارت‌های بنیادی در دویمدیا دقیق‌ترین و عمیق‌ترین کتابی است که درباره روش تدریس بنیادی این ورزش به افرا میدی ارائه شده است. مریان و مدرسان رده‌های سنی پایین که بافتون دور میدیا آشنایی دارند، با خواندن این کتاب تصدیق خواهند کرد، مطلب آن ورزش‌متن‌دار را مستقیم به هدف این ورزش می‌رساند.

گفتار استادان

جهل گفتار از جهل استاد در ایران ششامی، **سید حسن امین**، انتشارات دستان، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۳۵۰تومان. کتاب حاضر مجموعه مقالاتی از استادان و صاحبزنان در زمینه ایران شناسی است که در انجمن ادبی کمال در طول سال چاپ ایراد شده بود. موضوع این مقالات، فلسفی، علمی، دینی، تاریخی، ادبی و هنری است. کاتب، امیدوار، سیدعلی‌امین، محمداراهیم باستانی، پاریزی، محمد پارسا، عنایت‌الله رضا و... از جمله افرادی هستند که در این مجموعه مطالبشان را می‌خوانیم.

نمی‌خواهم بمیرم

پانزده سال دارم و نمی‌خواهم بمیرم **زندگی** **آقرا** **فراه** **هم** **آسان** **نیست**، **گریستن** **آرژونی**، **ترجمه** **قاسم صمصوی**، **تهران**، **سروش** (انتشارات صدا و سیما)، **۱۳۸۱**، **۳۲۶** **صفحه**، **۱۵۰۰** **تومان**

کتاب حاضر مجموعه دو کتاب از گریستن آرژونی نویسنده مشهور مجاری است. کتاب اول پانزده سال دارم و نمی‌خواهم بمیرم نام دارد که اولی دهه ۵۰گفته شده و در سال ۱۹۵۲ جایزه بزرگ رویترا دریافت کرد و کتاب دوم زندگی آقرا نام دارد که اولی در سال ۱۹۵۷ به عنوان نیاچه رمان اول منتشر شد. از این نویسنده تاکنون تنها یک داستان کوتاه به عنوان نویسنده موفق در جمله سخن به چاپ رسیده است.

پراز سفر

آقوش من از سفر بر است، **فریاد شهری**، انتشارات **تیم‌نگار**، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۷۰۰تومان. **فریاد شهری** نادرین سروده‌های خود را که در چهار دفتر تدوین شده، در یک کتاب منتشر کرده است. تاسخ اولین شعر این مجموعه که به صادق هدایت تقدیم شده، شعری من‌این‌ها باستانی بودم... شهری در شعرهای خود سعی دارد از عناصر و اشیای بومی سود بجوید، هرچند این شعرها از عناصر زندگی مدرن خالی نیست.

عشق و آفرینش

زایش دوباره در آفرینش و عشق، رضا آراسته - محمود حافظ، انتشارات عطایی، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۲۲۰تومان. این کتاب زایش دوباره در عشق و آفرینش را از دیدگاه مولانا جلال‌الدین بلخی - معروف به رومی- بررسی می‌کند. این کتاب توسط رضا آراسته به زبان انگلیسی نوشته شده بود و توسط محمود حافظ به فارسی ترجمه شد. آریک فروم دیباچه و درآمدی بر این کتاب دارد که خود استاد رضا آراسته در دانشگاه بود. کتاب با جستاری گسترده درباره زمینه‌های اجتماعی ایران از کهن‌ترین روزگار تا امروز در شرح روح سلفه‌گری و سلفه‌پادیزی در بشر آغاز می‌شود...

پنج پری نیلوفری

پنج پری نیلوفری، **آسانه‌های** **از** **چین** **و** **هند**، **ترجمه**، **چینسا** **پری**، **نشر** **نارسیرا**، **چاپ** **اول**، **۱۳۸۱**، **۹۰** **تومان**.

کتاب، قصه‌هایی از شرق دور و هند را به همراه تصاویر روایت می‌کند. قصه‌هایی که بسادگی یک حکایت و پیچیدگی مدرن‌ترین شیوه‌های روان‌رمانی گشتائی و شناختی، عمل می‌کنند و فرادری پاری تخیل خویش، به درک جدیدی از موقعیت و حقیقت می‌رسانند.

میرزا صالح و زریاب

گفت‌وگو با دکتر عباس زریاب خوبی، **غلامحسین میرزا صالح**، **نشر** **فرزان**، **چاپ** **اول**، **۱۳۸۱**، **۱۰۰۰** **تومان**. این کتاب مصاحبه مفصلی است با استاد عباس زریاب خوبی که دیدگاه‌هایش را پیرامون تاریخ، نظریه تاریخ و تاریخ‌نگاری بیان می‌کند. اما میرزا صالح در مقدمه کتاب اطلاع نمی‌دهد که این مصاحبه توسط چه کسی و در چه سالی صورت گرفته است. بخش دوم کتاب متن کامل سخنرانی زریاب خوبی در دفتر نشر فرزان است که در سال ۷۳ و یک هفته قبل از درگذشتش ایراد شده بود.

راهکار توزیع کتاب

طراحی و **بهینه‌سازی** **نظام** **توزیع** **کتاب** **در** **ایران**، **محسن** **رضایی**، **شهربار** **رشدی**، **سیدعلی** **تنکابی**، **نشر** **لیگا**، **چاپ** **اول**، **۱۳۸۱**، **۲۰۰** **تومان**. کتاب فوق در پنج فصل به «امتیاز نظری توزیع» و «ویژگی‌های کتاب»، «بررسی وضعیت نشر در ایران»، «توزیع کتاب در ایران» و «سیستم کارآمد توزیع کتاب» می‌پردازد. تحقیق حاضر عوامل بازدارنده و پیش‌برنده را با توجه به امکانات و محدودیت‌های موجود در توزیع کتاب شناسایی و معرفی می‌کند و با در نظر گرفتن یافت و شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور چشم‌اندازهای برای معرفی نظام کارآمد توزیع کتاب ارائه می‌دهد.

ایدئولوژی

مفهوم **ایدئولوژی**، **خورخه** **لاراین**، **فریریز** **مجدیدی**، **مرکز** **چاپ** **و** **انتشارات** **وزارت** **آموزش** **و** **تربیت**، **چاپ** **اول**، **۱۳۸۱**، **۱۲۵۰** **تومان**. فصل اول این کتاب، در یک بررسی موجز شرح می‌دهد که چگونه مفهوم ایدئولوژی به‌وجود آمد و چه سنت‌ها و نویسندگانی از قرن شانزدهم تا قرن نوزدهم در تشکیل آن سهم مؤثر داشتند. فصل دوم با معرفی مفهوم مارکس از ایدئولوژی در زمینه سیر تحول فکری او از این رویارویی بحث می‌کند. فصل سوم به مباحث و نوشته‌های رایج به این مفهوم در آستانه قرن بیستم مربوط می‌شود و...

انجمن **تبلیغاتی** **کلیسا** **C.M.S**، **پژوهشی** **بر** **فعالیت** **انجمن** **تبلیغاتی** **کلیسا** **C.M.S** **در** **دوره** **فاجاریه**، **صفورا** **پرومند**، **تهران**، **مؤسسه** **مطالعات** **تاریخ** **معاصر** **ایران**، **۱۳۸۱**، **۲۶۶** **صفحه**، **۷۰۰** **تومان**

کتاب حاضر پژوهشی است درباره محل حضور و فعالیت مبلغان مسیحی در ایران قرن سیزدهم هجری قمری. پرومند کتاب را در سه بخش مسیحیت و تبلیغ آن در ایران و جهان، نخستین مبلغان پروتستان در ایران و انجمن تبلیغی کلیسا یا CMS در ایران دوره فاجاریه به رشته تحریر در آورده است.

از روایت شعر

از می به روایت و رؤیا، **شیمی** **پورمحمدی**، **نشر** **لاچورد**، **چاپ** **اول**، **۱۳۸۱**، **۲۰۰** **تومان** **پورمحمدی** دومین دفتر شعر خود را متفاوت‌تر و تازه‌تر از شعرهای دفتر سرخ در سرانجام آردی‌بهشت، عرضه کرده است که در تقسیم‌بندی شعر امروز، جایگاه خود را در میان شاعران بیست‌مدن تثبیت می‌کند.

بر تارک تاریخ

تاچی **بر تارک تاریخ معاصر**، **علی** **اکبر** **نقی** **پور**، **انتشارات** **ایران** **مهور**، **چاپ** **اول**، **۱۳۸۱**، **۲۰۰** **تومان** این اثر فصلی از تاریخ معاصر ایران را پیرامون ملی شدن صنعت نفت و دوران به قدرت رسیدن محمد مصدق روایت می‌کند. اولین بخش کتاب با عنوان داستان نفت به سرآغاز کشف نفت در ایران می‌پردازد و در ادامه مباحثی چون قوام السلطنه، تور و ناموفق شاه، جبهه ملی، دولت درزم آرا و... را می‌خوانیم. نویسنده در فصل پایانی نظریه اجمالی به ۲۸ راه حکومت دکتر مصدق دارد و به تحلیل عوامل کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۳ می‌بیند.

کلی امامی و «باغ فردوس»

اگلی امامی، که چندین کتاب قبل از «ختری با گوشواره مروارید» را از سوی نشر چشمه به بازار عرضه کرده بود، بزودی آخرین ترجمه‌اش را با عنوان باغ فردوس از سوی انتشارات علم روانه بازار خواهد کرد.

این اثر را ناآهتیا فیروز نوشته و در آن نویسنده در داستانی جذاب و عاطفی، خنده‌های سیاسی اجتماعی پیش از انقلاب را بازگو می‌کند.

زندگی فروغ از نگاه دوستان

«با بهای آه» مجموعه‌ای کامل از زندگی و انکار و عقاید فروغ فرخ‌اد شاعره نامی معاصر است که به کوشش ناصر صفاریان و از سوی انتشارات روزنگار تا مهرماه به بازار نشر عرضه می‌شود. در این کتاب ۲۰۱ عکس که در میان آنها برخی عکس‌های منتشر نشده هم وجود دارد، آمده است.

زندگی **آرتیگرید** **برکمن**، **آنتونی** **شر** **کاه**، **زندگی‌نامه** **آرتیگرید** **برکمن** **را** **ترجمه** **کرده** **که** **تا** **مهرماه** **آینده** **از** **سوی** **نشر** **روزنگار** **به** **بازار** **کتاب** **عرضه** **خواهد** **شد**.

افسانه‌های اروپ

«افسانه‌های اروپ» به صورت کامل ترجمه شده و از سوی انتشارات روزنگار به بازار عرضه خواهد شد. این اثر رامگان پرومند ترجمه کرده است و به نظر می‌رسد نخستین ترجمه کامل از این مجموعه کهن ادبی باشد.

مبایک احمدی و هایذگر

هایذگر آغاز کرده است، **پرویدی** **دو** **کتاب** **از** **سه** **گانه** **اش** **درباره** **این** **چهره** **بخت** **بر** **انگیز** **غرضه** **فلسفه** **از** **از** **سوی** **نشر** **مرکز** **روانه** **بازار** **نشر** **خواهد** **کرد**.

این دو کتاب **هایذگر** و **پرشش** **بنادین**، **و** «هایذگر **و** تاریخ **هنس**» **نام** **دارند** **که** **حجم** **آنها** **باز** **بر** **۱۵۰۰** **صفحه** **می** **شود**.

بیسته‌نگار و کتاب مصدق و حاکمیت ملت

«مصدق و حاکمیت ملت» عنوان اثری است از محمد بیسته‌نگار که بزودی از سوی انتشارات قلم به بازار کتاب عرضه می‌شود. در این کتاب ۹۷۲ صفحه‌ای مطالب انتشار یافته‌ای از دوران حکومت ملی دکتز مصدق آورده شده است.

ابراهیم **یزدی** **و** **بررسی** **زویای** **کودتای** **۲۸** **مرداد** **کتاب** **گشتگانی** **توطئه** **عنوان** **فرمان** **دکتر** **اراهیم** **یزدی** **است** **که** **بزودی** **از** **سوی** **انتشارات** **قلم** **به** **بازار** **کتاب** **عرضه** **می** **شود**. **کتاب** **شامل** **معاملات** **و** **فعالیت** **ها** **و** **دخالت** **پیکانگان** **بخصوص** **کشور** **بریتانیا** **در** **سروگونی** **دولت** **مصدق** **و** **ایجاد** **زمینه** **سازی** **و** **اقدام** **به** **کودتای** **۲۸** **مرداد** **است**.

داستانبوسفکی و آناه

داستانبوسفکی و آناه **عنوان** **کتابی** **است** **نوشته** **ایگور** **ولگین** **و** **اسیر** **گنلف** **و** **با** **ترجمه** **یوسف** **قنبر** **که** **نشر** **فرزان** **روز** **آن** **روانه** **بازار** **کتاب** **خواهد** **کرد**.

خطاطرات موحدی ساوجی

کتاب خطاطرات حجت‌الاسلام محمد جدی سارچی، نماینده مجلس که سال گذشته در سانحه تصادف با بدیع‌القیاس شافعی، به کوشش عباس بناهی و از سوی انتشارات فرزان انقلاب اسلامی بزودی به بازار نشر عرضه می‌شود.

تکامل ایدئولوژی، اقتصاد

تکامل نهاد و ایدئولوژی‌های اقتصادی اثری از ا.ک. هانت با ترجمه سهراب بهداد از سوی نشر آگاه بزودی منتشر خواهد شد.

معماری تفصیلی

اثری از کریستیان نورری شولتز با عنوان «مفهوم سکونت» یا «به‌سوی معماری تکنولی» (با ترجمه محمودامیر ابراهمدی) توسط نشر آگاه در دست انتشار است.

زندگی اورهان پاموک

رمان زندگی و اسامحسین‌ترین رمان اورهان پاموک نویسنده بیست‌مدرن ترکیه با ترجمه ارسالان فصیحی پس از مدت‌ها سرانجام مجوز انتشار در دریافت کرد و از سوی نشر فرهنگس پوریدی منتشر می‌شود.

هروزانفر و عباس اقبال

جلد پنجم پژوهشگران معاصر ایران، «به قلم هوشنگ اتحاد که به زندگی و آثار عباس اقبال آشتیانی و بدیع‌الزمان روزانفر اختصاص دارد، از سوی نشر فرهنگ معاصر منتشر خواهد شد.

شاه عباس دوم

کتاب «ایران در عهد شاه عباس دوم» به قلم پاول لوفت با ترجمه کیکاویوس جهاننداری از سوی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه در این هفته منتشر می‌شود.

